

جریده شعلہ جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیت (مانوئیت) افغانستان  
است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت  
ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کونئی جنگ خلق) قرار دارد.  
(اساتذہ حزب)

# شعلہ جاوید



ارگان مرکزی حزب کمونیت (مانوئیت) افغانستان

شور ۱۳۹۹ (می ۲۰۲۰)

دور چهارم

شماره (۲۵)

## شیوع جهانی "کووید-۱۹"

### عارضه طبیعی یا جنگ بیولوژیک امپریالیزم

### امریکا و سوسیال امپریالیزم چین

قتل عام کارگران افغانستانی

را توسط مرزبانان رژیم

آخوندی ایران

به شدت محکوم می‌نمائیم  
ص ۶

امپریالیزم جهانی عامل

پیدایش ویروس‌های کرونا

ص ۱۱

شیوع جهانی بی‌ماری کووید ۱۹

و گسترش نژادپرستی  
ص ۲۱

از زمان آغاز شیوع بیماری "کووید-۱۹" در چین تا حال صرفاً کمی بیش‌تر از پنج ماه می‌گذرد. در طی همین مدت کوتاه، "کووید-۱۹" نه تنها از برخاستگاه اصلی خود در شهر "ووهان" چین تقریباً به تمام کشورهای جهان پخش گردیده بلکه مجموع مبتلایان به این بیماری بیش‌تر از چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) نفر و مجموع تلفات آن در حدود دوصدوپنجاه هزار (۲۵۰۰۰۰) نفر گردیده است. این در حالی است که نه تا حال واکسین موثری برای این بیماری ساخته شده است و نه هم راه تداوی اساسی معینی تا حال برای آن به وجود آمده است.

ادامه در صفحه ۲

به صورت "غیر عمدی" به بیرون از لایراتوار مذکور پخش گردیده است. اما موضع رسمی "سازمان جهانی صحت" تا حال این است که کروناویروس جدید، در لایراتوارها ساخته نشده بل که نتیجه تکامل طبیعی خاندان کرونا ویروس است.

از مدتی به این طرف دولت تحت رهبری ترامپ در امریکا به دلیل این که امریکا به بزرگترین مرکز شیوع بی‌ماری "کووید-۱۹" در جهان میدل گردیده و در افکار عامه مردم امریکا به سختی بی‌حیثیت گردیده است، به نحوی که گفته می‌شود محبوبیت آن تا ۳۵٪ پایین آمده و اگر وضعیت به همین صورت ادامه پیدا نماید و حتی بدتر شود، ترامپ در انتخابات آینده امریکا به شدت شکست خواهد خورد. در چنین وضعیتی ترامپ حتی تا آن جا پیش رفته است که کل کمک مالی سالانه ایالات متحده امریکا به "سازمان جهانی صحت" را قطع کرده و گفته است که چون "سازمان جهانی صحت" در موضوع شیوع بیماری "کووید ۱۹" از چنین طرفداری می‌نماید دیگر حاضر نیست به سازمان مذکور کمک مالی نماید.

برعلاوه دولت جمهوری اسلامی ایران، تا سطح خامنه‌یی، نیز باربار ادعا کرده است که کرونا ویروس جدید توسط امریکایی‌ها در ایران پخش

اطباء در تمامی کشورهای جهان، از پیش‌رفته‌ترین کشورهای جهان مثل ایالات متحده امریکا گرفته تا عقب‌مانده‌ترین آن مثل افغانستان، فقط اعراض و علائم این بیماری، مثل ریزش، گلودردی، نفس‌تنگی، سردردی و غیره را، مثل سیستم تداوی هیمیوپتیک مداوا می‌کنند و هنوز نمی‌توانند خود ویروس جدید کرونا را مورد هدف قرار دهند، چرا که این ویروس هنوز نه واکسین دارد و نه هم داروای که مستقیماً علیه خود ویروس به صورت ریشه‌یی سروکار داشته باشد.

حتی در مورد ریشه پیدایش این ویروس هنوز میان دانش‌مندان علوم طبی در جهان و کشورهای مختلف جهان یک نظر واحد وجود ندارد. زمانی که بی‌ماری "کووید-۱۹" در "ووهان" چین شیوع یافت، بعضی ازین دانش‌مندان ادعا کردند که این ویروس توسط امریکایی‌ها ساخته شده و به چین انتقال یافته است تا در جنگ تجارتی علیه چین به آسانی پیروزی به دست بیاورند. اما بعدها که این بی‌ماری به کشورهای غربی و مشخصاً ایالات متحده امریکا به شدت شیوع یافت و کشورهای مذکور را به شدیداً متأثر ساخت، این بار نوبت امریکایی‌ها بود که بگویند کروناویروس جدید، در ابتدا در یک لایراتوار در چین ساخته شده و

در هر حال مسلم است که شیوع بی‌ماری "کووید ۱۹" در جهان نتیجه سلطه جهانی نظام استثمارگرانه و ستم‌گرانه کاپیتالیستی امپریالیستی است، سلطه‌ای که از اثر گلوبالایزیون نوین کاپیتالیزم امپریالیستی بیش‌تر از پیش عمق و گسترش جهانی یافته است. به عبارت دیگر شیوع جهانی این بی‌ماری نشانه روشنی از تشدید تضاد میان تولید جمعی و تملک خصوصی سرمایه‌دارانه امپریالیستی در جهان است.

نظامی که آن قدر سلاح‌های اتمی کشتار جمعی تولید کرده است که اگر به یک‌بارگی به کار گرفته شود، قادر است زمین را از مدارش خارج سازد، اما در مبارزه علیه کروناویروس جدید قادر نیست به قدر کافی برای جلوگیری از شیوع بیش‌تر بی‌ماری "کووید ۱۹" ماسک در اختیار داشته باشد، چه‌گونه نظامی است؟ این نظام، نظامی است که موضوع صحت انسان‌ها یعنی موضوع زندگی انسان‌ها را در کره زمین به یک تجارت پرسود مبدل کرده و آن را به موضوعی برای سودبردن و انباشت بیش‌تر سرمایه مبدل کرده است. این نظام، نظامی است که ابر قدرت امپریالیستی درجه اول آن در جهان در مبارزه علیه بی‌ماری "کووید ۱۹" آن‌قدر ناتوان و بیچاره تشریف دارد که برای در اختیار گرفتن کالاای مثل

گردیده است تا جمهوری اسلامی ایران را به زانو در بیاورند. در وضعیتی که جمهوری اسلامی ایران به شدت از بابت تحریمات اقتصادی امریکا علیه ایران شدیداً در مضیقه اقتصادی قرار گرفته است، ارسال یک قمر مصنوعی نظامی از طرف ایران به فضا و قرار گرفتن آن در مدار ۱۴۵ کیلومتری جو زمین نمی‌تواند بی‌ارتباط با جنگ بیولوژیکی حقیقی یا خیالی میان بلوک‌بندی‌های امپریالیستی- ارتجاعی امریکا و سوسیال‌امپریالیستی چین و متحدین و دنباله‌روان امپریالیستی و ارتجاعی آن‌ها در جهان و تشدید تضاد میان آن‌ها در جهان، به دنبال مانور نظامی مشترک روسیه، چین و ایران در بحر هند و بحیره عمان، باشد.

خلاصه با وجود موضع‌گیری رسمی "سازمان جهانی صحت" مبنی بر طبیعی بودن شیوع بی‌ماری "کووید-۱۹" در جهان، واضحاً این موضوع به یک مسئله مورد اختلاف در جهان، هم در سطح دانش‌مندان علوم طبی و هم در سطح رهبران سیاسی تعدادی از کشورهای قدرت‌مند امپریالیستی، سوسیال‌امپریالیستی و ارتجاعی جهان، مبدل گردیده، به نحوی که حتی باعث قطع کمک مالی دولت امریکا به "سازمان جهانی صحت" گردیده است.

و فقط یک راه دارد و آن نجات کل نسل بشر از استثمار و ستم و رسیدن همه به کمونیزم جهانی است. میان این "بشر دوستی" پرولتاریا و بشر دوستی کاپیتالیستی هیچ مرز مشترکی وجود ندارد، جز مبارزه حیاتی و مماتی میان دو طبقه و متحدین آن‌ها بر سر دو نظام استثمارگرانه و ستم‌گرانه و نظام بری از هر گونه استثمار و ستم در سطح جهان.

در اوضاعی که تمامی تضادهای بزرگ جهانی (تضاد امپریالیست‌ها با خلق‌ها و ملل تحت ستم جهان، تضاد بورژوازی و پرولتاریا در کشورهای امپریالیستی و کاپیتالیستی و تضاد ابرقدرت‌ها و قدرت‌های امپریالیستی، سوسیال‌امپریالیستی، کاپیتالیستی و ارتجاعی با همدیگر شان)، در حال تشدید قرار گرفته است؛ رسالت و وظیفه تاریخی انترناسیونالیستی انقلابیون کمونیست (احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست-مانونیست) این است که قطب انقلاب در جهان را در مقابله اساسی با قطب ضد انقلاب در جهان قاطعانه نمایندگی نمایند و مشخصاً بر مبنای این مقابله اساسی در سطح جهان با تکیه بر تضاد عمده کنونی جهانی رسالت و وظیفه مبارزاتی عمده کنونی جنبش کمونیستی بین‌المللی را مشخص و روشن سازند.

ماسک، که حتی خیاطان افغانستانی با استفاده از یک ماشین خیاطی و مقداری تکه و غیره تولید آن را شروع کرده اند، به دزدی بحری دست بزند و دلیلش هم این است که خود به آن احتیاج دارد!؟ این نظام، نظامی است که در تلاش علمی برای ساختن واکسین بیماری "کووید ۱۹"، که حالا به یک موضوع حیاتی و مماتی فوری و عاجل برای نسل بشر تبدیل گردیده است، بخش‌های مختلف حاکمان آن دنبال منافع اقتصادی و سود تجارتي شان هستند و رقابت ددمنشانه علیه همدیگر را بر سر تصاحب منافع اقتصادی و سود تجارتي آن پیش می‌برند. بنابراین این نظام، نظامی است که حتی در یک موضوع عاجل حیاتی و مماتی برای زندگی انسان‌ها قادر نیست انارشی ذاتی تولیدی خود را رفع نموده و خارج از محدوده سود و منفعت، "بشر دوستی" خود را به نمایش بگذارد، چرا که بشر دوستی و اومانیزم کاپیتالیستی امپریالیستی‌اش فقط در همین محدوده قرار دارد.

پرولتاریا طبقه ای است که تأمین منافع طبقاتی اش با نجات کل نسل بشر گره خورده است. منافع غایی طبقاتی پرولتاریا در نهایت با تحقق کمونیزم در جهان به دست می‌آید که در آن «یا همه به کمونیزم می‌رسند یا هیچ کس.» بنابراین پرولتاریا برای نجات خود فقط

طریق پیروزی انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی در جهان و کشورهای جهان است." بنا برین روشن ساختن این امر، با توجه به تجربه قبلی "جنبش انقلابی انترناسیونالیستی" (جاا) در مورد تضاد عمده جهانی برای جنبش کمونیستی بین‌المللی (م ل م) در مسیر مبارزه برای ایجاد سازمان مائونیستی بین‌المللی در مسیر مبارزه برای ایجاد انترناسیونال نوین کمونیستی و مقدم بر آن تشکیل کنفرانس بین‌المللی مائونیستی به خاطر تشکیل چنان سازمانی یکی از موضوعات کلیدی و مهم محسوب می‌گردد. لذا ما نباید صرفاً به طرح سؤال درین مورد اکتفا نماییم، بلکه در عین حال برای یافتن پاسخ اصولی، مناسب و عاجل این سؤال نیز بکوشیم. در غیر آن جنبش مائونیستی بین‌المللی تجربه ناکام جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جاا) را در مورد تضاد عمده جهانی یک بار دیگر تکرار خواهد کرد.

\*\*\*\*\*

\*\*

\*

[www.sholajawid.org](http://www.sholajawid.org)

[Sholajawid2@hotmail.com](mailto:Sholajawid2@hotmail.com)

بنا برین روشن ساختن این که تضاد عمده کنونی جهان کماکان تضاد امپریالیستی‌ها با خلق‌ها و ملل تحت‌ستم جهان است یا با توجه به تشدید تضاد میان ابرقدرت‌ها و قدرت‌های امپریالیستی، بعد از شیوع جهانی بیماری کووید ۱۹ در جهان، یا در واقع شروع جنگ میان آن‌ها، به صورت جنگ بیالوژیکی، همین تضاد جای تضاد عمده قبلی جهانی را گرفته است، یک موضوع محوری است؟

اگر تضاد عمده در جهان کماکان تضاد میان ابرقدرت‌ها و قدرت‌های امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی از یک طرف و خلق‌ها و ملل تحت‌ستم جهان از طرف دیگر باشد، در آن صورت وظیفه عمده جنبش کمونیستی بین‌المللی (م ل م)، پرولتاریای جهان و خلق‌ها و ملل تحت‌ستم جهان، مبارزه برای پیروزی انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی در جهان و کشورهای جهان است.

اما اگر جای تضاد عمده مذکور در جهان را تضاد میان ابرقدرت‌ها و قدرت‌های امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی رقیب باهم گرفته باشند، در آن صورت وظیفه عمده جنبش کمونیستی بین‌المللی (م ل م)، پرولتاریای جهان و خلق‌ها و ملل تحت‌ستم جهان، مبارزه برای جلوگیری از وقوع جنگ جهانی امپریالیستی از

# قتل عام کارگران افغانستانی را توسط مرزبانان رژیم آخوندی ایران

## به شدت محکوم می‌نمائیم

تقابل جنگی علیه دولت امریکا قرار گرفت و برای دولت امریکا و متحدین انگلیسی‌اش این چانس را فراهم نمود که به بهانه سرکوب القاعده و سرنگونی امارت اسلامی طالبان بر افغانستان تجاوز نموده و کشور ما را تحت اشغال شان قرار دهند.

با اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا و سپس اشغال عراق توسط اشغال‌گران امپریالیست، نه تنها افغانستان، بلکه منطقه نیز بحران زده گردید و شعله‌های جنگ‌های ارتجاعی اشغال‌گرانه و داخلی در اکثریت کشورهای منطقه زبانه کشید و زندگی توده‌های زحمتکش منطقه را بیشتر از پیش به سمت بی‌خانمانی و فلاکت سوق داد.

در افغانستان اشغال شده روز به روز بر شدت و حدت بی‌کاری افزوده گردید و بی‌کاری در همه سطوح اجتماعی دامن‌گیر زحمتکشان افغانستان گردید. تمام اقشار و طبقات مردمی جامعه متقاضی کار می‌باشند. اما متأسفانه برای‌شان کاری وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بسیار اندک بوده و نیازمندی مردم ما را مرفوع ساخته نمی‌تواند. در مدت نژده سالی که از عمر رژیم دست‌نشانده کنونی در افغانستان می‌گذرد، هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان این کشور به عمل نیامده است. هر روز کارگران، به علت فقر و بی‌چارگی به

بعد از کودتای ننگین هفت ثور و اشغال کشور توسط سوسیال‌امپریالیزم "شوروی" افغانستان به یک کشور جنگ زده و بحرانی تبدیل گردید و زندگی برای مردمان کشور و به خصوص طبقه کارگر و بقیه زحمتکشان سخت‌تر از قبل گردید و چندین میلیون انسان زحمتکش به کشورهای هم‌سایه و سایر کشورهای جهان آواره گردیدند. بعد از شکست سوسیال‌امپریالیزم "شوروی" و ایجاد "دولت اسلامی" در افغانستان، نه تنها این بحران حل نگردید، بلکه با تحمیل جنگ‌های ارتجاعی داخلی میان جناح‌های مختلف جهادی، به عنوان مجریان جنگ نیابتی امپریالیزم امریکا و انگلیس و قدرت‌های مرتجع وابسته به آن‌ها در منطقه از یک طرف و امپریالیزم روسیه و قدرت‌های مرتجع وابسته به آن از طرف دیگر، زندگی توده‌های زحمتکش روز به روز مشکل‌تر گردید.

قدرت‌های مرتجع وابسته به امپریالیزم امریکا و انگلیس، با حمایت اربابان امپریالیست شان، برای این که در جنگ نیابتی افغانستان، امپریالیزم روسیه و قدرت‌های مرتجع وابسته به آن و نیروهای جنگی نیابتی شان را شکست دهند، به اصطلاح تحریک اسلامی طالبان را روی صحنه آوردند. اما این پروژه نظامی امریکایی و انگلیسی پیش از آن که در افغانستان به پیروزی سرتاسری دست یابد، از طریق القاعده در

آن طرف مرز پا می‌گذارند با مشکلات عدیده‌ای از قبیل تحقیر، توهین، آزار و اذیت، استثمار بی حد، حتی به زندان انداختن شان به خاطر نپرداختن حقوق شان مواجه می‌شوند. بیش از همه اگر در بین راه شناسایی شوند علاوه بر تحقیر، آزار و اذیت روانه اردوگاه می‌شوند و در آنجا هم داروندار شان را از ایشان گرفته آنقدر آزار و اذیت می‌کنند که غیر از رهایی خویش به دیگر چیزی فکر نکنند.

در افغانستان اشغالی، زحمت‌کشان جامعه اعم از کارگر و دهقان و سایر زحمت‌کشان، در وضعیت فلاکت‌باری به سر می‌برند. با گذشت هر روز، دامنه فقر و بیکاری وسعت بیش‌تری به خود گرفته و حاکمان دست‌نشانده و مستبد نظام فعلی با دارودسته‌های شیاد و سودجوی شان این سرزمین را به بازار کسب درآمد سرشار خویش بدل ساخته اند. با چنین وضعیتی از یک طرف بر تعداد گرسنه‌گان و پابرهنگان ستم‌دیده این دیار افزوده می‌گردد و از طرف دیگر یک اقلیت بهره کش، غارتگر، سودجو و چپاولگر با تحمیل اعمال غیر اخلاقی و ضد انسانی خویش این کشور را به محل دهشت افزای اضطراب و پریشانی، یاس و ناامیدی و نهایتاً بی‌سرنوشتی کارگران مبدل ساخته اند.

با شیوع بیماری کووید ۱۹ در افغانستان رژیم پوشالی هیچ برنامه بنیادی برای مبارزه با این بی‌ماری نداشت، با بی‌اعتنایی به این بی‌ماری نگرست و گذاشت تا این بی‌ماری به سادگی در افغانستان شیوع پیدا کند. رژیم پوشالی با شیوع یافتن این بی‌ماری فقط و فقط به دنبال اهداف اقتصادی و سیاسی خویش است. سران رژیم پوشالی هیچ‌گاه به صحت و زندگی توده‌های زحمت‌کش فکر نمی‌کند. به همین دلیل است که مبتلایان به این بی‌ماری تا کنون به مرز چهار هزار نفر رسیده است و جان بیش از صد نفر را گرفته است.

کشورهای هم‌سایه مهاجر شده و عده‌ای به نام‌های متفاوت توسط باند ضد مردمی حاکم بر ایران به قتل رسیده و یا به دار آویخته شده اند.

این وضعیت در حالی اتفاق می افتد که رژیم پوشالی افغانستان وعده فراهم‌آوری زمینه اشتغال را بارها در حرف داده است اما نه اشتغالی مهیا شده و نه هم مزدی که بتواند زمینه ساز زندگی حداقل بخور و نمیر برای خانواده‌های کارگران شود.

توده‌های زحمت‌کش کشور به خوبی شاهد اند که نه تنها اشتغالی میسر نگردیده، بلکه روز به روز زمینه‌های کاری برای اکثریت کارگران و زحمت‌کشان جامعه فروکش نموده است. دهقانان متوسط الحال به دهقان فقیر و دهقان فقیر به دهقان بی‌زمین بدل گشته اند. میزان آب و میزان کشت و کار برای اکثریت قریه جات کاهش یافته و عده زیادی از دهقانان را به کارگران مزد بگیر بدل ساخته است. تعدادی از دهقانان، قریه‌جات خویش را رها نموده و برای پیدا نمودن کار در حومه‌های شهر سکنا گزین شده اند. این وضعیت صف بی‌کاران را چند برابر ساخته است.

تعداد کارگران بی‌کار در سر هر گذر چند برابر گردیده است. در چنین حالتی کارگران به سختی می‌توانند در هفته دو الی سه روز برای خویش کاری بیابند. بناءً حد اوسط معاش یک کارگر در افغانستان کنونی به طور ماهانه از مبلغ ۳۰۰۰ الی ۳۵۰۰ افغانی تجاوز نمی‌کند. این مبلغ مخارج زندگی بخورونمیر پانزده روزه یک فامیل ۳ الی ۴ نفره را کفایت نمی‌کند چه رسد به کرایه خانه، دوا و داکتر، پول برق و آب و دیگر مصارف زندگی. این وضعیت نابه‌نجار جامعه سبب گردیده تا کارگران برای پیدا نمودن کار روانه کشورهای هم‌سایه و بخصوص ایران گردند. زمانی‌که به

کارگران و حتی خرده بورژوازی شهری را به وحشت انداخت.

بعد از سپری شدن بیش از چهل و پنج روز و تحمل فقر و فاقه و گرسنگی، کارگران افغانستانی برای دریافت کار روانه ایران شدند. در هفته گذشته در حدود ۵۷ نفر از کارگران افغانستانی در آن سوی مرز توسط مرزبانان ایرانی بازداشت گردیدند. مرزبان با قساوت و ددمنشی هر چه تمام کارگران را شکنجه نموده و بعد از شکنجه آن‌ها را به هری رود انداختند. کسانی که با شنا آشنایی داشتند توانستند که خود را به ساحل برسانند و نجات یابند. ۱۲ تن از آن‌ها نجات پیدا نمودند، بقیه کشته شدند که از جمله ۲۰ تن شان ناپدید اند.

سه روز قبل از این حادثه المناک پدری با دو پسرش روانه ایران می‌گردند. زمانی که از مزر عبور می‌کنند شرایط را سخت می‌بیند تصمیم به برگشت می‌گیرند و بر می‌گردند. حینی که از آب عبور می‌کند و داخل خاک افغانستان می‌شوند مرزبانان ایرانی آن‌ها را به رگبار می‌پندند. یک جوان ۱۸ ساله به نام فدامحمد "محمدی" از ناحیه نهم شهر هرات به شدت زخمی می‌شود. این اتفاق در نزدیک یکی از پوسته‌های امنیتی (پاس‌گاه) رژیم دست‌نشانده اتفاق می‌افتد. حینی که جوان زخمی می‌شود پدرش به پوسته امنیتی مراجعه می‌نماید و از آن‌ها خواهان کمک می‌گردد تا فرزند زخمی اش را به یکی از کلینک‌های مرزی انتقال دهند، اما جواب رد می‌شنود. او بالاخره یک مرکب پیدا می‌کند و فرزندش را با مرکب انتقال می‌دهد، متأسفانه تا رسیدن به کلینک فرزندش از شدت خون‌ریزی جانش را از دست می‌دهد. اگر همان زمان که فدا محمد از طرف مرزبان ایرانی در خاک افغانستان مورد اصابت گلوله قرار گرفت، رژیم پوشالی این قضیه را پی‌گیری می‌نمود سه روز بعد

شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ در جهان خانه‌خوابی کارگران و طبقه متوسط جامعه را با خود به همراه داشته و فقط سرمایه‌داران بزرگ از آن بهره‌مند گردیده‌اند. چنانچه با شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ در ووهان چین سرمایه‌داران اروپایی در چین ورشکست گردیدند و کارخانه‌های شان را سرمایه‌داران چینی خریداری نمودند. به همان میزان سرمایه‌داران متوسط متضرر گردیدند و مجبور به فروش کارخانه‌جات خویش گردیدند. در امریکا نیز این روند به سادگی جامعه عمل پوشید. کارتل‌ها کارخانه‌جات سرمایه‌داران متوسط را به سادگی از دست شان بیرون نمودند.

در افغانستان اشغالی نیز سرمایه‌داران کوچک و متوسط ضربه خوردند و دروازه‌های کارخانه‌جات شان را در شهرک‌های صنعتی بستند و بالاخره مجبور به فروش کارخانه‌جات شان خواهند گردید.

«همزمان با شیوع... [بی‌ماری کووید ۱۹] نزدیک به ۸۰ درصد کارخانه‌های تولیدی کوچک ورشکست شده است.» (پنج‌شنبه ۱۸ ثور ۱۳۹۹ خورشیدی - تلویزیون عصر)  
نماینده کام ایر نیز از این ناحیه شکایت داشت و گفت که: «کام ایر فعلاً هیچ پرواز داخلی و خارجی ندارد، بناءً در هفته شش میلیون و پنج‌صد هزار دالر ضرر نموده است.»

در حقیقت کام ایر ضرری را متقبل نشده بل‌که عواید هفته وار خود را نتوانسته در این مدت بدست آورد.

با شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ در بسیاری ولایات کشور رژیم دست‌نشانده بدون در نظر داشت نیازمندی‌های اولیه کارگران و بقیه زحمت‌کشان با بی‌مسئولیتی تمام قرنطین را در شهرهای که این بی‌ماری شیوع یافته بود، اعلان نمود. این حالت اضطراری بیش از همه



برای سپری نمودن زندگی برای خود بیابند. برای کارگران بی‌سواد شرایط زندگی مشکل‌تر از همه است و آن‌ها را این شرایط در خود پیچانده است. آن‌ها نه تنها در طول دوران زندگی شان زمینه درس خواندن نداشته است، بلکه امروز برای اطفال شان نیز هیچ زمینه تحصیلی وجود ندارد. هیچ‌یک از رژیم‌های گذشته و رژیم دست‌نشانده کنونی به فکر راه چاره برای اشتغال طبقات زحمت‌کش و توده‌های ستم‌کشیده نبوده و نیستند و این کتله عظیم پیکر جامعه افغانستانی هر زمان آواره و سرگردان و بی‌سرپناه، گاهی در ایران و گاهی در پاکستان برای به دست آوردن لقمه نانی به هر ذلت و خواری تن داده اند و بیش از حد استثمار شده اند.

سرنوشت توده‌های زحمت‌کش و به خصوص کارگران، در زیر چتر اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده شان به‌تر از این نمی‌تواند باشد، بلکه روز به روز بدتر می‌گردد. امپریالیست‌های اشغال‌گر به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا به خاطر غارت و چپاول، کنترل منطقه و در بدی مردم ستم‌دیده در این سرزمین پا گذاشته اند. تا زمانی که اشغال‌گران امپریالیست در این کشور حضور داشته باشند و رژیم دست‌نشانده و مزدورشان در مسند قدرت باقی بماند، زندگی زحمت‌کشان به‌تر از این نمی‌شود.

همه می‌دانیم که کارگران شریف‌ترین و زحمت‌کش‌ترین قشر جامعه هستند. با وجود تمام زحماتی که کارگران می‌کشند بازهم در سخت‌ترین شرایط به سر می‌برند.

امروز طبقه کارگر بیش‌ترین و به‌ترین نقش را در سازندگی کشور ایفاء کرده و می‌کنند، اما در قبال مصرف توان کار جسمانی شان، چه نصیب شان گردیده است؟ فقط و فقط ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل: فقر، بی‌کاری، گرسنگی، محرومیت از تحصیل، آوارگی،

واقعه قتل عام کارگران توسط مرزبان ایرانی اتفاق نمی‌افتاد.

بنابراین مسنول قتل عام کارگران افغانستانی نه تنها رژیم خون آشام آخوندی ایران است، بلکه در قدم اول اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده کنونی افغانستان مسنول این قتل‌ها بوده و هستند. زیرا آن‌ها چنان شرایطی را برای کارگران و بقیه زحمت‌کشان به وجود آوردند که باید پیدا نمودن لقمه نانی را به بهای جان شان بخرند.

امروز توده‌های مردم به خوبی درک نموده اند که فقر، بی‌کاری و گرسنگی نسبت به بی‌ماری کووید ۱۹ زحمت‌کشان کشور را بیش‌تر تهدید می‌کند.

رژیم پوشالی از یک‌سو قرنطین را در شهرها اعلام نموده و با این اعلان بیش از ۹۰ درصد زحمت‌کشان کار خویش را از دست داده اند. از سوی دیگر، هر روز بر قیمت اجناس و مواد اولیه افزوده می‌شود. حتی قیمت اجناس و مواد اولیه به طور سرسام‌آوری در روزهای قرنطین بالا رفت و وضعیت مردم را به وخامت کشاند. چنانچه یک کارگر از شدت گرسنگی در کابل جان خود را از دست داده است و یک معلم جوان در شهرات هرات به گدایی پرداخته است. هر دو موضوع از طریق تلویزیون طلوع پخش گردید. این دو موضوعی است که رسانه‌های گردیده است، اما وضعیت خیلی بدتر از آن است و صرفاً محدود به دو قضیه متذکره نمی‌گردد.

امروز همه می‌دانند که معلمین رنج‌دیده و ماموران اسبق دولتی که در رژیم‌های قبلی وظیفه‌ای داشته اند، نظر به شرایط زندگی شان به کار مزدی روی آورده اند. هم چنین معلمینی که امروز در رژیم پوشالی ایفای وظیفه می‌کنند مجبور اند که نصف روز را به کارهای مزدی بپردازند و یا این‌که کار دیگری

بهره‌کشی وجود نداشته باشد. برای چنین روزی باید که جدا بپا خیزیم.

## میهن ما کار می‌خواهد زما

سال‌هاست در خواب غفلت خفته ایم  
بی‌عمل هر دم شعاری گفته ایم

بعد ازین دیگر نباید گفت و خفت  
تا به کی دربند حرف پوچ و مفت

میهن ما کار می‌خواهد زما  
کوشش بسیار می‌خواهد زما

چشم ما در جیب اغیار تا به کی؟  
ملت مزدور و بی‌مار تا به کی؟

۲۰ ثور ۱۳۹۹ خورشیدی



گدایی، تحقیر و توهین، بازماندن از تشکیل خانواده، ناامنی، جنگ، بی‌حقوقی، اعتیاد، بی‌خانمائی، تن‌فروشی و هزاران بدبختی دیگر نصیب شان گردیده است. کارگران امروز نه آسایشی دارند و نه رفاه و آرامش خانوادگی! این است نتیجه بی‌سرنوشتی کامل کارگران!

کارگران باید پیرامون این ناهنجاری‌های اجتماعی که دامن‌گیر شان شده و هر روز آن‌ها را به فقراء سوق می‌دهد، پیش‌تر از گذشته فکر کنند، میان‌شان به بحث بپردازند و کوشش نمایند موقعیت اجتماعی خویش را درک کنند و بینش طبقاتی شان را بالا ببرند.

متأسفانه عده قلیلی از کارگران وقتی با مشکلی مواجه می‌شوند و یا حادثه غم‌انگیزی برای شان پیش می‌آید، در خلوت خود فرو رفته، مأیوس می‌شوند، سوگواری می‌کنند، پراکنده شده و به انزوا کشانیده می‌شوند.

ما به خوبی آگاهیم که کارگران برجسته‌ترین و نقش پذیرترین طبقه در عرصه اقتصادی و سیاسی جامعه هستند، آنچه را که ما بر آن اصرار داریم حمایت از حقوق حقه کارگران است و کارگران باید جهت دست‌یابی به خواسته‌های برحق شان بیدار شده و متشکل شوند.

بنا برین کارگران افغانستانی پیش‌تر از هر زمان دیگری نیاز دارند که مستقلانه خود را سازمان‌دهی نمایند و به صورت متشکل برای تأمین حقوق شان مبارزه نمایند.

کارگران باید بدانند که یگانه راه رهایی ازین مصیبت اتحاد و یک‌پارچگی کارگران با قبول رهبری پیش‌آهنگ طبقه خویش و به راه انداختن مقاومت همه جانبه ملی، مردمی و انقلابی بوده و می‌باشد. فقط و فقط ازین راه است که می‌توان امپریالیست‌های اشغال‌گر را قهراً از کشور بیرون راند و رژیم پوشالی را از مسند قدرت به زیر کشید و جامعه ای را ایجاد نمود که در آن دیگر نشانی از ستم و

## امپریالیزم جهانی عامل پیدایش ویروس‌های کرونا

مریض نماید. دوم این که توسط منابع معینی در لابراتوارها ساخته شده و این توانایی برایش داده شده است تا به خاطر به دست آوردن سود بیش‌تر و یا ناتوان ساختن رقیب‌های جهانی منابع مذکور مورد استفاده قرار بگیرد تا بعداً بتواند سود سرشاری عاید آن منابع سازد. در هر دو حالت عامل اصلی پیدایش این ویروس و این آفت امپریالیزم جهانی و نظام سرمایه‌داری است.

تبصره‌های وجود دارد مبنی بر این که این ویروس توسط آمریکا در لابراتوارها ساخته شده است تا آن را علیه چین و ایران استعمال نماید؛ تا چین را از لحاظ اقتصادی ضربه زده و از رشد اقتصادی اش جلوگیری نماید و ایران را وادار به تسلیم شدن به خواست هایش نماید.

یک بار چین ادعا نمود که این یک جنگ بیولوژیکی از جانب آمریکا علیه چین است؛ تا چین را از لحاظ اقتصادی ضربه بزند و اتفاقاً در مراحل اول شیوع این بیماری چین صدها میلیارد دالر در مدت چند روز خساره‌مند شد.

ایران بارها ادعا نموده است که این ویروس‌ها توسط آمریکا ساخته شده است تا ایران را وادار به تسلیم شدن نماید. خامنه‌یی کمک پیش‌کش شده توسط آمریکا را رد نمود و گفت چون این ویروس توسط آمریکا ساخته شده است و از کجا معلوم که

شیوع بیماری COVID 19 که در اثر یکی از انواع ویروس‌های کرونا سیستم تنفسی انسان را مصاب نموده و تا حال باعث مرگ و میر بیش‌تر از صدوپنجاه هزار انسان در سطح جهان گردیده است و میلیون‌ها نفر دیگر به این بیماری مصاب هستند، در سراسر جهان غوغا برپا نموده است. عامل اصلی این بیماری چیست و راه علاج این گونه آفت‌ها چیست؟ هنوز اطلاعات چندانی در دست نیست. این بیماری نه تا حال واکسین دارد و نه تداوی دارد. ولی یک چیز روشن است و آن این که عامل اصلی پیدایش این ویروس‌ها نظام سرمایه‌داری و امپریالیزم جهانی است.

این ویروس‌ها قبلاً هم وجود داشته است ولی صرفاً می‌توانسته حیوانات را مصاب نموده و مریض نماید و می‌توانسته از یک حیوان به حیوان دیگر انتقال نماید. ولی در اثر تغییرات جنتیکی که در این اواخر در این ویروس‌ها به وجود آمده این توانایی را پیدا نموده است که از حیوان به انسان و از انسان به انسان منتقل گردیده و انسان را نیز مریض نموده و حتی باعث مرگش شود. حال دو احتمال وجود دارد: یکی این که ویروس خودش توانسته این تغییرات را از لحاظ جنتیکی در خودش به وجود آورده باشد و این توانایی را پیدا نموده است که از حیوان به انسان و از انسان به انسان انتقال نموده و انسان را

خفاشها به انسان سرایت نموده است. این که مارمولک و پشک سیاه به چه دردی می‌خورد؟ به فروشندگانش هم معلوم نیست.

تبصره‌های دیگری نیز هست که ویروس‌های کرونا و انتی دوت آن یک جا توسط چینی‌ها ساخته شده است تا بتوانند سرمایه‌گزاران خارجی زیادی را که در اوهان سرمایه‌گذاری نموده اند توسط این ویروس وادار به فرار نمایند و بعد از آن سهام آن‌ها را به قیمت بسیار نازل خریداری نمایند. چنانچه تمامی سرمایه‌گزاران خارجی در اوهان چین از چین فرار نموده و سهام‌شان را به قیمت‌های بسیار ناچیز به چینی‌ها فروختند و چینی‌ها بعد از مهار نمودن بیماری کوید ۱۹ این سهام و شرکت‌های مربوطه را فعال نمودند.

سوال این جا است که این ویروس برای بار اول در اوهان چین شیوع یافت و بعداً در سراسر جهان پخش شد ولی در چین به جز از این ایالت به هیچ جای دیگر چین سرایت نکرد و یا خیلی کم سرایت نمود و جلو شیوع آن گرفته شد. بعد از سرایت نمودن این ویروس در سراسر جهان چینی‌ها توانستند این بیماری را مهار نمایند. مثل این که چینی‌ها از قبل آمادگی داشته‌اند. به مجرد شیوع بیماری چینی‌ها تمام وسایل برای ساخت یک شفاخانه هزار بستری را آماده داشتند و ساخت آن را در مدت ده روز به اكمال رساندند و وسایل آزمایش‌های لابراتواری را مثل این که از قبل آماده داشتند مورد استفاده قرار دادند. آن‌ها بدون کمک گرفتن از هیچ کشوری موفقانه توانستند بیماری را مهار نمایند.

هدفش از کمک نمودن، تحقیقات در باره موثریت این ویروس نباشد.

گرچه بیماری کوید ۱۹ برای بار اول در اوهان چین شیوع پیدا کرد و از طریق چین به ایران و بعداً هم از ایران و هم از چین به سایر نقاط جهان سرایت نموده و سراسر جهان را فرا گرفت و تلفات و خسارات بیش‌تر از چین در سایر نقاط جهان وارد نمود. تا حال تلفات انسانی در امریکا به بیش از بیست‌هزار نفر و تعداد مبتلایان به آن بیش‌تر از پنج‌صد هزار نفر رسیده است.

بار دیگر چین ادعا نمود که این ویروس از ایران به چین سرایت نموده است. گفته می‌شود که این بیماری قبل از این که در چین شیوع پیدا نماید در ایران شیوع یافته و تعدادی از آخوندهای بلندپایه ایران را از بین برده است، ولی نظام سفاک آخوندی ایران این موضوع را به خاطر انتخابات و جشن ۲۲ بهمن پنهان نموده و فاش نکرده است. بعدها که تعداد تلفات بالا رفت و پنهان نمودن آن دیگر امکان نداشت، آخوندهای ایران اقرار نمودند که این بیماری در ایران نیز شیوع پیدا کرده است.

این که این ویروس در لابراتوارها ساخته شده است بعید از امکان نیست. چند سال است که تعداد زیادی از افراد به دنبال پیدا کردن نوع خاصی از مارمولک و خفاش بودند و گفته می‌شد که در لانه خفاش‌ها نوعی از ماده وجود دارد که به قیمت بسیار گزاف فروخته می‌شود و حال این افراد دنبال پشک سیاه می‌گردند. بعدها دانش‌مندان نظر دادند که این ویروس از

می‌نمایند تا انتی ویروس‌های از قبل ساخته‌شده به قیمت دل‌خواه شان به فروش برسد. حال آن که همه این موضوع را می‌دانند ولی راه دیگری ندارند و مجبورند انتی ویروس‌ها را خریداری نمایند.

حال اگر این نظریه‌پردازی‌ها صرفاً اتهام‌زنی بالای یک‌دیگر باشد و کسانی قصد آن را در لابراتوارها نساخته باشند، باز هم دیده می‌شود که ویروس‌ها خودبه‌خود از لحاظ جنتکی تغییر نمی‌نمایند، بلکه عوامل و شرایط به وجود آمده در تولیدی که نه به خاطر ضرورت بلکه به خاطر سود این زمینه را فراهم کرده است که این ویروس‌ها این توانایی را پیدا نمایند که میزبان جدیدی برایش پیدا نمایند و از حیوان به انسان و از انسان به انسان انتقال نموده و انسان‌ها را بتوانند مریض نمایند. تمام موجودات در اثر شرایط به وجود آمده در اطراف و محیطش تغییر می‌نمایند. به اساس نظریه داروین انسان میمون نما در اثر تغییرات محیط و شرایط زندگی به تدریج تکامل نموده و به انسان امروزی مبدل شده است.

حتی سنگ‌ها و کوه‌ها نیز در اثر گذشت زمان و تغییرات محیطی تغییر می‌نمایند. گرچه این بدین مفهوم نیست که ما بگوییم تأثیرات بیرونی عامل اصلی تغییرات در پدیده‌ها می‌شوند، بلکه عامل اصلی تغییرات در پدیده‌ها تضادهای درونی پدیده‌ها است ولی شرایط بیرونی تأثیر ثانوی دارد. آلودگی بیش از حد محیط زیست، تراکم بیش از حد نفوس در شهرها و طرز و شیوه زندگی عوامل مساعدکننده و یا نامساعد برای موجودات در محیط و ماحول

این طور معلوم می‌شود که چینی‌ها همه چیز را از قبل پلان نموده باشند. بدون هیچ گونه تجربه قبلی سراسر چین به حالت نورمال برمی‌گردد و کمپنی‌های خریداری‌شده از خارجیان دوباره به فعالیت آغاز می‌نمایند.

در این اواخر مالک کمپنی علی‌بابا که یک میلیارد چینی است از لحاظ سرمایه در سطح آسیا در رده اول قرار گرفته است. ولی در دیگر نقاط جهان و حتی امریکا و کشورهای پیشرفته دیگر مثل ایتالیا، اسپانیه، کانادا و سایر کشورهای جهان با داشتن تجربه چینی‌ها تا حال نتوانسته اند کدام موفقیتی به دست آورند. شیوع این بیماری نه تنها در کشورهایی که قبلاً شیوع یافته بود بلکه در اقصا نقاط دیگر جهان گسترش پیدا نموده و مثل سیل پیش می‌رود و روزانه هزاران نفر را می‌بلعد.

حال اگر این نظریه‌پردازی‌ها درست باشد دیده می‌شود که نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌داران برای ضربه زدن به رقیبان و به دست آوردن سود بیش‌تر چه جنایاتی را که مرتکب نمی‌شوند؟ میلیون‌ها نفر باید تلف شوند تا این‌ها به اهداف پلیدشان برسند.

تکنالوژی معلوماتی سهولت‌های زیادی را ایجاد نموده است و هر روز ورژن‌های جدید و مدرن‌تر آن برای سهولت و سرعت کار بیش‌تر به بازار عرضه می‌شود. ولی خون مصرف‌کننده‌ها را می‌مکند و به خاطر به دست آوردن پول بیش‌تر ویروس‌ها و انتی‌ویروس‌ها توسط کمپنی‌های واحدی ساخته می‌شود. ویروس‌ها را از طریق اینترنت پخش

جهان سرایت می‌نماید، سراسر جهان را فرا می‌گیرد و ۴ میلیون نفر را به کام مرگ فرو می‌برد. در یک فیلم کارتونی ساخته شده در سال‌های ۲۰۱۲ به طور طنز آمیز نشان داده می‌شود که گویا امریکا آن قدر حقیر می‌شود که در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ انسان احمقی مثل ترامپ رئیس جمهور امریکا می‌شود و در اثر بیماری ویروسی‌ای که سراسر جهان را فرا گرفته است می‌میرد.

بدین ترتیب این آگاهی وجود داشته که چنین فاجعه‌ای پیش آمدنی است و امکان جلوگیری از آن وجود دارد، ولی در نظام سرمایه‌داری سرمایه‌داران در فکر به دست آوردن سود بیشتر هستند و حتی در شرایط به وجود آمده از شیوع این بیماری نیز در فکر به دست آوردن سودهای بیشتر هستند. بناءً یگانه راه حل اساسی نجات انسان‌ها از این گونه آفت‌ها و سایر آفت‌های به وجود آمده از اثر نظام غیرانسانی سرمایه‌داری، نابودی این نظام و جانشین شدن آن با یک نظام عادلانه که در آن انسان منافع خود را در منافع جمع جست‌وجو نموده و تولید به خاطر سود نه بل‌که برای رفع ضرورت باشد، می‌باشد.

این تغییر خودبه‌خودی به وجود نمی‌آید. طبقه کارگر در اتحاد با سایر طبقات زحمت‌کش تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر باید به شکل قهر آمیز این نظام را از بیخ و بن برانداخته و نظامی را جاگزین آن نماید که هر فرد جامعه منافع خود را در منافع جامعه جست‌وجو نماید و تولید نه به اساس سود بل‌که برای رفع ضرورت‌های فردی و اجتماعی باشد. تا

می‌گردد و امکان پدید آمدن پدیده‌های نو و انقراض پدیده‌های کهنه به وجود می‌آید. نظام سرمایه‌داری و تولید صرفاً به خاطر به دست آوردن سود سبب شده است که انسان‌ها حتی شرایط زیستن برای خودش را نامساعد کرده و زمینه‌ساز از بین رفتن خودش شود. تولید گازات گل‌خانه‌یی و پدید آمدن یک شگاف در لایه اوزون در اتموسفر زمین باعث گردیده است که حرارت روی زمین سال به سال بالا برود. این وضعیت امکان دارد سبب تغییراتی در روی کره زمین شود که دیگر امکان زندگی کردن برای انسان نامساعد گردیده و همه انسان‌ها از بین بروند.

گفته می‌شود در این چند مدت کوتاهی که کارخانه‌های زیادی تعطیل شده و گشت‌وگذار وسایط نقلیه محدود شده است لایه اوزون در حال ترمیم شدن قرار گرفته، مقدار بارندگی‌ها بالا رفته و درجه حرارت جو زمین تا حدودی پایین آمده است، یخ‌های قطب شمال افزایش یافته و فضای آلوده اکثر شهرهای پرنفوس دنیا در حال پاک شدن است.

پیش‌بینی‌های وجود داشته که امکان پدید آمدن ویروس‌های را که از لحاظ جنستی تغییر نموده و انسان‌ها را مصاب نموده و تعداد زیادی را از بین ببرد مطرح کرده است. مثلاً در یک فیلم که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ ساخته شده است نشان داده می‌شود که در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در اوهان چین مرض ویروسی که سیستم تنفسی انسان‌ها را مختل نموده و در مدت زمان بسیار کم هزاران نفر در اثر این بیماری از بین رفته و از چین به سایر نقاط

ترتیب بتوانند رئیس جمهور تقلبی را تحت فشار قرار داده و امتیازات بیش‌تر به دست آورند. آنان از این که در این وقت شکار از دایره قدرت بیرون مانده اند حسرت می‌خورند. از این که چه بر سر مردمان کشور خواهد آمد برای شان مهم نیست. این دو نفر دزد بر سر تقسیم جنگ دارند در حالی که دزد سوم هم در کمین است و در این روزها برای کسب امتیازات بیش‌تر جنگ‌هایش را تشدید نموده است.

در همین روزها رژیم دست‌نشانده در شهر کابل ظاهراً یک مقدار مواد غذایی برای مردم کمک نموده است. وحید عمر مشاور اشرف غنی رئیس جمهور رژیم دست‌نشانده در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد این کمک‌ها گفت:

«این که ما برای مردم چهارونیم کیلو گندم کمک کردیم یک پروسه امتحانی بود. برای رساندن این کمک به یک میکانیزم ضرورت است.»

این که این میکانیزم چیست و چه وقت ایجاد می‌شود معلوم نیست. تا آن وقت نصف مردم از گرسنگی از بین خواهند رفت. برای این‌ها از این که مردم در چه وضعیتی هستند مهم نیست. برای این‌ها مهم این است که چه مکانیزمی ایجاد کنند تا مقدار بیش‌تر این "کمک‌های به‌نام" در جیب‌های خودشان بریزد.

برای طبقات بالای جامعه آفت هم نعمت بزرگی است. زمانی عبدالعلی مزاری در جریان جنگ ارتجاعی داخلی به احمد شاه مسعود پیام داده بود که:

«دعا کن این جنگ منحوس تمام شود.»

زمانی که نظام عادلانه اجتماعی برقرار نشود آفت‌های متعددی را شاهد خواهیم بود. آفت امراض، آفت جنگ، آفت خشک‌سالی و ....

ولی آفت مرض کوید نزده هم آفت بزرگی است که عمدتاً از طبقات پایینی جامعه قربانی می‌گیرد. مدت یک ماه است که در سراسر کشور قیودات وضع گردیده است. ۶۰ فیصد نفوس کشور در وضعیتی هستند که روز کار می‌نمایند تا قوت ولایموت خود و خانواده‌اش را به اندازه‌ای پیدا نمایند که بخورند تا زنده بماند که فردا دوباره کار کنند. نرخ مواد اولیه روز به روز بالا می‌رود، برای اکثریت افراد جامعه حتی زنده ماندن هم مشکل گردیده است.

اگر این وضعیت ماه‌ها دوام کند، تا جایی که دیده می‌شود وضعیت از بد هم بدتر خواهد شد. یقیناً این وضعیت ماه‌ها دوام می‌نماید. در چنین صورتی وضعیت اکثریت مردمی که وضعیت اقتصادی شان طوری است که بدون کار کردن مخارج بخورونمیرفردای شان را هم ندارند چه خواهد شد؟ سران رژیم دست‌نشانده جیب‌های کلان کلان برای شان دوخته اند و فقط در فکر پرکردن جیب‌های کلان شان هستند. آن‌ها هیاهو برپا کرده و وضعیت را از آن‌چه هست وخیم‌تر نشان می‌دهند تا از هر منبعی که شده کمک دریافت نموده، از گاو غنود به مردم داده و فی‌صدی بسیار بالای این کمک‌ها را همه به جیب‌های شان ببینازند.

آنانی که در انتخابات تقلبی و اعلان نتیجه تقلبی از دایره قدرت بیرون مانده اند حکومت موازی اعلان نموده اند تا به این

قیمت آکسیجن خواسته است. پیره مرد به گریه افتاده است. موظفین شفاخانه فکر نموده اند که شاید پیره مرد پول ندارد. از او سوال نموده اند آیا پول ندارید که گریه می‌نمایید؟ پیره مرد گفته نه خیر! من به این می‌گیرم که خداوند (طبیعت) چه قدر مهربان است که ۸۳ سال آکسیجن مجانی برایم داد و حتی یک بار یاد نکرد. حالا شما از بابت مصرف چند روز آکسیجن تان ۵۰۰۰ یورو می‌خواهید. اگر آکسیجن به قیمتی که شما می‌فروشید می‌بود من چه قدر پول از بابت مصرف آن باید می‌پرداختم؟

حال که این آفت آمده است برای این که بیش‌تر متضرر نشویم و از این آفت نسبتاً در امان باشیم نکات چندی را که در اثر تحقیقات به دست آمده است یادآوری می‌نماییم، تا اندکی محفوظ‌تر بمانیم.

### ۱- ویروس کرونا چیست؟

ویروس‌های کرونا خانواده بزرگی از ویروس‌های اند که بسیاری از آن‌ها می‌توانند در حیوانات باعث بیماری شوند. ولی برخی از این ویروس‌ها در اثر تغییرات جنتیکی‌ای که نموده اند و یا در لابراتوارها تغییر داده شده اند، در انسان‌ها باعث بیماری شده و از انسان به انسان منتقل می‌شوند. در این مورد به خصوص می‌توان از ویروس جدید کرونا که به اسم SARS-CoV شناخته می‌شود نام برد که موجب مرض COVID-19 می‌شود.

بیماری‌های ناشی از ویروس‌های کرونا معمولاً در افراد موجب بیماری خفیف و متوسط و شدید می‌شود. بیماری ناشی از این ویروس‌ها در ۸۰ فی‌صد موارد موجب

احمد شاه مسعود برایش پیام داده بود و گفته بود:

«آقای مزاری برای من و تو جنگ منحوس نیست بل‌که یک نعمت است من و تو از همین جنگ یافته ایم.»

در آفت‌های طبیعی و اجتماعی آنانی که بیش‌ترین خسارات را می‌بینند مردم غریب است. در نظامی که بر مبنای مالکیت خصوصی و مناسبت طبقاتی استوار باشد طبقات بالایی جامعه در هر حالت سود شان را می‌برند و جیب‌های شان هرچه بیش‌تر پر می‌شود. در آفت به وجود آمده از ویروس کرونا پول‌دارها می‌توانند ماه‌ها حتی سال‌ها خود شان را قرنطین کنند و اگر مریض هم شوند امکانات وسیع در اختیار دارند تا خود را تداوی کنند. گرچه بیماری به وجود آمده از ویروس کرونا تداوی ندارد ولی برای پول‌دارها تلفات کمتری در پی دارد چون رژیم غذایی آن‌ها خوب‌تر است و مقاومت بدنی شان بالا است و علاوه بر آن از امکانات بیش‌تر برای مراقبت‌های جدی بهره‌مند هستند. مردم غریب از اثر فقر غذایی از مقاومت بدنی کمتری برخوردار بوده و دچار مشکلات بیش‌تر می‌شوند و در صورت مواجه شدن با مشکلات جدی توانایی و امکانات مراقبت‌های جدی برای شان میسر نیست. به همین دلیل این بیماری از مردم غریب قربانی بیش‌تری می‌گیرد.

در ایتالیا یک پیره مرد ۸۳ ساله که به بیماری کوید ۱۹ مبتلا شده بود شفایاب گردیده است. بعد از این که شفایاب شده و از شفاخانه مرخص گردیده است، شفاخانه مربوطه از نزدش ۵۰۰۰ یورو از بابت



شکر خون، بیماری‌های قلبی و نفس‌تنگی هستند، افرادی که دخانیات مصرف می‌کنند و زنان حامله به این مرض برای شان خطرناک است.

در اطفال کمتر از نه ساله تا حال کدام مرگی گزارش نشده است. مرگ در بین سنین ۱۰ الی ۴۰ ساله ۲ فیصد و بین سنین ۴۰ تا ۶۰ ساله ۲ فیصد و در سنین بین ۶۰ الی ۸۰ ساله ۳ الی ۴ فیصد گزارش گردیده است.

## ۲- اعراض و علائم مرض:

اعراض و علائم گزارش شده گسترده‌ای از اعراض و علائم خفیف تا افرادی که به شدت مریض شده اند و نیاز به بستر شدن در شفاخانه داشته اند و تا کسانی که فوت نموده اند را شامل می‌شود که در برگیرنده تب شدید، درد بدن، گلو دردی، عطسه، ریزش، سرفه خشک و نفس‌تنگی است.

اعراض و علائم نزد فرد آلوده به ویروس از روزی که ویروس داخل بدنش می‌شود فوراً ظاهر نمی‌شود بل که بعد از سپری چند روز ظاهر می‌شود که از ۸ الی ۱۴ روز را در بر می‌گیرد. در بعضی افراد بعد از هشت روز ظاهر می‌شود، ولی در بعضی از افراد امکان دارد بیش‌تر از هشت روز و حتی ۱۴ روز بعد ظاهر شود. به همین دلیل افرادی که از مناطق اپیدیمیک یا وبایی (وبا به امراض کشنده گفته میشود که در یک منطقه و یا جامعه تعداد زیادی از افراد آن در مدت زمان بسیار کم مبتلا به آن مرض شوند.) به مناطق دیگر منتقل می‌شوند باید تا ۱۴ روز قرنطین شوند. در صورتی که به ویروس آلوده باشند بعد از

بیماری خفیف مانند ریزش، زکام و سرماخوردگی معمولی می‌شود که به شکل خود به خودی بهبود یافته نیاز به کدام مراقبت جدی ندارد. خود این افراد به کدام خطر جدی مواجه نیستند و در مدت ۸ الی ۱۴ روز بدون کدام عارضه بهبود پیدا می‌کنند. ولی می‌توانند ویروس را به افراد دیگری که با آن‌ها در تماس هستند انتقال داده و باعث مرض شوند. به همین دلیل این مریضان باید در خانه قرنطین شوند تا از نشر مرض به افراد سالم جلوگیری شود. گرچه گفته می‌شود که سرایت مرض از افرادی که دچار مریضی خفیف هستند به افراد دیگر نیز موجب بیماری خفیف می‌شود، ولی منابع معتبر هنوز این موضوع را تأیید نکرده اند.

مریضان در حد متوسط که ۱۵ فیصد مجموع مبتلایان را تشکیل می‌دهند، مانند ویروس‌های سارس یا مرس، موجب عفونت جدی ریوی مانند ذات‌الریه می‌شوند که اگر مراقبت نشوند بعضی شان می‌توانند به وضعیت وخیم سیر نمایند. مریضانی که دچار بیماری شدید می‌شوند ۵ فیصد مجموع مبتلایان را تشکیل می‌دهند که نصف آن‌ها ممکن است دچار مرگ شوند. میزان مرگ و میر و شدت مرض نظر به سن و سال و داشتن بعضی امراض دیگر و وضعیت جسمی مبتلایان فرق می‌کند. افراد مسن، خصوصاً آن‌هایی که سن شان بالا تر از ۸۰ سال است دچار مریضی شدید شده و میزان مرگ در این گونه افراد که اکثر آن‌ها بعضی امراض دیگر از قبل نیز داشته اند ۱۳ الی ۱۴ فیصد گزارش شده است. مبتلا شدن افرادی که دچار امراض مزمن مانند

مثلاً ۴ نفر از داکتران و کارمندان صحنه در شفاخانه حوزه وی هرات و بیست تن از کارمندان یک شفاخانه شخصی به اسم شفاخانه امیری در کابل مبتلا به مرض شده اند و حتی یک داکتر متخصص شفاخانه امیری فوت نموده است. ولی این به این معنی نیست که از مریضان مراقبت صورت نگیرد. ولی کسانی که از مریضان مراقبت می‌نمایند باید آموزش دیده باشند، وسایل ایمنی داشته باشند و بعد از تماس بدنی با مریض دستان شان را به دهن، چشم و بینی شان نزنند؛ چون بیشترین راه انتقال ویروس بینی است و از طریق چشم و دهن نیز ویروس داخل سیستم تنفسی مراقبت‌کننده می‌شود.

ناگفته نباید گذاشت که ویروس از طریق تماس دست و بدن و جلد انتقال نمی‌نماید، ولی از این که در هنگام عطسه زدن و سرفه کردن ویروس‌های زیادی بالای لباس و بدن مریض پخش می‌شود و مریض هر لحظه بینی، دهن و چشم خود را دست می‌زند و دستان مریض آلوده است، این ویروس به دست مراقبت‌کننده انتقال می‌نماید و مراقبت‌کننده ناخودآگاه بینی، چشم و دهن خود را دست می‌زند، ویروس به سیستم تنفسی او راه پیدا می‌کند. هر انسان در حالت‌های عادی روزانه حد اقل ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ مرتبه بینی، دهن و چشم خویش را دست می‌زند. در تدابیر و قیامی به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

ج - لمس اشیاء و سطوح آلوده به ویروس و سپس لمس بینی، چشم و دهان پیش از شستن دست‌ها با آب و صابون.

۸ الی ۱۴ روز علایم نزد شان ظاهر می‌شود.

### ۳- چه گونه‌گی انتقال ویروس‌های که

#### باعث مرض می‌شوند:

انتشار این ویروس‌ها مانند سایر امراض سیستم تنفسی همچون انفلونزا معمولاً از طریق فرد مبتلای که دارای علایم مرض هست به طروق زیر منتقل می‌شود:

الف - قطرات حاصله از سرفه و عطسه زدن: افراد مبتلا به این مرض در هنگام عطسه زدن و سرفه کردن همراه با قطرات افرازاات بینی و قطرات لعاب دهن و گلو این ویروس‌ها را تا فاصله یک متری پرتاب می‌نمایند. در صورتی که افراد سالم کمتر از یک متر با مریض فاصله داشته باشند، مثلاً در نقاط مزدحم، محافل و عروسی‌ها از طریق تنفس نمودن هوا ویروس‌های عامل مرض را داخل سیستم تنفسی شان می‌نمایند. این ویروس چون سنگین است نمی‌تواند بیش‌تر از یک متر مسافت را در هوا طی نماید و به زمین سقوط می‌نماید. به همین دلیل یکی از توصیه‌ها به خاطر جلوگیری از مبتلا شدن به مرض، مراعات نمودن فاصله بیش‌تر از یک متر با افراد مریض است.

ب - تماس فردی نزدیک مانند مراقبت از مریض: کسانی که از مریضان مراقبت می‌نمایند حتماً با مریض تماس می‌داشته باشند. کسانی که از مریضان مراقبت می‌نمایند فوق‌العاده در خطر ابتلای مرض هستند. داکتران و کارمندان صحنه که از مبتلایان به این مرض مراقبت می‌نمایند، فوق‌العاده در خطر ابتلا به مرض می‌باشند.

مراکز تداوی مراجعه شود. در صورت داشتن تب از تابلت‌های پاراسیتامول برای کاهش تب استفاده گردد. روز چند بار بخارات آب گرم استنشاق شود. نوشیدن زیاد مایعات خصوصاً آب گرم را نباید فراموش کرد. خوردن سبزیجات و میوه‌هایی که دارای ویتامین سی هستند در بهبودی مرض کمک می‌نماید. الی ۲۴ ساعت بعد از قطع شدن تب، مریض باید در قرنطین باشد. ۲۴ ساعت بعد از قطع شدن تب مریض قبلی یک فرد کاملاً سالم است و عامل انتقال و ویروس نمی‌باشد.

#### ۶- عاقبت مرض:

آن عده مریضانی که تعداد شان بیش‌تر از ۸۰ فی‌صد مجموع مبتلایان را تشکیل می‌دهد و مریضانی که علائم متوسط دارند صد فی‌صد به‌بودی حاصل نموده و هیچ‌گونه عارضه‌ی بعدی نمی‌داشته باشند. مریضانی که داری علائم شدید هستند و فی‌صدی کم شان منجر به مرگ می‌شود، ولی تعداد بیش‌تر شان که به‌بودی کامل حاصل نموده اند، کدام عارضه‌ای که بعداً برای مریض ایجاد مشکل نماید نمی‌داشته باشند، ولی فی‌صدی اندک شان در صورتی که از مرگ نجات پیدا کنند بعد از شفایاب شدن در اثر داغ‌های باقی‌مانده در شش‌ها دچار مشکلات دایمی می‌شوند. اکثر مبتلایان به امراض ویروسی بعد از شفایاب شدن معافیت حاصل می‌نمایند. ولی هنوز تثبیت نشده است که مبتلایان به مرض کوید ۱۹ بعد از شفایاب شدن معافیت حاصل می‌نمایند یا نه؟

#### ۴- تشخیص مرض:

بعد از ظاهر شدن علائم در فرد گفته می‌توانیم که فرد مشکوک مبتلا به مرض کوید ۱۹ است، ولی تشخیص قطعی بعد از نمونه‌گیری از بینی و گلو و معاینات لابراتواری صورت می‌گیرد. قبل از ظاهر شدن علائم دادن آزمایش هیچ‌کمی نمی‌کند. به همین دلیل گفته می‌شود که این مرض تا زمانی که علائم ظاهر نشود، از فرد آلوده به افراد سالم انتقال نمی‌نماید و یا حداقل امکان انتقال آن بسیار اندک است.

#### ۵- تداوی مرض:

تداوی مشخصی برای مرض بیماری ناشی از نوول کرونا ویروس وجود ندارد. این مرض نه تداوی دارد و نه واکسین. با این حال بسیاری از علائم قابل تداوی هستند. تداوی به شرایط مریض بستگی دارد. بیش‌تر افراد که علائم خفیف دارند با استراحت بهبود پیدا می‌کنند. در صورت داشتن علائم خفیف نیازی به مراجعه به دکتر نمی‌باشد. ولی به هر حال در وضعیتی که این مرض همه‌گیر شده است باید تمامی کسانی که دارای علائم هستند باید به عنوان مریض کوید ۱۹ در نظر گرفته شوند. اگر نفس‌تنگی فرد مبتلا در حال بدتر شدن است، باید به مراکز که به خاطر مراقبت از این نوع مریضان در نظر گرفته شده اند مراجعه کنند. مریضان خاصی مانند سال‌مندان، کسانی که سیستم معافیتی شان آسیب‌پذیر است یا مشکلات صحتی دارند باید زودتر به مراکز تداوی مراجعه نمایند. در ۸۰ فی‌صد مواردی که گفتیم مریضان علائم خفیف دارند ممکن نیازی نباشد به

## ۷- وقایه و تدابیر

### احتیاطی:

تدابیر وقایوی به خاطر جلوگیری از مبتلا شدن به مرض هم شامل کسانی که مریض هستند و هم شامل افراد سالم می‌شود تا افراد سالم به این مرض مبتلا نشوند.

کسانی که مریض هستند باید کوشش نمایند تا مرض شان به افراد سالم سرایت نکند. به همین دلیل افرادی که دچار مریضی هستند باید قرنطین شوند.

I- دهان و بینی هنگام سرفه و عطسه زدن با دستمال (ترجیحاً) و یا قسمت بالایی آستین پوشانده شود.

II- از دست دادن و روبوسی با افراد سالم باید خود داری شود.

III- از رها کردن دستمال کاغذی استعمال شده در محیط خود داری شود.

IV - در صورت داشتن علائم شبه انفلونزا دهان باید با آب و نمک شسته شود.

V - در روزهای اول مریضی ضمن استراحت در منزل تا ۲۴ ساعت بعد از این که تب کاملاً قطع گردد از تماس با افراد سالم خود داری شود. ۲۴ ساعت بعد از قطع کامل تب تماس این افراد با افراد سالم هیچ گونه خطر منتقل کردن بیماری به افراد سالم را ندارد.

### افراد سالم:

I- به طور مداوم و در هر زمان ممکن به شست و شوی دستان با آب و صابون اقدام شود. دست‌ها باید به صورت اساسی و درست شسته شود. اول دست‌ها با آب

خوب تر شود و بعد از آن کف دست و پشت دست خوب صابون و یا مایع دست‌شوئی مالیده شود. شستن دست‌ها حداقل ۲۰ ثانیه دوام نماید. البته این توصیه برای کسانی است که کار می‌کنند و با افراد دیگر در تماس هستند. در این مورد دیده شده است افرادی که در خانه‌های شان قرنطین هستند نیز این کار را می‌نمایند و بدون موجب باربار دستان شان را با آب و صابون می‌شویند. در صورتی که با افراد دیگر در تماس نیستید و در خانه می‌باشید ضرورت به این کار نیست. به طور معمول بعد از رفع حاجت، قبل از غذا خوردن و قبل از غذا پختن این کار باید انجام شود.

II - از دست دادن و روبوسی کردن با افرادی که دارای علائم تنفسی (سرفه، عطسه و ریزش و...) هستند خود داری شود.

III- از تماس دست آلوده به بینی، چشم و دهن خود داری شود.

IV - از مریضانی که مبتلا به علائم تنفسی (سرفه عطسه و ریزش) هستند بیش‌تر از یک متر فاصله داشته باشند.

V - از رفت و آمد در اماکن پرتردد پرهیز گردد.

VI - در بیرون از منزل و محل کار باید از ماسک استفاده شود. طوری که دیده می‌شود از ماسک به صورت درست استفاده نمی‌شود. اکثراً ماسک را تا زمانی استفاده می‌کنند تا کهنه شود. این طور استفاده از ماسک نه تنها فایده ندارد بلکه مضر هم است. هرگاه ماسک در اثر تنفس تر شود باید دیگر از آن استفاده نشود. اگر

## شیوع جهانی بی‌ماری کوید ۱۹ و گسترش نژادپرستی

خلق بحران صحی تنها پیامد شیوع بی‌ماری کوید ۱۹ در جهان نیست، بلکه شیوع این بی‌ماری به گسترش راسیزم و خشونت‌های نژادگرایانه نیز انجامیده است. هرچند این ویروس میان رنگ، نژاد، مذهب، ملیت، جنسیت و طبقه تبعیض قایل نمی‌شود، اما در زیر سلطه ضدانقلاب جهانی عواقب آن به راسیزم و خشونت‌های نژادگرایانه دامن زده است.

شیوع ویروس کوید ۱۹ در کشورهای غربی به راسیزم ضد آسیایی و به ویژه راسیزم ضد چینی افزوده است؛ مقامات ارشد امریکایی و مطبوعات بورژوایی امپریالیستی با "چینی نامیدن" ویروس کوید ۱۹ در تلاش سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌شان در مبارزه با این ویروس اند، در نتیجه باعث گسترش راسیزم در جهان شده است.

گسترش این ویروس در هندوستان به مسلمان‌هراسی دامن زده است. حکومت فاشیست مودی تبلیغ کرده است که جلسه ۲۴ مارچ "جماعت تبلیغی" در دهلی باعث شیوع ویروس کوید ۱۹ شده است. نشر این خبر به خشونت‌ها علیه مسلمانان در سراسر هندوستان دامن زده است. مطبوعات و فعالین سیاسی دست‌راستی با تشویق حکومت فاشیستی مودی مسلمانان را به دسیسه برای گسترش این ویروس

ماسک از دهن و بینی برداشته شد نباید دوباره استفاده شود.

**VII** - در اماکن پر تردد و حمل و نقل عمومی از دست زدن به بینی، چشم و دهن خود داری شود.

**VIII** - در محیط کار دستگیره‌های دروازه و کلکین باید روز چند بار ضد عفونی شود. در این مورد کسانی که در خانه هستند بدون موجب روز چند بار دستگیره‌های دروازه‌های شان را ضد عفونی می‌نمایند، در صورتی که نه کسی بیرون رفته است و نه کسی از بیرون آمده است، بناءً ضرورت به این کار نیست. به خاطری که مواد ضد عفونی‌کننده در بعضی افراد حساسیت شدید به وجود می‌آورد خود باعث مشکلات تنفسی می‌شود و در ضمن یک مصرف بی‌جا و کار غیرضروری است. در بعضی از خانواده‌ها شخصاً مشاهده نموده‌ام، در حالی که همه اعضای خانواده در قرنطین هستند یک بار شب وقت خوابیدن و یک بار صبح بعد از بیدار شدن دستگیره‌های دروازه‌های شان را ضد عفونی می‌کنند که یک کار غیرضروری می‌باشد.

**IX** - از خوردن غذای نیم پخته، آب سرد، نوشابه‌های سرد و غذای سرد خودداری شود. برعکس نوشیدن مایعات گرم مفید است. **X** - روحیه قوی داشته باشید و دچار وحشت نشوید. کوید زده یک مرض کشنده است، اما راه‌های جلوگیری وجود دارد. روحیه قوی می‌تواند مقاومت بدن را در مقابل ویروس بالا برده و خطر شدید شدن مرض را کم نماید.

"ش. د."

اکنون در فضایی که صحبت از جنگ بیولوژیک است، شهروند ایرانی به عنوان قربانی ویروس یا قربانی جنگ بیولوژیک مورد تداوی قرار می‌گیرد، اما با بیمار "بیگانه" افغانستانی به عنوان حامل اسلحه دشمن برخورد می‌شود. ترس از چنین برخوردی است که هزاران مهاجر افغانستانی را وادار به بازگشت به افغانستان کرده است تا برای دولت ایران "مشکلات دیگر" خلق نکرده باشند.

با شیوع ویروس کرونا و تشدید بحران اجتماعی ناشی از آن امکان گسترش راسیزم ضد شیعی و ضد هزاره در افغانستان وجود دارد. در افغانستان گروه‌های سیاسی وجود دارند که می‌توانند از گسترش راسیزم نفع ببرند. در عدم حضور فعال نیروهای چپ و مترقی، نیروی‌های ارتجاعی توانایی آن را دارند که توده‌ها را علیه یکدیگر بسیج کنند و به راسیزم و خشونت‌های قومی- مذهبی دامن بزنند.

این ویروس یک واقعیت بیولوژیک است، اما مبارزه با آن در بستر اجتماعی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی صورت می‌گیرد. طبقات حاکمه جهانی در برخورد با آن مطابق به منافع طبقاتی و در ضدیت با منافع جمعی بشر عمل می‌کنند. به این خاطر در حاکمیت ضدانقلاب جهانی خطر اصلی این ویروس در تبعات سیاسی- اجتماعی آن نهفته است.

"م."

در بین هندوها در هندوستان متهم کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات دست‌راستی با استفاده از کلماتی مانند "جهاد کرونا" و "تروریزم کرونایی" به مسلمان‌ها راسی دامن می‌زنند.

در ایران مهاجران افغانستانی که همواره از راسیزم و بیگانه‌ستیزی رنج برده‌اند، با شیوع ویروس کرونا به گونه بی‌سابقه‌ای به افغانستان باز می‌گردند. رسانه‌ها در ۱۶ مارچ گزارش دادند که در ۲۴ ساعت ۷۰ هزار نفر از ایران وارد افغانستان شده‌اند. این رقم بازگشت‌کنندگان در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده است. بازگشت‌کنندگان، ترس از ابتلا به ویروس کرونا و عدم دسترسی به خدمات صحتی را به عنوان دلایل بازگشت شان عنوان کرده‌اند. همچنین گزارش‌ها حکایت از این دارند که مهاجران افغانستانی در ایران مورد تداوی قرار نمی‌گیرند. بنا بر این، ترس اصلی مهاجران افغانستانی، راسیزم سیستماتیک حکومت ایران است که با شیوع این ویروس تشدید شده است. اخیراً یک مقام دولتی ایران اعلام کرد که شهروندان افغانستان حق ورود به ایران را ندارند چون «دارای بیماری هستند و هم می‌توانند مشکلات دیگری را برای ما ایجاد کنند.» این عبارت "مشکلات دیگر" را کسانی خوبتر درک می‌کنند که از خشونت نژادگرایانه دولت ایران رنج برده‌اند.

رهبر ایران شیوع این ویروس را به عنوان "حمله بیولوژیکی" دشمنان جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است.

# شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ و قربانیان آن و عیاشی و بی‌توجهی دولت مردان پوشالی افغانستان

"س. - ۹ می ۲۰۲۰ - ۲۰ ثور ۱۳۹۹

کنند، احتمال مرگ شان به دست ویروس کروناست و اگر در خانه قرنطین شوند از بی‌عرضه‌گی و بی‌توجهی رژیم پوشالی از گرسنگی و بی‌پولی خواهند مرد. «قبل از این‌که کرونا ما را بکشد، فقر و گرسنگی دامن ما را گرفته و ما را به زانو در خواهد آورد.»

این حرفی است که از زبان بسیاری از توده‌های ستمدیده کشور بیرون می‌شود و یک حقیقت مسلم است.

افغانستان از تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۰۱ م به بهانه مبارزه علیه تروریسم و آزادی حقوق زنان از قید مردسالاری بی‌شرمانه و بی‌رحمانه طالبان، توسط امپریالیست‌های اشغال‌گر به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا اشغال گردید و تا همین اکنون به حالت مستعمره - نیمه مستعمره و نیمه فیودالی خود باقی مانده است. صدها هزار هموطن ما در طی این سال‌ها در آتش جنگ‌های تجاوزکارانه و اشغال‌گرانه امپریالیستی و ارتجاعی که امپریالیست‌های اشغال‌گر و رژیم دست‌نشانده شان برپاکننده و ادامه دهنده آن هستند، جان‌های شیرین

۱۹ سال از اشغال کشور و عمر رژیم دست‌نشانده می‌گذرد، در این مدت توده‌های ستمدیده این دیار، جهنمی را که بر آن‌ها تحمیل گردیده، به شمول فقر، بی‌کاری، بی‌خاتمانی و قربانی‌های فراوان نیز متحمل گردیده اند.

با وجود اوضاع مصیبت‌بار افغانستان، که همواره با مشکلات و فقر و بی‌چارگی اکثریت قریب به اتفاق توده‌های مردمان کشور همراه است، نیرو و توان رزمندگی در جامعه، تنومندتر ریشه می‌دواند و ما را برای یک تغییر بزرگ در جهت برپایی یک جامعه نوین و آزاد کمک و همپاری می‌کند. فصل بهار است، بوی معطر سرسبزی‌ها در همه‌جا می‌پیچد. ولی همین‌طور که دشت و صحرا و کوه و دمن از تنهایی می‌رنجد، مردمان این دیار نیز از فقر و گرسنگی رنج می‌برند و در انتظار مرگ فلاکت‌بار و اسفبار نشسته هستند. توده‌های رنج‌دیده و ستمدیده، اگر پا بیرون از خانه نهند و دادوستد و کاروکاسبی

این حالت در زمانی به وقوع می‌پیوندد که ویروس کرونا در هرات شیوع یافته و جان چند نفر را گرفته است و شهر هرات به قرنطینه رفته است. در چنین حالتی والی هرات با تعدادی از کارمندان بلند پایه و دوستانش به عیاشی می‌پردازند و شب را با عیاشی و خوش گذرانی سپری می‌کنند.

سید وحید قتالی زمانی به هرات به صفت والی مقرر شد که هرات به قرنطین عمومی رفته بود. زمانی که او به هرات آمد در اولین سخنرانی اش از قرنطین بیش‌تر صحبت نمود و گفت:

«از هم‌شهریان تقاضا می‌کنم که قرنطین را جدی بگیرند و هر کسی که از این دستور سرپیچی کند با او برخورد جدی صورت می‌گیرد.»

او با جدیت مردم را مورد خطاب قرار داد و گفت:

«من فعلاً در دشت درحال قبر کردن هستم.»

اما چند روز از این سخنرانی نگذشت که به یک باره‌گی همه موانع در شهر هرات برداشته شد.

از اول رمضان تمامی موانع‌ها در داخل شهر هرات برداشته شد و شهر هرات دوباره به حالت عادی برگشت، و مردم بدون حفظ رعایت نکات صحی باهم روابط برقرار نموده و می‌نمایند. این وضعیت دقیقاً قابل نگرانی است. تمام ادارات دولتی در قرنطین به سر می‌برند و کارمندانش رخصت هستند. در حالی که شهر هرات به وضعیت قبلی برگشته و تمام مساجد ملو از نمازگزاران است.

شان‌را از دست داده اند. امپریالیست‌های اشغال‌گر به سردمداری امپریالیزم ددمنش امریکا، با شدت بخشیدن به بازار گرم این جنگ و قربانی گرفتن توده‌های ستمکش افغانستان توانسته اند افغانستان را در اشغال نگه دارند و رژیم پوشالی را در قدرت نگاه‌دارند و به همین ترتیب منطقه را زیر کنترل خود بگیرند. تبعیضات ملیتی، منطقه‌یی، جنسیتی، طبقاتی و... توسط اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده روز به روز دامن زده شده و می‌شود.

زمانی که سید وحید قتالی به صفت والی هرات معرفی گردید، رئیس رادیو تلویزیون استقلال پنج‌شنبه شب ۲۸ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی محفل خصوصی در خانه خود به افتخار والی هرات ترتیب داده بود، این محفل علاوه بر غذاهای فوق‌العاده و پر هزینه با موسیقی، دختران زیبا روی رفاصه و شراب همراه بود. اتفاقاً روز جمعه ۲۹ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی به گردش رفتیم و دیدیم که در بین یک باغ افرادی برای میله آمده بودند، ما هم با علاقه نزدیک جوانان رفتیم و با ایشان احوال پرسى نمودیم و برای چند دقیقه آن‌جا ماندیم. متوجه شدیم که دو نفر پهلوی ما باهم صحبت دارند و مصروف مباحث شان هستند. این حرکت شان توجه ما را بیش‌تر جلب نمود. متوجه شدیم که فلم مهمانی وحید قتالی والی هرات است. جناب والی آن قدر شراب نوشیده بود که حالت عادی خود را از دست داده بود با قهقهه بلند چرندیات می‌گفت و از سازوسرود و رقص دختران زیبا روی لذت می‌برد.



چنانچه در ابتدای شیوع ویروس کرونا در افغانستان صندوق جهانی مبلغ یکصدوچهار میلیون دالر به افغانستان کمک نمود، زمانی که مبتلایان به ویروس کرونا از مرز سه هزار نفر تجاوز نمود، صندوق جهانی اعلان نمود که چهارصد میلیون دالر دیگر به افغانستان برای مبارزه با ویروس کرونا کمک می‌نماید که از جمله دوصد میلیون آن تا کنون کمک گردیده و دوصد میلیون دیگر به زودی به حساب افغانستان واریز خواهد شد.

علاوه بر این کمک نقدی چندین کشور جهان هزاران تن کمک‌های صحتی و گندم به افغانستان ارسال نموده اند. این کمک‌ها هفتادوپنج هزار (۷۵۰۰۰) تن گندم، کمک دولت هندوستان به افغانستان، را نیز شامل می‌شود.

رژیم پوشالی برای حیفومیل نمودن گندم‌های کمک شده به اصطلاح برنامه توزیع نان خشک را برای "مستحقین" روی دست گرفته است. ارگان‌های محلی هرات می‌گویند که بیستویک هزار (۲۱۰۰۰) فامیل مستحق را شامل این برنامه ساخته اند. این ادعا صحت ندارد. اولاً این که شاروالی هرات از طریق وکلای گذر نه افراد مستحق بلکه افراد مربوط به خود را شامل لیست نموده اند. در این لیست‌ها تعداد کمی از افراد مستحق شامل هستند. ثانیاً ممکن سه الی چهار هزار نفر شامل لیست باشند. یعنی سهمیه هفده الی هجده هزار نفر بین سران ارگان‌های محلی هرات تقسیم می‌گردد.

برای همه‌گان واضح است نانی که از طریق نانوایی‌ها (خبازی‌ها) به مردم توزیع

چرا مقام ولایت هرات به طور ناگهانی موانع را برداشت و شهر هرات را به حالت عادی برگرداند؟!

دکانداران و به خصوص دکاندارانی که میوه جات خشک (آجیل) می‌فروشند و همچنین پارچه فروشان، زرگری‌ها و دکان‌های شیرینی فروشی بهترین عواید و فروشات شان در ماه رمضان تا دهم عید است. این دکانداران یک مرتبه در مقابل ولایت تجمع نموده و با اعتراض بیان نمودند که ما به خاطر ماه رمضان و عید اموال زیادی خریداری نمودیم، هرگاه دکان‌های ما در این ماه مسدود باشد تمام اموال ما خراب می‌شود و زیان‌های بزرگی را متحمل می‌شویم. اما اعتراض نتیجه‌ای نداد. چند روز بعد از این اعتراض دفعته تمام موانع برداشته شد و شهر حالت عادی را گرفت. همه مردم متعجب بودند که چه شد. زمانی که این موضوع را از یک نفر از دکانداران آجیل فروش پرسیدم، او گفت:

«از پلای که شکم دارد نترس، ما غم جیب والی را خوردیم.»

سران رژیم پوشالی در چنین وضعیت اسفناکی فقط و فقط به فکر حفظ چوکی دست‌نشانده‌گی و پُر نمودن جیب‌های شان می‌باشند نه جان توده‌های ستمکش افغانستان. آن‌ها به این فکر هستند که با جلب کمک‌های جهانی و حیفومیل نمودن این کمک‌ها جیب‌های شان را پُر نمایند. هر قدر که آمار مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان بالا رود به همان اندازه رژیم پوشالی می‌تواند کشورهای جهان را برای کمک‌های بیش‌تر جلب نماید.

۱۳۰۰ افغانی به ۲۰۰۰ افغانی رسید، برنج هر بوجی ۲۰۰ افغانی و روغن هر پنج لیتر ۱۲۰ افغانی، اما میوه جات تا ده برابر قیمت افزایش یافت.

تاجران هرگاه صد هزار افغانی برای مردم کمک نمودند، در بدل صد میلیون از بالا بردن اجناس استفاده نمودند. رژیم پوشالی این موضوع را به خوبی درک می‌کند، اما در مقابل این خیانت و جنایت خاموش است. زیرا رژیم دست‌نشانده متشکل از سرمایه‌داران بیروکرات و ملاکین بیروکرات است.

توده‌های زحمتکش و به خصوص نسل جوان کشور باید دشمنان اصلی خویش را بشناسند و مرز دقیق میان دوستان و دشمنان بکشند. ما هیچ‌گاه موفق به شناخت دوستان و دشمنان نخواهیم شد، مگر این که تضاد اساسی، تضاد عمده و غیرعمده را دقیقاً بشناسیم و تفاوت میان شان را به خوبی درک کنیم.

تضاد اساسی بیان‌گر تضاد میان مالکیت خصوصی و کار جمعی است که دارای دو تبارز بزرگ می‌باشد که از این دو تبارز یکی عمده و دیگری غیرعمده است. تضاد عمده و غیرعمده با تغییر شرایط می‌تواند جای شان را تبدیل نمایند. یعنی تضادی که در یک شرایط عمده است، می‌تواند در شرایط دیگر غیرعمده گردد. مثلاً زمانی که افغانستان نیمه مستعمره بود تضاد طبقاتی عمده و تضاد با امپریالیزم غیرعمده بود. از زمانی که اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا به افغانستان تجاوز نموده و آن را اشغال نمودند، تضاد ملی

می‌گردد قابل خوردن نیست، زیرا نان به صورت نیمه خام از تنور بیرون می‌شود. تقریباً ۸۰ درصد مردمی که این نان را می‌گیرند از آن استفاده نمی‌کنند و به نصف قیمت به مستحقین به فروش می‌رسانند. فقط ۲۰ درصد آن‌ها، و آن هم به صورت اجباری، از نان استفاده می‌کنند.

چرا نانواها (خبازها) نان را نیمه پخته از تنور بیرون می‌کند؟ علتش بر همه‌گان واضح است. خباز هم می‌خواهد که از این خوان یغما چیزی نصیبش شود. خباز به خوبی می‌داند که لیستی که برایش داده شده یک سوم آن توزیع نمی‌گردد، لذا او از وزن هر نان صد گرام می‌کاهد. برای این که دزدی‌اش مشخص نشود نان را نیمه پخته از تنور می‌کشد. هیأت نظارت کننده هم در مقابل این خیانت خاموش است. او نمی‌تواند به نانوا چیزی بگوید، اگر چیزی بگوید راز خودش افشا می‌شود. از ابتدای شیوع بیماری کووید ۱۹ در افغانستان تاجران (کمپرادوران بیروکرات) گاه و بی‌گاه بسته‌های کمکی در داخل شهرها برای مردم توزیع نموده اند و آن کمک‌ها را رسانه‌ی ساخته اند. توده‌های زحمتکش باید هوشیار باشند که توزیع این بسته‌های کمکی خاک پاشیدن در چشمان مردم و روپوشی بر دزدی مستقیم این تاجران است.

با شیوع بیماری کووید ۱۹ در افغانستان یک دفعه این تاجران به اصطلاح خیر دفعاً قیمت تمام اجناس را بالا کشیدند. بعضی اموال پنجاه درصد و حتی بسیاری از مواد چهار برابر و بعضی حتی ده برابر گردید. به طور مثال یک بوجی آرد از

سرمایه‌داران جز به منافع خود به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کنند.

با شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ سرمایه‌داران کوچک و متوسط در تمامی کشورها و به خصوص کشورهای امپریالیستی متضرر شده‌اند و شرکت‌های بزرگ و سهام‌داران بزرگ، سهمیه‌شان را به قیمت پایین خریداری نموده‌اند. کهن‌سالان و جوانان ضعیف و کارگران مریض کشورهای امپریالیستی مفیدیتی برای دولت‌های امپریالیستی نداشتند و بارِ دوش آن‌ها بوده، قربانی ویروس کرونا گردیدند. و در پهلوی آن، کشورهای امپریالیستی توانستند بدون مصرف سرمایه، به حفظ اقلیم و محیط زیست و کاهش گازهای گل‌خانه‌ای و آلودگی هوا همیاری رسانند و خواهان سوق دادن جهانی تکنالوژی تحت تسلط نظام امپریالیستی شوند.

طبق گزارش‌های سازمان جهانی صحت، تا فعلاً (شنبه ۲۰ ثور ۱۳۹۹ خورشیدی - ۹ می ۲۰۲۰ میلادی) بیش از ۳,۸۶۲,۶۷۶ تن در جهان مبتلا به ویروس کرونا شده‌اند، و بیش از ۲۶۵,۹۶۱ تن در جهان وفات نموده و بیش از ۱ میلیون تن بهبود یافته‌اند. بنابراین مرگ و میر ویروس کرونا ۶/۸ فی‌صد تا فعلاً در جهان بوده است.

تعداد مبتلایان ویروس کرونا در افغانستان از مرز ۴ هزار فراتر رفت و فوتیان به ۱۱۵ تن رسید. طبق هوش‌دارهای وزارت صحت‌عامه اگر مردم به این بی‌توجهی‌شان خاتمه ندهند، ارقام به اوجش می‌رسد و فاجعه فلاکت‌بار در

مردمان افغانستان با اشغال‌گران و دست‌نشانگان‌شان به تضاد عمده مبدل گردید و تضاد طبقاتی به تضاد غیرعمده مبدل گردید.

از بحث فوق‌الذکر این نتیجه به دست می‌آید که در هر زمان باید مبارزه علیه تضاد غیرعمده به فراموشی سپرده نشود، بل که در تابعیت از تضاد عمده به پیش برده شود. خلط نمودن این تضادها گاهی به تسلیم‌طلبی ملی و گاهی به تسلیم‌طلبی طبقاتی منجر می‌گردد. این موضوع به وضوح از زمان اشغال افغانستان توسط سوسیال‌امپریالیزم "شوروی" تا کنون به وضوح دیده شده است. علت تسلیم‌طلبی ملی در شرایط کنونی و تسلیم‌طلبی طبقاتی در زمان اشغال‌گران سوسیال‌امپریالیزم عدم تفکیک تضادها و نادیده گرفتن این تضادها بوده است.

با توجه به مسایل فوق‌دشمنان عمده و اصلی انقلاب افغانستان اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده که متشکل از بورژوازی کمپرادور بیروکرات و ملاکین بیروکرات است، می‌باشند. برگردیم به اصل موضوع:

همان‌طور که ویروس‌های کمپیوتری خودپه‌خود ساخته نمی‌شوند و هر روز آنتی ویروس‌های در بازار تکنالوژی آبدیت و به روزرسانی می‌گردند و در اختیار سرمایه‌داران جهان قرار دارند؛ قضیه ویروس کرونا نیز به احتمال زیاد که چنین باشد. ممکن در یکی از لابراتوارهای بیولوژیکی کشورهای سرمایه‌داری بزرگ ساخته شده باشد. طوری که مشخص است

رژیم پوشالی در ابتدا این کار را نکرد و گذاشت تا ویروس داخل کشور گردد. بعد از مدتی که دستگاه اسکن جهت تست افراد به مرز اسلام قلعه فرستاد، با آن هم کارمندان در بدل مبلغی حتی افراد مشکوک را اجازه ورود به شهر دادند.

یک تن از نزدیکان یکی از عودت‌کنندگان از ایران این موضوع را چنین بیان نمود:

«زمانی که یکی از اقاربم از ایران این طرف مرز می‌آید مشخص می‌گردد که تست‌اش مشکوک است، ولی با مقدار پولی که به مسئول بخش داده بود اجازه ورود بدون بازرسی به آن داده می‌شود.»

بدون هیچ شک و شبه می‌توان گفت که تعداد مبتلایان به ویروس کرونا بسیار زیادتر از ارقامی که دولت از طریق رسانه‌ها به خورد مردم داده است، می‌باشد. با تست میدانی که از ۵۰۱ نفر از ولایت کابل گرفته شده ۳۳ درصد تست‌شان مثبت بوده است. این بدان معنی است که فاجعه بزرگی در راه است. حدود ۱۰ هزار نفر از نفوس تقریباً ۳۶ میلیونی کشور برای بی‌ماری کووید-۱۹ تست شده‌اند که بیش از ۳ هزار نفر مبتلا به این بی‌ماری بوده‌اند و بقیه منفی بوده‌اند. اینان کسانی‌اند که داوطلبانه برای تست رفته‌اند. ولی اگر این تست خانه به خانه انجام شود ارقام مبتلایان به "بیماری" افزایش چشمگیری را نشان خواهد داد.

چندین ولایت کشور به حالت قرنطین عمومی رفته و از طریق رسانه‌ها به طور مکرر تاکید می‌گردد که در خانه‌های خود بمانید. دست‌های تان را روزانه مکرراً با

انتظار مردم خواهد بود. امشب آگاه شدیم که حتی وزیر صحت عامه رژیم نیز تست کروناایش مثبت شده است.

داکتران صحت‌عامه زمانی که یک‌نفر بنام وحید در ولایت هرات مبتلا به ویروس کرونا شد، هوشدارهای داده بودند که باید مرز ایران بند شود و اجازه ورود به ولایت داده نشود. ولی رژیم پوشالی و ارگان‌های محلی هرات با دلایلی نخواستند مرز را مسدود کنند. زیرا به این باور بودند که شهروندان ما از ایران اخراج می‌شوند و ما باید آن‌ها را به آغوش بگیریم، در حالی که پشت قضیه، چیز دیگری نهفته بود. رژیم پوشالی خواست تا افتضاح انتخابات مضحک را تحت الشعاع ویروس کرونا قرار دهد و چنین هم شد.

شاه شجاع چهارم (اشرف غنی) برای منزوی ساختن و متوقف نمودن کارهای عبدالله و سرازیر شدن پول از منطقه و جهان عمداً اجازه ورود مهاجرین را از مرز اسلام قلعه به داخل افغانستان داد و از این طریق نه تنها هرات بلکه ولایات دیگر را نیز آلوده به این ویروس نمود. درین میان توده‌های ستم‌دیده قربانی این بازی کثیف جناح‌های مختلف رژیم شده‌اند.

دولت پوشالی اگر می‌خواست می‌توانست با مصرف مقدار پول ناچیز، اماکنی برای اسکان آوارگان و کارگران افغانستانی وارده از ایران در دشت‌های اسلام قلعه اختصاص دهد و بعد از تست افراد در صورت منفی بودن تست اجازه ورود به شهر را به ایشان بدهد و افراد مبتلا به ویروس کرونا را به مدت دو الی سه هفته قرنطین نماید.

مکتوب شده، یک پایه چپرکت معمولی مریض ۳۲۰۰۰ افغانی و یا یک عدد بالشت ۸۰۰ افغانی رقم خورده است. ازین معلوم می‌شود هرکجا می‌خواستند بدون کدام بازپرس و کنترولی - در پهلوئی اعداد - صفر اضافه کرده اند. این فساد نه تنها در ولایت بلخ، بلکه در همه ولایات کشور جریان دارد.

چند شب پیش در یکی از چینل‌های تلویزیونی هرات خبری پخش شد که انسان را می‌لرزاند: فامیلی دخترش را از فرط گرسنگی به فروش گذاشته بود. این فامیل می‌گفت که با فروش دخترم هم جان او را نجات می‌دهیم و تا هم مدتی می‌توانیم به حیات خود ادامه دهیم. این فاجعه بزرگ انسانی حدود چند دهه قبل یعنی سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ خورشیدی نیز رخ داده بود و حالا دوباره تکرار می‌شود. در چنین شرایطی است که تاجران خون آشام به فکر احتکارند و همه روز قیمت اجناس را بالا می‌کشند.

تست گرفتن از افراد مشکوک به کرونا نیز به ارتباطات و پارتی بازی تعلق دارد. حتی وزیر صحت عامه نتوانست این موضوع را کتمان نماید.

یکی از داکتران امراض قلب در هرات به نام عبدالخالق منیب تستش مثبت شده بود و از طریق آن ۳ عضو دیگر خانواده اش نیز به این بی‌ماری مبتلا شده بودند. او از ریاست صحت عامه هرات این گونه شکایت داشت:

«داکتران صحت عامه برای چک مجدد بنده آماده بودند، برای شان گفتم که غیر از من ۳ عضو فامیل من نیز بی‌مار شده

آب و صابون بشویید و در جاهای که آب نیست دست‌های تان را ضد عفونی کنید و از میوه جات و سبزیجات استفاده نکنید و غیره توصیه‌های بهداشتی. ولی باید گفت ما در کشوری زندگی می‌کنیم که فقر و بی‌خانمانی بی‌داد می‌کند و دولت بدون توجه به این حالت اسفناک مردم در خواب خرگوشی قرار دارد. کسی که خانه ندارد چه‌گونه در خانه بماند، کسی که توان خریدن صابون را ندارد چه‌گونه روز یک صابون را می‌تواند مصرف کند؟ کسان بسیاری شب‌ها را با شکم گرسنه و با چشمان اشک‌آلود می‌خوابند. چنین افرادی چه‌گونه می‌توانند از سبزیجات و میوه جات استفاده نموده و اقدامات صحی را عملی کنند و خرج و خوراک و تغذیه مناسب داشته باشند. رژیم دست‌نشانده پوشالی و مزدور هیچ اقدام اساسی برای کمک به هم‌وطنان روی دست نگرفته است.

رژیم به دست مافیاهای است که خون آشام اند و ماندن در مسند قدرت و حفظ قدرت برای شان مهم‌تر از هر چیزی است. از نظر رژیم پوشالی و خاینین ملی زندگی توده‌های کشور پیشیزی ارزش ندارد، بدین سبب هیچ توجه اساسی به وضعیت صحی و زندگی روز مره توده‌ها ندارد.

در مکتوب فس ۵ (نوع مکتوب در ادارات دولتی) که جهت خریداری اجناس مورد ضرورت بیماران کوید ۱۹ از ولایت بلخ در دسترس قرار گرفته است حیف و میل پول‌ها به وضوح دیده می‌شود. ۷ قلم جنس ناچیز حدود ۱۴۳ هزار افغانی خریداری شده است. مثلاً یک عدد ترموز ۵۰۰ افغانی به قیمت ۵۰۰۰ افغانی درج

مردمان فقیر می‌کرد حتماً در خانه‌های خود می‌ماندند و در آغوش مرگ نمی‌رفتند. جان تعداد افرادی که مرزبانان ایرانی در ظرف چند دقیقه گرفتند بی‌ماری کووید ۱۹ در ظرف یک‌ماه این قدر قربانی از مردم نگرفته است.

هر دو جنگ جهانی تمامی کشورهای جهان را تحت تاثیر قرار داده بود؛ ولی وضعیت فعلی بغرنج‌تر و خطرناک‌تر از قبل است. اقتصاد جهانی صدمه خورده و وضعیت میلیون‌ها نفر خیلی بدتر از چند ماه قبل است و روز به روز وضعیت برای شان بدتر گردیده و می‌گردد. بیش از ۵ ماه از شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ از شهر ووهان چین می‌گذرد. در طی این چند ماه مردم در تمام دنیا مبتلا به این بی‌ماری شده اند. معلوم نیست چه وقت واکسین آن به بازار عرضه می‌شود و چه وقت جلو شیوع این بی‌ماری کشنده گرفته خواهد شد. درین برهه خطرناک کشورهای که مفاد به دست آورده و پیروز می‌شوند، دولت‌های امپریالیستی هستند. برای ابر قدرت‌های امپریالیستی و بورژوازی کمپرادور، جان انسان‌ها هیچ ارزشی ندارد آن‌ها فقط در فکر توسعه قدرت و بازار فروش اند. با تولید واکسین در زمان معین - که صدها هزار نفر و شاید هم میلیون‌ها تن جان‌های شیرین‌شان را در سرتاسر دنیا از دست خواهند داد، فواید صدها تریلیون دلاری را بورژوازی امپریالیستی به جیب خواهند زد.

پاندمی بی‌ماری کووید ۱۹ یک ترس گسترده جهانی را ایجاد نموده و آمار جهانی مبتلایان هر روز بالا می‌رود.

اند، از آن‌ها تقاضا نمودم که آن‌ها را نیز چک کنید، برایم گفتند برای ما فقط هدایت رسیده که خودت را چک کنیم، از آن‌ها دوباره تقاضا نمودم و گفتم حالا که زحمت کشیدید و آمدید لطف نموده آن‌ها را نیز تست نمایید تا از این ناحیه راحت شوم، خودم نیز از خانواده طبابت افغانستان هستم و عمری در این راه خدمت کرده‌ام. یکی از کارمندان صحت‌عامه برایم به صورت زک و صریح گفت هرآن‌کس می‌خواهی باش، فقط تست خودت را می‌گیریم نه اعضای خانواده ات را. به همین دلیل من نیز خودم را حتی چک نکردم و آن‌ها را رخصت نموده و گفتم چند روز که در خانه ماندم چند روز دیگر نیز در خانه می‌مانیم.»

وقتی با کسی که "پدر قلب هرات" لقب دارد چنین برخورد زشت و ناپسندی صورت می‌گیرد وای به حال توده‌های فقیر!

در وضعیت بد بیماری کووید ۱۹ و فقر و بیچارگی مردمان، تعداد زیادی از کارگران از روی مجبوریت و به خاطر زنده ماندن دست به مهاجرت دوباره به ایران زده و از طریق قاچاق با پذیرفتن تمام خطرات راهی سفر شدند. هفته قبل مرزبانان ایرانی حدود ۵۷ نفر از کارگران افغانستانی را دستگیر نموده و بعد از لت و کوب و شکنجه تمامی شان را به هری‌رود انداختند و فقط ۱۲ نفر ایشان نجات یافتند و ۲۰ نفر شان تا کنون ناپدید اند. اجساد بقیه توسط نیروهای مرزی افغانستان از آب کشیده شده اند. هرگاه رژیم پوشالی در زمان قرنطین کمکی برای

باید با روحیه قوی علیه این ویروس مهلک مبارزه نموده و از جاهای پر ازدحام پرهیز نماییم و حد اقل روز چند مرتبه دست‌های تان را بشویید.

هر گاه بخواهیم که خود را نه تنها از این ویروس، بلکه از ویروس‌های مهلک دیگر نجات دهیم باید دست به دست هم داده تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر علیه اشغال‌گران امپریالیستی، رژیم دست‌نشانده کنونی و رژیم دست‌نشانده پسا توافق به مبارزه بر خیزیم و تا بیرون راندن قهری اشغال‌گران امپریالیست و سرنگونی رژیم‌های پوشالی و استقرار جامعه نوینی که در آن آثاری از ستم نباشد به پیش رویم.

برای یک نظام صحتی خدمت‌گذار مردم که همانا نظام صحتی دموکراتیک نوین است، با تمام قوت به پیش!

مرگ بر اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی!

مرگ بر تسلیم‌شدگان به اشغال‌گران امپریالیست



کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی ظاهراً در مقابل این ویروس تن به تسلیمی نداده و با مشکل مبارزه می‌کنند. دونالد ترامپ، رهبر امپریالیزم امریکا در کنفرانس‌های مطبوعاتی‌اش همیشه با طعنه و کنایه حرف‌های خود را در مورد ویروس کرونا زده است. حتی چند روز قبل گفت:

«کسانی‌که به این ویروس مبتلا می‌شوند چیزی برای از دست دادن ندارند. پس بهتر نیست که از همان مواد ضد عفونی به‌عنوان خوراکی استفاده کنند.»

این سخن ضد بشری و احمقانه وی با انتقادهای فراوانی روبرو شد. داکتر وین‌گوپتا گفت:

«تزیق مواد پاک کننده یا ضد عفونی و یا خوردن آن‌ها توصیه‌ای غیرمسئولانه و خطرناک است. معمولاً برای خودکشی ازین مواد استفاده می‌کنند.»

در حقیقت منظور ترامپ از این بحث همان است، یعنی انسان‌های که برای سرمایه‌داری مفیدیت ندارد بهتر است خودکشی کنند. از نظر ترامپ صحبتش غیر مسئولانه نیست، بلکه منطقی است. زیرا برای نظام سرمایه‌داری حیات انسان‌ها هیچ ارزشی ندارد، بلکه سود برای شان همه چیز است.

بعد از اختتام جنگ بیولوژیکی کرونا و خلق دارو و واکسین این ویروس، معلوم خواهد شد، ابر قدرت اقتصادی جهان کدام کشور است؛ سوسیال‌امپریالیزم چین یا امپریالیزم لجام گسیخته امریکا. هم‌وطنان رنج دیده و زحمت‌کش! برای این‌که بر این ویروس مهلک فایق آییم،

## رژیم پوشالی کنونی هیچ برنامه‌ای برای مبارزه با ویروس کرونا ندارد

جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در افغانستان آمادگی گرفت. باید تعدادی خیمه گرفت و به مرز اسلام قلعه فرستاد. هر شخصی که از ایران وارد افغانستان شود باید در خیمه به مدت دو الی سه هفته قرنطینه شود، هرگاه ویروس در وجودش مشاهده شد به شفاخانه انتقال داده شود و اگر مشکلی نداشت اجازه داده شود که به شهر و خانه‌های شان بروند. از ریاست صحت عامه هرات خواستم تا این موضوع را با وزارت صحت عامه در میان بگذارد. طوری که در جلسات بعدی مشاهده شد این پیش‌نهاد مورد پذیرش قرار گرفت. حینی که دروازه گمرک اسلام قلعه به روی مهاجرین عودت‌کننده از ایران باز شد، دوباره این پیش‌نهاد را دادم، اما شنیده نشد. زمانی که دولت اعلان نمود که امروز ده هزار نفر از ایران وارد افغانستان گردیده اند فردایش در جلسه صحت عامه گفتیم که از ده هزار نفر حتماً هزار نفر به این ویروس مبتلا اند، در قدم اول همین هزار نفر هزار سیم کارت می‌گیرند، علاوه بر این که از نانوایی‌ها و بقیه دکان‌ها سودا می‌گیرند. این بدین معناست که در قدم اول آن‌ها چندین هزار نفر دیگر به شمول خانواده‌های شان را به این ویروس مبتلا می‌سازند و به زودی ویروس کرونا شیوع

رژیم پوشالی در حالتی که ویروس کرونا جان مردمان بسیاری را در چین، همسایه شمال شرقی افغانستان، گرفته بود و به ایران، همسایه غربی افغانستان، نیز سرایت کرده بود، منافع سیاسی‌اش را نسبت به منافع ملی و حیات مردمان کشور در الویت قرار داد. در واقع این رژیم عمداً خواست تا ویروس کرونا داخل کشور گردد. رژیم پوشالی اگر می‌خواست می‌توانست با بستن مرز ایران از شیوع این مرض جلوگیری نماید. اما این کار را نکرد. این موضوع را از قول یک تن از داکتران بخش‌های خصوصی هرات پی می‌گیریم. داکتر مسئله مرض کرونا و پیش‌نهادش را در جلسه ریاست صحت عامه هرات چنین بیان نموده است:

«من در تمام جلسات صحت عامه هرات شرکت داشتم. زمانی که ویروس کرونا در ایران شناسایی گردید، در جلسه صحت عامه هرات پیش‌نهاد نمودم که این مرض به زودی شیوع پیدا می‌کند و شهرهای ایران به قرنطینه می‌رود. هرگاه ایران به قرنطینه برود تمامی کارگران افغانی بیکار می‌شوند، آن‌ها از لحاظ اقتصادی زیر فشار قرار گرفته و به طرف افغانستان حرکت می‌کنند، باید از حالا برای



میلیون دالر جهت مبارزه با ویروس کرونا به افغانستان به اصطلاح کمک نموده است. به همین طریق کمک‌های کشورهای منطقه نیز به افغانستان سرازیر شده است. رژیم پوشالی با این بازی‌های سیاسی شیطانی‌اش جان هزاران نفر را به خطر مواجه ساخت تا بر چوکی دست‌نشان‌دگی باقی بماند. پرده این بازی سیاسی شیطانی زمانی پاره گردید که ۳۸ تن از افراد مبتلا و مشکوک به ویروس کرونا از شفاخانه شیدائی ولایت هرات فرار نمودند. آن‌ها با صراحت علت فرار شان را از شفاخانه، عدم مراعات بهداشت، نبود غذای کافی و یک جا بودن افراد مشکوک و مبتلا به ویروس کرونا در یک اطاق قلمداد نمودند. یک زن از این بیماران به تلویزیون محلی استقلال گفت که:

«شفاخانه هیچ آمادگی برای تداوی مریضان ندارد. اصلاً به مریضان مبتلا به ویروس کرونا رسیدگی نمی‌شود. حتی نان و غذا وجود ندارد. ما از کچالو خوردن مردیم و در ضمن شش‌الی هفت نفر در یک اطاق هستند. سمپل‌های که از ما گرفته شده تا حال نرسیده که چه کسی سالم و چه کسی مبتلا به ویروس کروناست. زمانی که این سمپل‌ها برسد، افرادی که نتیجه‌اش منفی است حتماً در ظرف این مدت از کسانی که سمپل مثبت دارد مریضی را گرفته است، وقتی دولت او را مرخص می‌کند و به خانه می‌رود ویروس را به کل خانواده انتقال می‌دهد.» فرار مریضان از شفاخانه چهره شیطانی رژیم پوشالی را به وضوح نشان داده است. حتی افراد بلند پایه محلی رژیم

پیدا می‌کند که امکان جلوگیری از آن غیرممکن می‌گردد. در افغانستان که از هر گونه امکانات بی‌بهره است فجایع انسانی به بار خواهد آمد، باز هم پیش‌نهادم این است که در مرز اسلام قلعه قرنطینه بسازید و هر شخصی که وارد افغانستان می‌گردد، در همان‌جا قرنطینه نمایید. اما چنین نشد. اگر این پیش‌نهاد در همان روز اول پذیرفته می‌شد با هزینه نسبتاً کم از شیوع آن جلوگیری می‌شد.»

رژیم پوشالی با بی‌اعتنایی به ویروس کرونا نگریت و گذاشت تا این ویروس به سادگی در افغانستان شیوع پیدا کند. چنانچه تا سه هفته هر شخصی که مبتلا به ویروس کرونا بود یا از ایران به افغانستان آمده بود و یا از پاکستان. تا کنون بیش از نود درصد مبتلایان به ویروس کرونا از مهاجرین ایرانی اند.

امروزه سران رژیم پوشالی فقط برای نجات خود و خانواده‌های شان از مبتلا شدن به ویروس کرونا تلاش می‌ورزند، نه نجات جان توده‌های ستمدیده افغانستان. بناءً ویروس کرونا فاجعه عظیم انسانی را در افغانستان به وجود خواهد آورد.

رژیم پوشالی از این‌که از کنار ویروس کرونا به سادگی گذشت دو هدف را دنبال نمود. اولاً خواست تا جارجنرال‌های سیاسی را تحت شعاع ویروس کرونا قرار دهد و رقبیش را تحت فشار قرار دهد تا با امتیازات ناچیز، وی را قانع سازد. ثانیاً با شیوع ویروس کرونا در افغانستان توجه جهانیان و به خصوص صندوق جهانی پول را به افغانستان جلب نماید. چنانچه صندوق جهانی پول مبلغ یک صدوچهار

طبق گفته داود مرادیان مبلغ ۴۰۰ میلیون افغانی برابر است با شش میلیون دالر که حدوداً معاش یک بخش کوچک ارگ می‌باشد. (طلوع نیوز- سه شنبه- مؤرخ ۵ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی)

این بحث داود مرادیان بیش از همه فساد و حیفومیل پول‌های بادآورده را در درون ارگ به خوبی نشان می‌دهد. رژیم پوشالی فقط از طریق حیفومیل پول‌های بادآورده اشغال‌گران تا کنون توانسته سر پا بایستد. هرگاه این "کمک"ها قطع گردد، ناقوس مرگ رژیم پوشالی به صدا در می‌آید.

با وجودی که مدت زیادی از این دستور فرمایشی و نمایشی اشرف غنی گذشت با آن‌هم شکایات از عدم دسترسی به امکانات کافی و تجهیزات بهداشتی در ولایت هرات جریان داشت. در ۲۸ حوت ۱۳۹۸ خورشیدی طلوع مصاحبه‌ای با جیلانی سخن‌گوی والی هرات داشت و از وی در مورد امکانات صحت عامه هرات و اختصاص مبلغ چهارصد میلیون افغانی در هرات پرسیان نمود. او گفت:

«ریاست صحت عامه از امکانات خوبی برخوردار نیست، تا کنون مبلغ یک میلیون افغانی برای هرات اختصاص داده شده و دیروز وزارت صحت عامه گفت که هفتونیم میلیون افغانی به حساب مستوفیت هرات ریخته شده است.»

به همین تاریخ کامران علی‌زایی رئیس شورای ولایتی هرات به تلویزیون طلوع گفت که: «دولت هیچ‌کاری در ولایت هرات برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا انجام نداده است. فقط کاری نموده که ۷۵

نتوانسته اند آن را مخفی سازند و آشکارا حرف مریضان فراری را تائید نموده اند. حتی رئیس شورای ولایتی هرات با تائید صحبت مریضان صریحاً گفته است که:

«صحت عامه هرات هیچ آمادگی برای مبارزه با ویروس کرونا ندارد و اصلاً امکانات وجود ندارد. در هر اطاق پنج الی شش نفر بستری اند. از لحاظ غذایی مریضان نیز در وضعیت بدی به سر می‌برند. مریض باید در بیرون از شفاخانه خود را تست کند. تست نهایی به کابل فرستاده می‌شود، این تست حداقل دو هفته طول می‌کشد تا به هرات برسد، تا زمانی که تست برسد حتماً افراد سالم هم به ویروس کرونا مبتلا می‌شوند. در چنین شرایطی اگر من هم جای آن‌ها می‌بودم از شفاخانه فرار می‌کردم.»

چند روز بعد از این رسوایی، رژیم پوشالی اعلان نمود که یک نفر ۴۵ ساله به اثر مبتلا شدن به ویروس کرونا در ولایت هرات درگذشت. بعد از تحقیق مشخص گردید که اولین قربانی ویروس کرونا همان زنی است که در جلو تلویزیون از بی‌کفایتی رژیم پوشالی و عدم دسترسی مریضان به امکانات بهداشتی شکایت داشت. از نظر بسیاری از مردمان هرات این مرگ مشکوک به نظر می‌رسد. بعد از این اف‌تضاح بود که اشرف غنی (شاه‌شجاع چهارم) گفت:

«من امر کردم تا چهار صد میلیون افغانی جهت مبارزه به ویروس کرونا به هرات اختصاص داده شود.» (تلویزیون طلوع - خبر ساعت شش - ۲۷ حوت ۱۳۹۸ خورشیدی)

مقامات بلند پایه هرات ظاهراً "کمیتة اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" را تشکیل نمودند. این کمیتة نیز از عمل کرد رژیم در مقابل مبارزه با ویروس کرونا راضی نیست. عدم رضایت مقامات بلند پایه محلی هرات و "کمیتة اضطراری مبارزه با کرونا" به این علت بود که آنها می‌خواستند از پول اختصاص یافته مقداری را برای تجهیزات شفاخانه‌ها استفاده نموده و بقیه را بین خود تقسیم نمایند، ولی تا حال موفق به این کار نشده‌اند. تجربه ۱۹ سال گذشته به خوبی نشان داده که رژیم پوشالی و لاش‌خوران دوروبرش کاملاً به فساد غرق هستند و به حیفومیل پول‌های بادآورده و حتی غصب دارایی عامه می‌پردازند.

همان‌طوری که با کشیدن هشتونیم میلیون افغانی از بانک هرات هیچ گره‌ای از مشکل مردم هرات حل نگردید، به همان ترتیب ۴۰۰ میلیون افغانی نیز هیچ مشکلی را در هرات حل نخواهد کرد، و اگر از بانک هم کشیده شود بیش از همه به جیب مقامات بلند پایه محلی هرات و "کمیتة اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" سرازیر خواهد گردید.

قیوم رحیمی والی قبلی هرات از اجنت‌های شاه‌شجاع چهارم است. او به اثر فشار "کمیتة اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" و شورای ولایتی مبلغی را که قبل از اختصاص یافتن ۴۰۰ میلیون افغانی به هرات رسیده بود (مبلغ هشت و نیم میلیون افغانی) از بانک کشیده و با هم‌گامان خود مقداری تجهیزات خریده و بقیه را حیفومیل نموده بود و به "کمیتة اضطرار

لک افغانی (هفت میلیون و پنج صد هزار افغانی) به هرات اختصاص داده است.»  
به تاریخ ۱۲ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی بود که کامران علی‌زایی رئیس شورای ولایتی هرات به تلویزیون استقلال در مورد اختصاص یافتن ۴۰۰ میلیون افغانی جهت مبارزه با ویروس کرونا در هرات گفت:

«۴۰۰ میلیون افغانی به هرات رسیده، اما والی صلاحیت مصرف آن را ندارد و به طور امانت در بانک گذاشته شده است. اما والی جرأت نموده که مبلغ ۱۲۰ میلیون افغانی قرضه بگیرد.»

بعد از چند روز داکتر نثار احمد مصدق یکی از داکتران شفاخانه حوزوی هرات گفت:

«ریاست صحت عامه هیچ امکاناتی برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در هرات ندارد. دولت هم در این زمینه هیچ‌توجه نکرده است.»

زمانی که از وی در مورد اختصاص ۴۰۰ میلیون افغانی جهت مبارزه با شیوع ویروس کرونا پرسان شد، او گفت که: «پول رسیده، اما کسی صلاحیت مصرف آن را ندارد.»

اصلاً جاروجنگال‌های مقامات بلند پایه محلی هرات در مورد بی‌کفایتی رژیم و عدم امکانات برای مبارزه با ویروس کرونا به خاطر آنست که تا کنون رژیم پوشالی اجازه کشیدن ۴۰۰ میلیون افغانی را به ایشان نداده است تا حیفومیل نمایند. جاروجنگال آن‌ها به خاطر عدم جلوگیری از شیوع ویروس کرونا نیست.

که توان جلب کمک اسماعیل خان و مولوی خداداد را داشته باشد.

مرگ و میر بیماری‌های وبا، توپرکلوز و ملاریا اگر بیش‌تر از ویروس کرونا نباشد، کم‌تر از آن نیست. چیزی که امروز مردمان جهان و به خصوص سرمایه‌داران را به وحشت انداخته گسترش جهانی این ویروس است.

با آن‌که امروز خطر مرگ‌ومیر ویروس کرونا بیش‌تر از وبا، توپرکلوز و ملاریا نیست، اما قدرت تخریب ساختار اجتماعی آن زیاد است. امپریالیست‌ها و تمامی نیروهای ارتجاعی طبقه حاکمه، امروز از این ویروس به عنوان ابزار سرکوب توده‌ها و تضعیف رقبای خود استفاده می‌کنند.

ما امروز به خوبی شاهدیم که شرکت‌های بزرگ کشورهای امپریالیستی به خاطر تولید واکسین ویروس کرونا و انحصار نمودن حق مالکیت آن، در رقابت هستند. هر کدام تلاش دارند تا دیگری را عقب بزنند. این موضوع را نئین در رشد ناموزون سرمایه‌داری به طور دقیق شگافته است. نئین "رشد ناموزون سرمایه‌داری" را در دوران امپریالیزم اجتناب‌ناپذیر می‌داند. از نظر نئین رشد ناموزون سرمایه‌داری به معنای خارج کردن سریع بعضی از کشورها توسط دیگران از بازار جهانی، و تقسیم مجدد جهان می‌باشد.

«در مورد این قانون نئین نشان داد که دوران سرمایه‌داری ماقبل انحصاری سپری شده و به امپریالیزم مبدل گردیده است؛ اقتصاد جهان در شرایطی که تضاد میان

مبارزه با ویروس کرونا" و شورای ولایتی وعده سپرده بود که تا زمان گرفتن امر بیرون کشیدن مبلغ ۴۰۰ میلیون افغانی، او مبلغ ۱۲۰ میلیون قرضه خواهد گرفت، و به ایشان دستور داده بود که تجهیزات طبی را خریداری نمایند. طبق این دستور "کمیته اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" شروع به خریداری مواد نموده بود. در چنین حالتی وحید قتالی به صفت والی هرات معرفی گردید و اولین کارش به تعلیق در آوردن فعالیت "کمیته اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" بود. این دستور سروصدای "کمیته اضطرار مبارزه با ویروس کرونا" را بلند نمود. شهیر یکی از اعضای این کمیته گفت:

«والی سابق هرات جرأت داشت که دستور خرید مواد و تجهیزات بهداشتی را بدهد، ما با اجازه وی مواد خریداری نمودیم، باید که پول آن پرداخت گردد.»

این جاروجنجال بیان‌گر آنست که تعیین وحید قتالی به صفت والی هرات در شرایط کنونی در قدم اول به خاطر آنست که مبلغ اختصاص یافته به هرات دست‌ناخورده باقی بماند و در قدم دوم مقاومت دسته انتخاباتی عبدالله را در این ولایت تضعیف نماید. وحید قتالی با آن‌که میانه خوبی با اسماعیل خان و مولوی خداداد رئیس شورای علمای حوزه جنوب غرب ندارد، برای پیاده نمودن دستورات شاه شجاع چهارم حین رسیدن به هرات به دست‌بوسی اسماعیل خان و مولوی خداداد رفته و یک روز بعد با شورای علمای هرات دیدار کرده است، اما با این حيله فکر نمی‌شود

عقب‌زدن رقیب استفادهٔ اعظمی نمایند. به همین ترتیب رژیم پوشالی نیز در افغانستان می‌خواهد از ویروس کرونا برای تحت فشار قرار دادن و عقب راندن مخالفین خود بهره‌برداری سیاسی نماید.

این ویروس در حالی دامن افغانستان را گرفت که از یک طرف شکست دموکراسی تحمیلی اشغال‌گران در انتخابات دور چهارم ریاست جمهوری خود را به خوبی به نمایش گذاشت و هیئت حاکمهٔ رژیم پوشالی علناً بر سر چوکی ریاست جمهوری در جدل قرار گرفتند و از سوی دیگر "توافقی‌نامهٔ صلح" میان اشغال‌گران امریکایی و طالبان به امضاء رسیده است. در چنین شرایطی این تخریب به مراتب از خطر ویروس کرونا زیان‌بارتر است.

رژیم پوشالی با بهره‌گیری سیاسی از ویروس کرونا تمام جدل‌های سیاسی و اختلافات وارده همراه با شکست مفتضحانهٔ دموکراسی تحمیلی اشغال‌گران را تحت‌الشعاع این بحران قرار داده است. از طرف دیگر این بحران چهرهٔ کریه و درهم ریختهٔ رژیم پوشالی را به خوبی به نمایش گذاشته است. توده‌های زحمتکش به روشنی می‌بینند که رژیم پوشالی فقط و فقط به فکر منافع خود و باداران اشغال‌گرش می‌باشد، نه منافع علیای توده‌های زحمتکش کشور.

یک نکتهٔ دیگر در این‌جا قابل یادآوری است که با تحمیل جنگ اشغال‌گرانهٔ امپریالیست‌ها همه روزه به طور اوسط ۲۰۰ نفر در افغانستان کشته می‌شود و قربانی این جنگ تحمیلی اشغال‌گران امپریالیست می‌گردند. رژیم پوشالی

کشورهای امپریالیستی که سرزمین‌ها، بازار و منابع خام و غیره را در دست دارند تکامل یافته و تقسیم جهان در پیرامون نفوذ کشورهای امپریالیستی به اتمام رسیده است؛ که کشورهای سرمایه‌داری به طور موزون رشد نمی‌کند، این بدان معنا است که یک کشور به دنبال کشور دیگری و به موازات آن رشد نمی‌کند، بلکه متناوباً کشورهای که قبل از بقیه سبقت گرفته بودند حالا به عقب رانده می‌شوند و کشورهای جدید دیگری به جلو پیش‌روی می‌کنند؛ و این روش رشد کشورهای سرمایه‌داری به طور اجتناب‌ناپذیری موجب بروز برخوردها و جنگ‌ها بین کشورهای سرمایه‌داری و در نتیجه تقسیم مجدد جهان که تا به حال تقسیم شده بود می‌گردد؛ و این تضادها و جنگ‌ها منجر به تضعیف امپریالیزم می‌شود؛ و بدین ترتیب جبههٔ جهانی امپریالیستی به سادگی در معرض تجزیه قرار گرفته و به کشورهای جداگانه مبدل می‌گردد؛ و این‌که بالاخره تحت چنین شرایطی پیروزی سوسیالیزم در یک کشور امکان پذیر می‌گردد.» (استالین - لنینیسم یا تروتسکیزم - صفحه ۱۴۷ کتاب تروتسکیزم ضد انقلاب در پوشش - اثر ج. اولژین)

امروز در سطح جهان به خوبی مشاهده می‌شود که برای انحصار نمودن واکسین ویروس کرونا میان امپریالیست‌ها و به خصوص امپریالیزم آمریکا و آلمان از یک سو و سوسیالیسم امپریالیزم چین از سوی دیگر رقابت به طور جدی وجود دارد، و هر کدام خواهان آنند تا از این بحران برای

بی کفایتی رژیم پوشالی را می‌توان در ولایت تخار به خوبی مشاهده نمود. وقتی یک نفر به صحت عامه ولایت تخار جهت تست کرونا مراجعه می‌کند و صحت عامه ولایت تخار تست او را به کابل می‌فرستد. زمانی تست از کابل به ولایت تخار می‌رسد که فرد مذکور وفات نموده و خانواده اش با صدها نفر او را کفن و دفن می‌کنند. (نامبرده به تاریخ ۱۶ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی وفات می‌کند، اما تست آن به تاریخ ۱۷ حمل به ولایت تخار می‌رسد که مثبت است)

بحران کنونی خیانت و رذالت‌های تنفرانگیز رژیم پوشالی را به نمایش خواهد گذاشت و نفرت و انزجار توده‌های ستم‌دیده در برابر رژیم پوشالی چند برابر خواهد گردید. در چنین حالتی این امکان وجود دارد که از بطن جامعه نیروهای توده‌یی سر بلند نمایند و به مقاومت علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی و طالبان تازه تسلیم‌شده بپردازند. با آن‌که امروز تمام مردم درگیر مبارزه با ویروس کرونا هستند، اما این مبارزه به زودی می‌تواند تبدیل به مبارزه وسیع مردمی علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی و تمام نیروهای خاین و مرتجع گردد، اما به شرط این که ما بتوانیم وظایف محوله خود در قبال توده‌های زحمت‌کش کشور را فعالانه اجرا نماییم و در پیشاپیش مبارزات آن‌ها قرار بگیریم.

شرایط اضطراری امروز در افغانستان در برگیرنده مخاطرات بزرگ است، یا به عبارت دیگر نظر به بی‌کفایتی و فساد بی‌حد رژیم دست‌نشانده و بازی‌های

می‌خواهد تا این جنایت خانانانه خویش را زیر نام ویروس کرونا بپوشاند. امروز فقر و فاقه مردمان و قربانی بیش از حد مردمان ستم‌دیده کشورمان بر اساس جنگ‌های تحمیلی اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی و سایر جنگ‌های تحمیلی اشغال‌گرانه و تحمیلی است، نه ویروس کرونا. قربانی این جنگ‌های تحمیلی به مراتب بیش‌تر از ویروس کرونا در افغانستان است. این بدان معنا نیست که ما مرگ‌ومیر ناشی از ویروس کرونا را از نظر دور نداریم و یا این‌که آن را دست کم بگیریم، بل‌که بدان معناست که فقر و فاقه و مرگ و میر مردمان این سرزمین چندین برابر مرگ و میر ویروس کرونا است که نباید تحت الشعاع مبارزه با ویروس کرونا قرار گیرد.

رژیم پوشالی و بداران اشغال‌گر شان اصلاً توان مبارزه با ویروس کرونا در افغانستان را ندارند، زیرا برای آن‌ها منافع غارت‌گرانه شان نسبت به جان مردم افغانستان در اولویت قرار دارد. مردم ستم‌دیده کشور به هیچ عنوان نباید چشم امید به الطاف اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی در مبارزه با ویروس کرونا را داشته باشند، بل‌که باید خودشان با این ویروس کشنده به مبارزه برخیزند و بیش‌تر از همه برای بیرون راندن قهری اشغال‌گران امپریالیست و سرنگونی رژیم پوشالی و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر بسیج گردند. فقط و فقط از این راه می‌توان به تمام این مشکلات فایق آمد و بس.

ما به خوبی شاهدیم که امروز امکانات و تجهیزات برای مبارزه با ویروس کرونا در دسترس همگان قرار ندارد، بلکه در دسترس مشت اقلیت خاین و طبقه حاکمه قرار دارد و قرار می‌گیرد.

امروز طبقات زحمتکش افغانستان بین مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند و لقمه نانی برای خوردن ندارند، در چنین وضعیتی نه تنها ویروس کرونا آن‌ها را تهدید می‌کند، بلکه خطر گرسنگی بیش‌تر از آن دامن شان را گرفته و آن‌ها را به مرگ تهدید می‌نماید. رژیم پوشالی در چنین حالتی بعضی ولایات را به قرنطینه برده و یقیناً به زودی تمام ولایات افغانستان را به قرنطینه خواهد برد. اما رژیم هیچ‌گونه برنامه‌ای برای نجات توده‌های ستمدیده که به علت فقر و بیکاری بین مرگ و زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ندارد. این وضعیت بیش از همه نگران‌کننده است، زیرا همان‌قدر که ویروس کرونا از مردم قربانی می‌گیرد به همان میزان حالت امنیتی را برهم زده و در داخل هر کوچه و پس کوچه اعمال جنایی چند برابر خواهد گردید و از مردم قربانی خواهد گرفت و یقیناً قربانی مردم در اثر جنگ‌های ارتجاعی خائنه و تحمیلی اشغال‌گرانه چند برابر بیش‌تر خواهد بود.

حینی که رژیم پوشالی امر قرنطینه یک ولایت را صادر می‌نماید، در قدم اول باید حقوق بخور و نمیری برای کسانی که زیر خط فقر اند در نظر بگیرد و در قدم دوم پرسونل صحتی خانه به خانه رفته و تمامی افراد را چک نماید. کسانی که مبتلا به

سیاسی آن، شیوع این ویروس به طور روز افزونی گسترش یافته و می‌یابد. از یک طرف تلفات ناشی از این ویروس به مراتب بالا می‌رود، و از طرف دیگر فقر و بیکاری مردم ستمدیده را به ستوه خواهد آورد. در چنین شرایطی ما باید فرصت‌های نوین مبارزاتی را درک نموده و به استقبال این شرایط بشتابیم و خود را برای مبارزه با این شرایط تازه آماده ساخته و تجدید سازمان دهیم.

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی این است که نه تنها در مقابل شیوع ویروس کرونا به مبارزه برخیزند و آن‌را جدی بگیرند، بلکه با تمام نیرو علیه اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و متحدین شان و تلاش آن‌ها برای ادغام کردن تمامی نیروهای ارتجاعی دست‌پرورده کنونی و سابق شان (بروکرات- تکنوکرات‌ها، جهادی‌ها و طالبان) در یک رژیم دست‌نشانده جدید، به مبارزه برخیزند.

امروز به وضوح دیده می‌شود که سرمایه‌داری امپریالیستی سخت تلاش می‌ورزد تا داروی این ویروس را کشف نماید. زمانی که این دارو کشف گردید، این ویروس مهار می‌گردد. آن‌گاه سرمایه‌داری امپریالیستی دیگر تشویشی از این ناحیه نخواهد داشت. توده‌های ستمدیده باید آگاه باشند که مهار این ویروس برای طبقات سرمایه‌دار و استثمارگر است نه طبقات زحمت‌کش. با کشف داروی ویروس کرونا باز هم این ویروس از میان طبقات زحمت‌کش مانند گرسنگی و انواع بیماری‌های دیگر قربانی خواهد گرفت.

ارتجاعی در آینده، باید طالب حقوق تعطیلی بخش‌های خصوصی و دولتی، تأمین زندگی حداقل بخورونمیر مردمی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، توقف پول‌کرایه خانه‌ها و دوکان‌ها شده و به همین ترتیب خواهان آب و برق رایگان از زمان شیوع ویروس کرونا تا زمان برطرف شدن خطرات جاری این ویروس گردیم و منطقی‌تر در این مسیر مجازات خویش را به پیش بریم.

تودهای زحمتکش جامعه برای به دست آوردن خواست‌های فوق‌الذکر باید همراه با نیروهای انقلابی کشور دوشادوش به پیش روند. در این حالت وظیفه نیروهای انقلابی است که در جهت تحکیم، گسترش و تقویت روحیه ابتکار توده‌های زحمتکش بکوشند. در چنین شرایطی نیروهای انقلابی هیچ‌گاه نباید نظاره‌گر اوضاع باشند، بلکه برای ذهنیت دادن توده‌ها به مصاف این بحران روند و تلاش نمایند که نقش مثبت و سازنده‌ای در مبارزات جاری توده‌ها علیه این بحران بازی نمایند.

"ل"

۲۱ حمل ۱۳۹۹ خورشیدی

ویروس کرونا اند برای شان کارت سرخ بدهند و به شفاخانه بستر نمایند و کسانی را که مشکوک اند کارت زرد داده و در خانه شان قرنطینه نمایند و برای افراد سالم کارد سبز بدهند، که حین ضرورت عاجل فقط آن‌ها بتوانند از خانه بیرون روند. اما هیچ یک از این برنامه‌ها را رژیم پوشالی در شهرهای که به قرنطینه رفته اند روی دست نگرفته چه رسد به قراء و قصبات و ولسوالی‌ها. امروز ولسوالی‌های نوزده گانه ولایت هرات فاقد تجهیزات طبی است و حتی در بسیاری از ولسوالی‌ها نه کلینیکی وجود دارد و نه داکتری. در ولسوالی‌های که کلینیک هم وجود دارد بسیاری آن‌ها بسته است و در بقیه هم هیچ امکاناتی وجود ندارد. در ولایات درجه دوم و سوم وضعیت خیلی بدتر از ولایت هرات می‌باشد.

آمار که امروز رژیم پوشالی از بیماران مبتلا به ویروس کرونا ارائه می‌کند دقیق نیست. این آمار زمانی قابل اعتماد است که مردم به صورت گسترده آزمایش شوند. طوری که بیان نمودیم رژیم پوشالی نه می‌خواهد و نه توان آن را دارد که مردم را به صورت گسترده آزمایش نماید. به این ترتیب رژیم پوشالی، افغانستان را به طرف یک فاجعه انسانی سوق خواهد داد.

وضعیت جاری کشور از ما می‌طلبد که در پهلوی مبارزه و مقاومت علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی و دم‌سازی و سازش طالبان با اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و تیاری شان برای سهم‌گیری در رژیم دست‌نشانده همه شمول



# اپیستمولوژی و آنتولوژی ویروس کرونا

## و

### نقش ما در مبارزه علیه کوید-۱۹

"ش.": ۹ ثور ۱۳۹۹ (۲۸ اپریل ۲۰۲۰)

این حرکت پیش‌رونده ما شناخت ما را نسبت به طبیعت، جامعه و تفکرات انسانی تکامل می‌دهد و این تکامل، مملو از تضاد و مبارزه است و این تضاد و مبارزه در ذات خود در عرصه پراتیک اجتماعی و عرصه شناخت انسان نسبت به پیرامون آن، از پروسه پیدایش و تکامل تا مرحله زوال و نابودی هر پدیده یا شی، بی‌پایان و ابدی است.

با تکیه بر چنین شناختی است که یک فرد باورمند به مارکسیزم - لنینیزم - مانونیزم، می‌اندیشد و می‌تواند ریشه‌های عمیق انحطاط و ناکارایی کامل سیستم جهانی کهنه شده موجود در مرحله تاریخی کنونی حیات اجتماعی انسان‌ها را، که زندگی میلیاردها توده ستم‌دیده کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده و توده‌های فقیر در قلب کشورهای امپریالیستی را به جهنم سوزان مبدل کرده و تحت عنوان "نظم نوین جهانی" با تمام فضاقت و رسوایی آن علم کرده اند، درک نموده و آشکار و روشن سازد.

این موضوع باید وسیعاً مورد افشاگری قرار بگیرد که سیستم جهانی منحل و

بر اساس خصلت دیالکتیکی ماده، پدیده‌های نوین به وجود می‌آیند و مسائل تازه اتفاق می‌افتند. بنابراین آن چه که یک مارکسیست - لنینیست - مانونیست باورمند را از دیگران متمایز می‌سازد، برخورد دیالکتیکی با پدیده‌های نوظهور است؛ زیرا اوضاع دائماً در حال تغییر است و این تغییر و تبدیل یکی از خصوصیت جهان مادی پیرامون ما را تشکیل می‌دهد. با چنین اوضاع و شرایط در حال تغییر و تکوین، هر کسی که بخواهد افکارش را با اوضاع جدید وفق دهد، باید برای درک این اوضاع جدید بکوشد و خود را بی‌نیاز از این درک قرار ندهد.

ما باید مطالعات خود در مورد پدیده‌های جدید را ادامه دهیم، پدیده‌های نوین را بپذیریم، مسائل تازه و نو را مورد بررسی و پژوهش قرار داده و به خاطر استواری هرچه بیش‌تر بر مواضع پرولتاریایی به خاطر رسیدن به هدف غائی که جهان بدون استثمار و ستم است همواره به پیش، از سطح به عمق و از پدیده به ماهیت، حرکت کنیم.

امریکای لاتین تمامی شئون زندگی شان را متأثر ساخته است.

همه‌گیری بیماری کووید - ۱۹ در جهان، که امروزه آمار آن لحظه به لحظه در حال افزایش است، یک وحشت همگانی برای صاحبان قدرت و سرمایه ایجاد نموده است. دلیل این وحشت همگانی صاحبان قدرت و سرمایه این نیست که این بیماری همه‌گیر مرزهای طبقاتی را در نوردیده و سرمایه‌دار و کارگر، استثمرارگر و تحت استثمرار، امپریالیست‌ها و خلق‌ها و ملل تحت ستم را همه به صورت یک سان مورد تهدید قرار داده است. چنین چیزی تحت نظام امپریالیستی جهانی کنونی اصلاً ممکن نیست.

اگر همهٔ امراض را به طور کلی در نظر بگیریم، بعضی از امراض تقریباً در مجموع ویژهٔ طبقات مرفه است، از قبیل فشار خون، چاقی و مریضی شکر؛ اما بعضی امراض دیگر تقریباً در مجموع ویژهٔ طبقات زحمت‌کش و نادار جامعه است، از قبیل کم‌خونی، سوء تغذی و امراض دیگر برخاسته ازین مریضی. اما امراض همه‌گیر در اصل ویژهٔ طبقات اجتماعی خاص نیست و در میان افراد طبقات اجتماعی مختلف و کشورهای مختلف شیوع می‌یابد. اما این مریضی‌ها نیز از شرایط مشخص طبقاتی، کشوری و جهانی کنونی متأثر می‌گردد و نمی‌تواند در تمامی طبقات و کشورها تأثیرات منفی یک سان داشته باشد.

اولاً سرمایه‌داران در مجموع نسبت به کارگران، به خصوص کارگران روزمزد، زمینه‌های خیلی خیلی بیش‌تری برای وقایع در اختیار دارند و می‌توانند مدت‌های

ناکارآی امپریالیستی که امروزه کل شبکهٔ مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی آن به زیر سؤال کشیده شده است و آتارشیزم ناشی از آن، زندگی میلیاردها تودهٔ ستمدیده در جهان را تهدید می‌کند، دیگر صلاحیت حکمرانی بر جوامع بشری را ندارد و به مانع اساسی تکامل این جوامع مبدل گردیده است.

بیماری کووید - ۱۹ به عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی از بطن نظام امپریالیستی جهانی شده سربرآورده و مرگ و میر ناشی از آن نتیجهٔ استثمرارگری و استثمرارگری مضاعف نظام گنبدیدهٔ امپریالیستی و سودهای کلان سرمایه‌داران امپریالیست است. آن‌ها به خاطر منافع استثمرارگرانه، غارت‌گرانه و چپاول‌گرانه‌شان به جنگ‌های غارت‌گرانه و چپاول‌گرانه در جهان، به ویژه کشورهای عقب‌نگه داشته شده دامن می‌زنند، سیستم محیط زیست جهان را صدمه می‌رسانند، سیستم صحت عمومی را به یک تجارت بسیار پرسود برای شرکت‌ها، کارتل‌ها و تراست‌ها مبدل کرده اند که در اثر آن سیستم صحت عمومی شدیداً مورد ضربت قرار گرفته و ازین بابت جان بسیاری از مردمان جهان به خطر افتاده است.

امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها، کوره‌های را به وجود آورده‌اند که در آن‌ها شرایط کار و زندگی توده‌های میلیونی انسان‌ها شدیداً سخت‌تر و تنگ‌تر ساخته شده است و شرایط سخت زندگی توده‌های میلیاردی در مناطق کشورهای مظلوم جهان، از افریقا تا خاورمیانه و از آسیا تا

بزرگ امپریالیستی جهان را در بر گرفته است، وارد آمدن "خسارات مالی" تریلیونی و حتی ده‌ها و صدها تریلیونی بر آن‌ها است که هم باعث پایین آمدن سطح توان‌مندی مالی شان در قبال زحمت‌کشان کشورهای شان و خلق‌ها و ملل تحت ستم جهان می‌شود و هم باعث کم‌شدن وزنه و حیثیت آن‌ها در قبال رقبای سرمایه‌دار و امپریالیست یا سوسیال‌امپریالیست شان در جهان و جابه‌جایی حیثیت و منزلت شان در رقابت‌های بین‌الامپریالیستی می‌گردد. طبعاً تلفات وارده بر کارگران و حتی خود سرمایه‌داران نیز طبق زبان بورژوازی جزء این "خسارات مالی" محاسبه می‌گردد. به عبارت دیگر یکی از خطرات اصلی ای که باعث ترس آن‌ها شده است، پایین آمدن فوق‌العاده میزان سود شان و مقدم بر آن ذوب شدن سرمایه‌های تریلیونی شان درین بحران است، یعنی چیزی که هم منبع سرمایه‌ها را می‌سازد و هم هدف آن را، خطری که گستردگی و عمق آن نسبت به خطرات جانی مستقیم برای سرمایه‌داران و خانواده‌های شان خیلی خیلی بیش‌تر بوده و با هم قابل مقایسه نیستند. به عبارت دیگر عکس‌العمل امپریالیست‌ها، سرمایه‌داران و مجموع طبقات استثمارگر در جهان را در قبال موضوع مورد نظر باید به عنوان یک عکس‌العمل طبقاتی و به عنوان یک طبقه در نظر گرفت و نه به عنوان یک عکس‌العمل فردی و شخصی این یا آن سرمایه‌دار؛ هر چند عکس‌العمل فردی و شخصی نیز درین میان می‌تواند مطرح باشد، اما به عنوان یک فرد و شخص مربوط به یک طبقه و به عنوان

طولانی خود را در شرایط قرنطین قرار دهند. در نتیجه سرمایه‌داران نسبت به کارگران، به خصوص کارگران روزمزد، خیلی کم در خطر مبتلا شدن به یک مرضی همه‌گیر قرار می‌گیرند.

ثانیاً یک سرمایه‌دار مصاب به یک مرضی همه‌گیر نسبت به یک کارگر مصاب به همان مرضی زمینه‌های بیش‌تری برای مراقبت و تداوی، هم از لحاظ رسیدگی داکتران به آن‌ها و مصارف ادویات، و هم از لحاظ آمادگی‌های بیش‌تر جسمی و هم از لحاظ مسکن و رژیم غذایی، در اختیار دارد و فی‌صدی تلفات افراد این طبقه نسبت به طبقه کارگر خیلی کم است.

مرضی کووید ۱۹ نیز نمی‌تواند مستثنی ازین قاعده عمومی باشد. این مرضی نیز با وجودی که تلفاتش را عمدتاً بر طبقات زحمت‌کش، فقیر و نادار وارد می‌نماید، به صورت ضمنی افراد طبقات بالا را نیز مصاب می‌گرداند و حتی تلفاتی بر آن‌ها وارد می‌نماید. اما وحشت سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها و در مجموع طبقات حاکمه در کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه از مرضی کووید ۱۹ عمدتاً ناشی ازین تلفات نیست، بلکه ناشی از شیوع جهانی این مرض، تقریباً در تمامی کشورهای جهان و صدمات اقتصادی وسیع و گسترده آن در سطح کل جهان، و مشخصاً بزرگ‌ترین کشورهای امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی از قبیل ایالات متحده آمریکا، چین، آلمان، فرانسه، برتانیه، ایتالیا، اسپانیه، روسیه و غیره است. به این ترتیب یکی از منابع اصلی ترس و وحشتی که بزرگ‌سرمایه‌داران و قدرت‌های

تاریخ، به بررسی سیر تحول حوادث و سپس تیوریزه نمودن آن در چوکات علمی بپردازیم، پی خواهیم برد که حقیقت پشت پرده ویروس کرونا (کووید - ۱۹) از چه قرار است.

اگر از دیدگاه تاریخی به سیر حوادث صحنی از زمان جنگ امپریالیستی جهانی دوم تا حال یعنی در طی ۸۰ سال گذشته نظر اندازیم دیده می‌شود که انسان‌ها بنا به عوامل صحنی متعددی از بین رفته‌اند که مهم‌ترین این‌ها عبارت بوده اند از:

گسترش مرض "سفلیس و سوزاک" در سال ۱۹۴۰ در گواتمالا؛ شیوع "تب دنگی" در کیوبا؛ مریضی "زیکا" در سال ۱۹۴۷؛ از تب خون دهنده "آبولا" در سال ۱۹۷۶؛ مریضی "نی‌پاه" در سال ۱۹۹۸؛ گسترش مریضی "ماربورگ" در سال ۲۰۰۰؛ گسترش مریضی سارس در سال ۲۰۰۲؛ از گسترش مریضی مرس در سال ۲۰۰۳؛ انتشار مجدد ویروس کشنده "آبولا" در سال ۲۰۱۴ در سیرالیون؛ شیوع مرض "زیکا" در سال ۲۰۱۵؛ شیوع مریضی "کووید - ۱۹" در سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ در سطح جهان؛ امراض ایدز و سرطان؛ سوء تغذیه در آفریقای جنوبی و هند؛ و شروع اعتیاد به مواد مخدر در جنگ جهانی دوم در میان ارتشیان آلمان نازی و سپس شیوع آن در کشورهای متعدد عقب نگه داشته شده و کشورهای امپریالیستی؛ که نفع نهایی آن به جیب صاحبان سرمایه‌های امپریالیستی و دلالان کمپرادور سرازیر می‌گردد.

کل مناسبات استثمارگرانه با طبقه کارگر و سایر اقشار تحت استثمار در کشورهای

تابعی از عکس‌العمل طبقاتی و مرتبط به آن.

در واقع درین جا باید عکس‌العمل علیه شیوع مریضی "کووید ۱۹" را به عنوان عکس‌العمل دولتی کاپیتالیستی و امپریالیستی، به عنوان نماینده سیاسی حاکم کاپیتالیزم و امپریالیزم در نظر گرفت و نه به عنوان عکس‌العمل شخصی و فردی این یا آن سرمایه‌دار و امپریالیست، گرچه عکس‌العمل دولتی کاپیتالیستی و امپریالیستی عکس‌العمل‌های شخصی و فردی سرمایه‌داران را نیز در بر می‌گیرد.

بنابراین دو منبع دیگر ترس و وحشت کنونی جهانی یکی این است که شیوع جهانی این مریضی بزرگ‌ترین کشورهای امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی از قبیل ایالات متحده آمریکا، چین، آلمان، فرانسه، برتانیه، ایتالیا، هسپانیه و روسیه را در بر گرفته است و دیگر این که ممکن است ناشی از یک درگیری بیولوژیکی میان امپریالیزم آمریکا و سوسیال‌امپریالیزم چین باشد.

بنا به تمامی این دلایل است که ابرقدرت‌ها و قدرت‌های امپریالیستی، کاپیتالیستی و ارتجاعی دیگر حاضر اند که در شرایط قبل از خاتمه یافتن شیوع مریضی و حتی به محض کم‌شدن میزان شیوع مریضی تجارت و تولیدات شان را به قیمت جان و زندگی کارگران و ضمناً به قیمت جان و زندگی خودشان از سر بگیرند و به این ترتیب از میزان کلیت ضررهای طبقاتی شان بکاهند.

اگر با اتکاء به ماتریالیزم تاریخی یعنی به کاربست ماتریالیزم دیالکتیک در پروسه

خودی، تنازع بر سر منافع انحصارات امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی و کشمکش بر سر منابع و بازارهای کشورهای تحت سلطه مستعمره و نیمه مستعمره و مخصوصاً بازار صدور سرمایه‌های امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی باعث گردیده است که سه تضاد بزرگ جهانی پا به عرصه وجود بگذارد:

۱ - تضاد میان امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها از یک طرف و خلق‌ها و ملل تحت ستم جهان از طرف دیگر.

۲ - تضاد میان بورژوازی از یک طرف و پرولتاریا از طرف دیگر در کشورهای امپریالیستی، سوسیال‌امپریالیستی و سرمایه‌داری جهان.

۳ - تضاد میان امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران و بلوک‌های مختلف امپریالیستی در جهان.

امپریالیست‌ها به خاطر منافع غارت‌گرانه، چپاول‌گرانه و اشغال‌گرانه‌شان و به خاطر اقتدارطلبی‌های غدارانه و ددمنشانه‌شان از هر وسیله‌ای به شمول جنگ‌های تجاوزکارانه و اشغال‌گرانه، دریغ نمی‌ورزند. به همین سبب است که امروزه جنگ بیولوژیکی نیز در جدول جنگ‌های امپریالیستی داخل گردیده است. این جنگ‌ها می‌تواند ابعاد وسیع‌تر، عمیق‌تر و دیرپاتر را برای نسل بشر رقم زند و می‌تواند محیط زیست را متضرر ساخته و باعث به وجود آمدن امراض ویروسی قابل شیوع در سراسر جهان گردد.

دلیل این همه سروصدای رسانه‌یی بدین خاطر است که مریضی "کووید - ۱۹" این‌بار فراتر از تمامی مرزها و کشورها حرکت کرده و واقعاً ابعاد جهانی یافته است و در داخل کشورهای امپریالیستی حتی به کاخ سلطنتی و کاخ نخست‌وزیری برتانیه، قصر ریاست جمهوری فرانسه و امریکا نفوذ کرده و خود را به ددمنشان غدار تاریخ، به شمول مراجع آخوندی رأس حاکمیت ملایی ایران رسانده است. مریضی کووید-۱۹ برای اولین بار در تاریخ بزرگ‌ترین قدرت امپریالیستی جهان یعنی ایالات متحده امریکا جنگی را در داخل آن کشور تحمیل کرده است که هم از لحاظ تلفات انسانی آن و به خصوص هم از لحاظ ضررهای اقتصادی آن بی‌نظیر است و کل هژمونی جهانی آن را، که از قبل در سرانجام افتاده بود، به صورت جدی مورد سوال قرار داده است. بنابراین با وجودی که فی‌صدی تلفات مریضی کووید-۱۹ نسبت به امراض ویروسی قبلی نسبتاً کم است، اما چون شیوع جهانی آن خیلی وسیع است و تقریباً تمامی کشورهای جهان را در بر گرفته است، کل نظام امپریالیستی مسلط بر جهان، به شمول اعمار تحت سلطه آن، را به لرزه انداخته است.

برای وضاحت بیشتر و به صورت مختصر چند نمونه از این امراض را نظر به فیصدی مرگ و میر مبتلایان، ذیلاً در نظر می‌گیریم:

(اول) مرض تب خون دهنده "آبولا":

درد عضلات است که بی‌مقدمه ظاهر شده و به سرعت رشد می‌کند و به تعقیب این مشکلات، سیستم دستگاه جهاز هاضمه را مختل می‌سازد، باعث رخوت شدید و خونریزی بطنی می‌گردد و در صورت عدم وقایه در ظرف ۱۰ روز فرد مصاب به این مرض تلف خواهد شد. این همه‌گیری نیز در بیش از ۱۱ کشور گزارش داده شد و تلفات وسیعی را از کارگران کارخانه‌جات صنعتی در اروپا گرفت که باعث شد احزاب و سازمان‌های سیاسی و سندیکاهای کارگری اروپا دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند.

#### سوم) مرض "نی‌پاه":

شیوع این مرض، حدود ۱۲ ماه طول می‌کشد و در صورت ابتلاء به آن ۷۵ فیصد احتمال مرگ وجود دارد.

این ویروس برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ در مالیزیا کشف گردید. نام این ویروس از قریه "سون‌گای نی‌پاه" جای که این ویروس از آن جا انتشار یافت گرفته شده است. این ویروس ۳۰۰ تن را مبتلا و جان ۲۲۵ نفر را گرفت. به اساس آمار سازمان جهانی صحت این ویروس از خفاش‌های میوه‌خوار به خوک‌های اهلی سرایت نموده و سپس به انسان انتقال یافته است. به همین سبب مقام‌های دولتی مالیزیایی دستور کشتار میلیون‌ها خوک را صادر نمودند.

این ویروس بعدها در سال ۲۰۱۸، در هند شیوع یافت و حدود یک سال به صورت گسترده دوام یافت و تلفات بی‌شماری را در مناطق مختلف هند به وجود آورد. اکثریت تلف شدگان اقشار فقیر

شیوع این مرض، ۱۰ ماه طول می‌کشد و ۹۰ فیصد احتمال مرگ در صورت ابتلاء به آن می‌رود.

ویروس "آبولا" یک انگل میکروسکوپی است که درون سلول‌های میزبان تکثیر می‌یابد. اولین نمونه ابتلا به "آبولا" یا تب خونریزی "آبولا" در سال ۱۹۷۶ مشاهده شد. این بیماری اولین بار در قراء دور افتاده آفریقای مرکزی و در نزدیک جنگل‌های بارانی استوا شیوع یافت. گزارش‌های سازمان جهانی صحت نشان داد که این بیماری ابتدا از جانوران وحشی به انسان انتقال پیدا می‌کند و سپس از انسان به انسان سرایت می‌کند. این مریضی در سال ۲۰۱۴ مجدداً شیوع یافت و به یک همه‌گیری جهانی مبدل گشت. این بیماری ابتدا باعث تب ناگهانی، ضعف شدید، درد عضلاتی و گلودردی می‌شود. علائم بعدی استفراغ، اسهال و خونریزی داخلی و بیرونی است. بیماران معمولاً در اثر کم‌آبی شدید و نارسایی اندام‌های متعدد بدن جان خود را از دست می‌دهند. این بیماری در اصل طبقات فقیر جوامع را مورد هدف قرار داد و تلفات جانی سنگینی از توده‌های ستمدیده برجای گذاشت.

#### دوم) مرض "ماربورگ":

شیوع این مرض، ۲۱ ماه طول می‌کشد و در صورت ابتلاء به آن ۸۸ فیصد احتمال مرگ وجود دارد.

این ویروس اولین بار در شهر "ماربورگ" آلمان در سال ۲۰۰۰ شناسایی گردید و بیش‌تر در میان انسان و میمون (شادی)‌ها دیده شده است. علائم این بیماری بیش‌تر تب بالا، سردردی شدید و

نقص مادرزادی است که مشخصه‌اش رشد نیافتن کامل مغز است. مدتی که این ویروس در آخرین بار شایع شد ۹ ماه بود که از سال ۲۰۱۵ شروع شد و در طی ۹ ماه جان بسیاری از انسان‌ها را گرفت، اما بیش‌ترین تلفات این مرض باز هم طبقات فقیر جامعه بوده‌اند. شایع‌ترین علایم زیکا عبارتند از: تب، خارش پوستی (دانه‌های سرخ روی پوست)، سردرد، درد مفاصل و قرمزی چشم.

#### ششم) مرض "سارس":

شیوع این مرض، ۴ ماه طول می‌کشد و در صورت ابتلاء به آن ۱۰ فیصد احتمال مرگ وجود دارد.

این ویروس در سال ۲۰۰۳ فراگیر شد و در حدود چهار ماه جان ۷۷۶ نفر را گرفت. این ویروس که از خانواده ویروس کرونا است به دلیل تغییرات ژنتیکی باعث ایجاد سندروم حاد تنفسی می‌شود. این ویروس نیز مثل "کووید-۱۹" اول در خفاش دیده شده، اما بعد به گربه‌های وحشی انتقال یافته و سپس به انسان سرایت کرده است. بسیاری از داکتران، "کووید - ۱۹" را شبیه به سارس دانسته‌اند. بیماران مبتلا به این ویروس، علایم اولیه‌ای شبیه آنفلوآنزا از قبیل: تب، خستگی، درد بدن، سرفه و گلودرد و علایم تنفسی مانند تنگی نفس و دشواری تنفس و تب ۳۸ درجه و سرفه خشک را نشان می‌دهند. این ویروس ۱۷ کشور دنیا را مصاب نمود. این ویروس نیز از طبقات فقیر جامعه تلفات گرفت.

#### هفتم) مرض "کووید - ۱۹":

و دهقانان بودند. نشانه‌های این بیماری مشکلات تنفسی و سردرگمی ذهنی ثبت شده است.

#### چهارم) مرض "مرس":

شیوع این مرض، کمتر از ۲ ماه طول می‌کشد و در صورت ابتلاء به آن ۳۴ فیصد احتمال مرگ وجود دارد.

مریضی ناشی از این ویروس در سال ۲۰۱۴ به یک مریضی همه‌گیر جهانی مبدل گردید. این ویروس از خانواده کرونا می‌باشد که توانست در همان سال ۲۵۰۰ تن را مبتلا و ۸۵۸ نفر را به کام مرگ بفرستد. این ویروس اولین بار در عربستان سعودی دیده شد و از طریق شتر به انسان سرایت نمود و ۲۷ کشور دنیا را مصاب نمود. تلفات انسانی این ویروس نیز بین طبقات و اقشار پایین جامعه بوده است.

#### پنجم) مرض "زیکا":

شیوع این مرض، ۹ ماه طول می‌کشد و در صورت ابتلاء به آن ۲۰ فیصد احتمال مرگ وجود دارد.

نام این ویروس از جنگل زیکا در اوگاندا گرفته شده، جایی که ویروس برای اولین بار در سال ۱۹۴۷ یک نفر را به کام مرگ کشاند. سازمان جهانی صحت در سال ۲۰۱۸، مقابله با زیکا را جزء فوریت‌های سلامت جهانی اعلام کرد. عامل انتقال زیکا پشه‌های آیدس است که آن را به نام پشه ببر آسیایی نیز می‌شناسند. یک نفر از هر پنج انسانی که آلوده به ویروس زیکا باشد، قطعاً فوت خواهد کرد. طبق گفته مرکز پیش‌گیری از بیماری‌ها، این ویروس با میکروسفالی مرتبط است. میکروسفالی

باشیم و نباید در حفظ سلامت خود، رفقای خود، اعضا و هواداران خود در گوشه و کنار و اطراف و اکناف جهان سهل‌انگاری نماییم.

ما باید به تمامی رفقای خود، به تمامی کادرها و صفوف خود توصیه نماییم که هرگونه بی‌توجهی درین رابطه می‌تواند و خواهد توانست، دست ارتجاع و امپریالیسم را در بی‌توجهی نسبت به سرنوشت توده‌های ستمدیده در جهان، منطقه و علی‌الخصوص افغانستان کاملاً باز بگذارد و مسئولیت ارتجاع و امپریالیسم را در ذهنیت توده‌های مردمان جهان و مردمان افغانستان کمرنگ سازد.

به تک تک رفقا باید توصیه شود که از درگیری در مسائل مربوط به این مرضی از لحاظ علمی بی‌تفاوت نباشند، به تحلیل همه‌جانبه آن بپردازند و با مسایل مشخص و زنده روز سروکار داشته، وقایع و اتفاقات جاری درین رابطه را پی‌گیری نمایند، تا موضوعی را که با زندگی میلیون‌ها تن از مردم در سراسر جهان و کشور ارتباط دارد، به صورت جدی تعقیب نموده و مورد توجه قرار دهند.

اما در عین حال و به عنوان جنبه پراتیکی این مبارزه، که جنبه عمده آن را می‌سازد، ما باید فعالانه در پیش‌برد مبارزات روزمره توده‌ها علیه این مرض از یک طرف و نادیده گرفته شدن رنج‌ها و آلام توده‌های کشور توسط حاکمان دست‌نشانده امپریالیست‌ها، شامل رژیم دست‌نشانده کنونی و طالبان تسلیم‌شده به امپریالیست‌ها، و غداری‌ها، خیانت‌ها و استفاده جویی‌های آن‌ها تحت نام مبارزه

دوام شیوع این مرض، به دلیل ناشناخته بودن "ژن" ویروس، هنوز نامعلوم است و در صورت ابتلا به آن تا حال ۶/۹ درصد احتمال مرگ گزارش شده است.

آمار سازمان جهانی صحت ۲۶ اپریل ۲۰۲۰ (۷ ثور ۱۳۹۹) چنین گزارش داد: «وضعیت ارقام - مجموعاً (موارد تازه در ۲۴ ساعت گذشته) آمار جهانی:

دو میلیون و هشتصد و چهار هزار و هفتصد و نود و شش - تایید (هشتاد و چهار هزار و نه صد) یک صد و نود و سه هزار و هفتصد و ده - فوتی (شش هزار و شش) فی‌صدی‌ای که ازین ارقام به دست می‌آید مساوی به ۶/۹ فی‌صد است.

وقتی به آمار و ارقام و تاریخچه سیر همه‌گیری‌های امراض ویروسی در جهان نظر می‌افکنیم، دیده می‌شود که آمار تلفات این امراض، مدت شیوع آن و وسعت شیوع آن نسبت به هم متفاوت بوده است. درین رابطه، می‌خواهیم دو مبحث ذیل را بیش‌تر بشکافیم:

**مبحث اول) نقش ما در مبارزه علیه شیوع مرضی کووید ۱۹:**

**مبحث دوم) اپیستیمولوژی و آنولوژی ویروس کرونا:**  
**مبحث اول:**

یکی از وظایف و مسئولیت‌های ما و تک تک رفقا و هواداران ما این است که تأثیرات مخرب این ویروس را نباید نادیده بگیریم، نباید کم‌ارزش تلقی نماییم، نباید از تحلیل ابعاد عمیق و دیرپای آن خودداری نماییم، نباید نسبت به شیوع آن بی‌مبالات



ما باید در مبارزات خود به ابعاد فاجعه بزرگ این بیماری همه‌گیر که باعث بی‌ثبات‌سازی اقتصادی - اجتماعی و جیوپولیتیک جهانی شده است توجه نماییم و چهرهٔ امپریالیزم جهان‌خوار امریکا و سایر امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌های چین را افشاء نماییم و با افشای هرچه بیش‌تر آن یکوشیم نقش جنبش کمونیستی بین‌المللی (مارکسیستی-لنینیستی-مانونیستی) در جهان و سازمان‌ها و احزاب کمونیست (مانونیست) را درین مبارزه به طور روز افزون برجسته نماییم.

بدین ترتیب می‌توان و باید توهمات و سردرگمی‌های ایدئولوژیک - سیاسی‌ای را که گویا جهان بعد از "کرونا" جهان سرمایه‌داری و امپریالیستی باقی نخواهد ماند، حل نماییم.

چیزی که واضح و مبرهن است این است که ارتجاع و امپریالیزم علی‌رغم فجایعی که با شیوع بیماری کووید - ۱۹ برجای می‌گذارند و علی‌رغم این که موجودیت شان برای بشر فاجعه بار می‌باشد، هرگز و هرگز حاضر نخواهند بود از عرصهٔ جهان، داوطلبانه و بدون مقاومت خونین و بی‌رحمانه، بدون مبارزات مسلحانهٔ توده‌های میلیونی، بدون اتکاء به جنگ‌خلاق‌ها، کنار بروند. با یقین کامل باید گفت که پیش‌برد این مسئولیت میرم بر دوش احزاب کمونیست (مانونیست) جهان و در افغانستان برعهدهٔ حزب کمونیست (مانونیست) افغانستان خواهد بود.

علیه کووید- ۱۹ از طرف دیگر سهم و نقش داشته باشیم. ما باید درین مورد تا هر حدی که ممکن و میسر باشد به افشاگری بپردازیم و سعی نماییم که این مبارزات را با مبارزات عمومی علیه اشغال‌گران امپریالیست و مزدوران و دست‌نشانندگان شان در پیوند قرار دهیم و سعی نماییم که مبارزات مذکور را به طرف مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی در مجموع سمت و سود دهیم.

یکی از وظایف مبارزاتی ما درین عرصه مبارزه علیه دیدهای ضد علمی شایع شده در میان توده‌ها و حتی بعضی روشن‌فکران نسبت به مرضی کووید- ۱۹ است. به طور نمونه درین جا به چند مورد از این دیدهای ضد علمی اشاره می‌نماییم:

۱ - دید ضد علمی نژادگرایانه: مثلاً این دید که این مرض خاص هزاره‌ها است و از چین و ایران به افغانستان آمده است.

۲ - دید ضد علمی "دین‌گرایانه": مثلاً این دید که این مرضی خاص "کفار" است و به مسلمانان اصلاً زیان نمی‌رساند و یا خیلی کم زیان می‌رساند.

۳ - دید ضد علمی مبنی بر تقدیس عقب‌ماندگی جامعهٔ افغانستان: مثلاً این دید که مرضی کوید - ۱۹ خاص مناطق پخته‌کاری شده است و در مناطق خاکی شیوع نمی‌یابد.

۴ - دید ضد علمی‌ای که شیوع کووید- ۱۹ در وهان چین را یک انتقام خدایی از ظلم دولت چین علیه مسلمانان اویغور تلقی نمود.

و غیره و غیره.

تولیدی، خدماتی و سرمایه‌گذاری، سقوط مالی را در سراسر جهان منجر گردید. درین رابطه آی - بی - دی (IBD) به وضاحت نوشت:

«اصلاحات در بورس اوراق بهادار با شیوع مرض کووید- ۱۹ طول خواهد کشید و شرکت‌های مانند "داوو جونز" محتمل بدترین ضرر هفته‌ها در طول سال‌هاست. شرکت‌های مایکروسافت، مسترکاردوار، مدیرعامل دیزنی، باب ایگر، همه از صحنه بورس اوراق بهادار خارج شدند.

با تغییر در بازار بورس اوراق بهادار، "داوو جونز" و سایر شاخص‌های مهم از اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی بدین سو، بدترین خسارات خود را متحمل شده اند. موارد ویروس کرونا به سرعت در خارج از کشور چین گسترش یافته و ترس از بروز همه‌گیری جهانی و تأثیرات مهم بر ایالات متحده امریکا و اقتصاد جهانی را افزایش داده است. شرکت‌های مایکروسافت (MSFT)، ماسترکارد (MA) و پی‌پال (PYPL)، از جمله شرکت‌های قابل توجهی بودند که اعلام نمودند شیوع مرض کووید- ۱۹ بر درآمد سه ماهه فعلی شان آسیب‌های فراوان اقتصادی رسانده است. "باب ایگر" مدیرکل شرکت دیزنی (DIS) پیش از موعد استعفا داد. "کیت بلاک" مدیر کل شرکت سیلزفورس (CRM) که به عنوان جانشین احتمالی بنیانگذار و مدیر عامل شرکت مارک بنیوفی معرفی گردیده است، نیز استعفاء داد.» (تاریخ انتشار: ۲۸ جنوری ۲۰۲۰)

جمع‌بندی گزارشات اقتصادی نشان می‌دهد که شرکت‌های مذکور تا اوایل

از طرف دیگر، تأثیرات مخرب اقتصادی که بر جهان وارد آمده است از یک جهت ناشی از رقابت تنگاتنگ میان امپریالیست‌های امریکایی و سوسیال‌امپریالیست‌های چین از طریق به خدمت گرفتن احتمالی مرض همه‌گیر کووید - ۱۹ علیه هم‌دیگر بوده است.

بی‌سروسامانی اقتصادی چین بیش‌تر به مسدودیت شریان‌های تجاری و حمل‌ونقل کالاها به کشورهای مختلف در جهان بوده است. آن چه را که سازمان جهانی صحت در مورد اضطراری بودن وضعیت موجوده اعلام نمود، در همگامی با تحریف وسیع رسانه‌یی و ممنوعیت پروازها به مقصد چین قرار گرفت.

روزنامه خبری نیویورک که توسط "تایم بلک" انتشار یافت با عنوان درشت در سربرگ خبرهایش، چنین نوشت:

«گزارش: کاخ سفید در نظر دارد تمامی پروازها به مقصد ایالات متحده امریکا، از چین را متوقف کند.» (تاریخ انتشار: ۲۸ جنوری ۲۰۲۰)

تنبانی و رقابت کارتل‌ها و تراست‌ها در سیستم نظام امپریالیستی علی‌الخصوص امپریالیزم لجام‌گسیخته امریکا و سوسیال‌امپریالیست چین باعث ورشکستگی اقتصادی و از دست دادن پس انداز حجیم شخصی یک تعداد از امریکایی‌های متوسط و ورشکستگی اقتصادی شرکت‌های خورد و کوچک گردید. این کشمکش، آن چنان وحشتی در وال‌استریت خلق کرد که با کاشتن بذر وحشت شیوع ویروس کرونا، برای بازارهای سهام‌داران شرکت‌های گوناگون

اشاره نمود که بازیگران قدرت به دقت چنین ورشکستگی اقتصادی را از قبل زمینه‌سازی نموده بودند تا به منوال آن بتوانند اهرم‌های سوداگرانه در بازار را به خدمت بگیرند.

گزارشات سازمان جهانی صحت نیز درین عرصه توانست به تحکیم تمرکز ثروت بیافزاید و آن احیای شرایط استثمارگرایانه تولید به سریع‌ترین شکل ممکنش می‌باشد.

در حالی که ثروت‌مندان و خداران امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی قادرند به پناهگاه‌های خود بروند، آثار کشنده ویروس کرونا تا ماه‌ها و شاید هم برای سال‌ها بر توده‌های میلیونی ستمدیده باقی بماند؛ طبقه‌ای که اربابان طبقات حاکم بر جوامع به انواع مختلف به آنان وعده داده اند که پایان رنج کشیدن شان بازگشت به "وضعیت عادی" استثمار و شاید هم استثمار مضاعف خواهد بود.

تأکید باید گفت: کمونیزم ترمیم‌گرایانه نیست. انقلابی است. کارل مارکس مطرح نمود که:

«کمونیزم سرنگونی قهری همه شرایط اجتماعی است.» (مارکس و انگلس - مانیفست حزب کمونیست، صفحه ۵) و لنین به صراحت لهجه تأکید نمود:

«نفع بورژوازی در این است که برضد پرولتاریا، به بعضی از بقایای کهن اتکاء نماید.» (لنین - دو تاکتیک سوسیال‌دموکراسی در انقلاب دموکراتیک - صفحه ۵۰)

آن چه را که تحلیل‌ها با تکیه بر اصول مارکسیزم - لنینیزم - مانونیزم به دست

فبروری ۲۰۲۰ در حدود هزار میلیارد دالر متضرر گردیدند و سهام آنان را کارتل‌ها، تراست‌ها و کمپنی‌های بزرگی که درین تبتانی شریک گردیده بودند، به جیب زدند. این تمایل به سقوط تا مرز ۱۸/۸ فیصد به پیش رفت و فرصت مناسبی برای مؤسسات و صندوق‌های مالی کارتل‌ها و تراست‌ها به وجود آورد.

ضمناً ما نباید بحران مالی را فقط به نیروی بازار ارتباط دهیم بل که به قول لنین: «مادامی که افراد فرا نگیرند در پس هریک از جماعات، اظهارات و وعده و وعیدهای اخلاقی، دینی، سیاسی، اجتماعی منافع طبقات مختلف را جست‌وجو کنند - در سیاست همواره قربانی سفیهانه فریب و خودفریبی خواهند بود.

طرفداران رفرم و اصلاحات تا زمانی که پی نبرند که هر موسسه قدیمی، هراندازه هم بی‌ریخت و فاسد به نظر آیند، متکی به قوای طبقه‌ای از طبقات حکم‌فرما است. همواره از طرف مدافعین نظم قدیم تحمیل می‌گردند و اما برای درهم شکستن مقاومت این طبقات فقط یک وسیله وجود دارد:

باید در همان جامعه‌ای که ما را احاطه نموده است، آن نیروها را پیدا کرد، برای مبارزه تربیت و آماده کرد و سازمان داد که می‌توانند - و برحسب موقعیت اجتماعی خود باید - نیروهای را تشکیل دهند که قادر به انهدام کهن و آوردن نو باشد.» (لنین - مجموع آثار و مقالات - سه منبع و سه جزء مارکسیزم - صفحه ۲۷)

با تکیه بر این نقل‌قول از لنین است که می‌توان به ابعاد این فاجعه از طرف امپریالیزم امریکا و سوسیال‌امپریالیزم چین

اساس‌نامه حزب ما به صراحت بیان نموده است:

«این حزب، سپاه رزمنده اردوی بین‌المللی پرولتاریا در افغانستان است و مبارزات انقلابی در افغانستان را به مثابه سهم‌گیری در مبارزات انقلابی بین‌المللی پرولتاریای جهانی به پیش می‌برد. حزب مبارزات انقلابی در افغانستان را در خدمت به انقلاب جهانی گسترش می‌دهد و پرولتاریا و خلق‌های افغانستان را طبق اساسات انترناسیونالیزم پرولتاری پرورش می‌نماید تا جامعه مستقل، آزاد و انقلابی آینده بتواند به عنوان پای‌گاه مطمئن در خدمت به انقلاب جهانی قرار داشته باشد.» (اساس‌نامه حزب کمونیست (مانونیست) افغانستان – صفحه ۱۶ – انترناسیونالیزم پرولتاری)

مبحث دوم) اپیستمولوژی (Epistemology) و آنتولوژی (Ontology) و ویروس کرونا:

قبل ازین‌که در مورد ویروس کرونا به بحث بپردازیم، بهتر است تعریفی از اپیستمولوژی و آنتولوژی داشته باشیم.

اپیستمولوژی

(Epistemology):

اپیستمولوژی شاخه‌ای از فلسفه است که به عنوان نظریه چیهستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود. معرفت‌شناسی، پژوهش درباره پرسش‌های است که درباره امکان معرفت و شناخت یک پدیده یا یک نظریه به ما دست می‌دهد.

به بیان ساده‌تر، هرگاه موضوع شامل ایده‌ای انتزاعی باشد و خواسته باشیم

می‌دهد عبارت از سودآوری هنگفت اقتصادی برای شرکت‌های بزرگ دواسازی و در عین حال خطر مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا (COVID-19) برای توده‌های میلیونی خواهد بود. این روند رو به افزایش سود مالی و روند رو به کاهش جمعیت در جهان از یک طرف و استثمار مضاعف طبقه کارگر برای چنین افزایش سود مالی و فقر و گرسنگی از طرف دیگر باعث بی‌ثبات سازی اقتصادی – اجتماعی و جنوپولیتیک جهانی شده و می‌شود.

همان طوری که صدر مانوتسه دون رهبر کبیر پرولتاریای جهانی به ما آموخته است:

«امپریالیزم همیشه سنگ‌های بزرگی برای پرتاب به سوی ستم‌دیدگان برمی‌دارد، اما در آخر روی پای خودش می‌اندازد.»

وقتی دورنمای بی‌نظیر برای انقلاب در حال شکل‌گیری است، ما باید هشجاری انقلابی خویش را بالا ببریم، آمادگی‌های ایدیولوژیک – سیاسی و تشکیلاتی مان را افزایش دهیم، و سلاح رزمنده مارکسیزم – لنینیزم – مانونیزم را در کف میلیون‌ها توده ستم‌دیده قرار دهیم. در جریان مبارزه آب دیده‌تر شویم و علیه اشکال رنگارنگ رویونیوزم (کهن یا جدید) بی‌رحمانه مبارزه کنیم. جنگ خلق را جهت نابودی قطعی امپریالیزم و ارتجاع تقویت کنیم. برای پیش‌روی به سوی آینده شکوه‌مند کمونیستی آمادگی بگیریم، آن را به راه اندازیم، گسترش دهیم و به پیروزی برسانیم.

بیولوژیکی هدف‌مندانانه محاسبه می‌گردد، پای آنتولوژی به خاطر بررسی به‌تر علوم طبیعی به میان می‌آید. با آنتولوژی فلسفی است که ما قادر می‌شویم با تکیه بر اصول ماتریالیزم دیالکتیک تحلیل مشخص‌تری با وضاحت به‌تر و بیش‌تری از نوعیت ویروس، تشکیل ویروس، گسترش و شیوع ویروس و چگونگی ژن تشکیل یافته ویروس، استنتاج نموده و به نتیجه به‌تری دست‌یازیم.

حالا که دو تعریف مشخص از فوق به دست آمده است، می‌توانیم با تکیه بر آن برای عمیق‌تر شدن مسئله شیوع جهانی ویروس کرونا به بحث بیش‌تری بپردازیم:

پروفیسور «ماتیاس چانگ» در مصاحبه‌ای در کوالالمپور به رسانه‌ها به تاریخ اول فبروی ۲۰۲۰ در مورد ویروس کرونا گفت:

«کرونا یک ویروس آزمایش‌گاهی و حربه جنگ بیولوژیک ایالات متحده آمریکا در برابر اقتصاد چین است.»

وی همچنان درین مصاحبه گفت:

«دقیقاً ۳۰۰ نفر از افراد نیروی نظامی آمریکا در برنامه نظامی در شهر "وهان" در ماه اکتوبر ۲۰۱۹ شرکت کردند. در ماه نوامبر ۲۰۱۹، نخستین مورد آلودگی به این ویروس از همین شهر گزارش شده است.»

وی درین مصاحبه چنین یادآوری کرد: «شیوع مرض کرونا با شورش طرفداران دموکراسی مورد حمایت آمریکا در "هنگ کنگ" و با افزایش جنگ تجاری واشنگتن - بیجینگ هم‌زمان شد و درست بعد از کم‌رنگ شدن خسارت‌های اقتصادی،

عمیق‌تر از حد واقع درباره آن بیان‌دیشیم، از معرفت‌شناسی، وجود‌شناسی و فرم‌های اشتقاقی آن‌ها استفاده می‌کنیم.

### آنتولوژی (Ontology):

اصول ماتریالیزم دیالکتیک به‌مثابه اصول فلسفی، سراسر مقولاتی آنتولوژیک (هستی‌شناسانه) هستند؛ یعنی، هنگامی‌که این اصول از دیدگاه هستی‌شناسانه نگریسته می‌شوند، تماماً بررسی ذات وجود به شمار می‌آیند؛ و لذا نباید اصول ماتریالیزم دیالکتیک را حاکم بر هستی و یا به عبارات مصطلح‌تر شیوه‌ی حرکت هستی دانست.

آنتولوژی به دنبال ایجاد طبقه‌بندی‌های قطعی و انحصاری از موجودیت‌ها در تمام حوزه‌های هستی است. آنتولوژی فلسفی به دنبال طبقه‌بندی است: طبقه‌بندی تمام عالم در ساختار مفهومی، به طوری که هیچ موجودی بیرون از آن قرار نگیرد. آنتولوژی فلسفی مرزهای عالم امکان را مشخص می‌سازد: چه چیزهایی در عالم وجود دارد و چه چیزهایی امکان ندارد وجود داشته باشند. آنتولوژی فلسفی همچنین روابط میان موجودیت‌ها را نیز طبقه‌بندی و مرزبندی می‌کند: روابط ممکن میان موجودات چیست و موجودات در قالب چه مقولاتی با یکدیگر ارتباط می‌یابند.

آنتولوژی با علم رقابت نمی‌کند بلکه خود نظریات علمی را بررسی می‌نماید. به عبارت دقیق‌تر، فلسفه نظریات علوم طبیعی را بررسی می‌کند.

از آن جای‌که بحث در مورد ویروس کرونا به پای جنگ یا عدم جنگ

رهبران در هر سطح دولتی، مسئولیت مقابله با خطرات را قبل از بروز هر نوع واقعه برعهده دارند تا مردم آمریکا را در بهترین مسیر عملکرد هدایت کنند. این بسیار حیاتی است که هم‌اکنون ملت ما در مورد خطر و تهدید همه‌گیری آنفولانزا (سرماخوردگی) بحث و گفت‌وگو کنند.

در حال حاضر در کشور خود و جهان، شیوع آنفولانزا نداریم، اما اگر منتظر بمانیم که یک بیماری همه‌گیر ظاهر شود، خیلی دیر خواهد بود تا آمادگی بگیریم، و روزی خواهد رسید که زندگی‌های فراوانی نیاز به کمک خواهند داشت، زیرا ما امروز نتوانستیم عمل کنیم، لکن با آمادگی‌های امروزی خود می‌توانیم این اطمینان خاطر را به هم‌وطنان خود بدهیم که ملت ما آماده دست و پنجه نرم کردن با اولین نشانه خطر خواهد بود و ما برنامه‌های در دست داریم تا در صورت لزوم از همه‌گیری و همه شمول شدن آنفولانزا جلوگیری کنیم».

(تأکیدات از ماست)

این جا نیاز داریم تا عمیق‌تر از حد واقع درباره همه‌گیری مرض "آنفولانزا" و استفاده از سلاح‌های کیمیایی و بیولوژیکی که در اصل جنگ بیولوژیکی می‌توان خطاب نمود، بیان‌دیشیم. عمیق‌تر شدن درین مبحث، همان ایپستیمولوژی مبحث کرونا در جهان امروزی است.

ایپستیمولوژی کرونا را اگر از ۲۰۰۵ میلادی شروع کنیم دیده می‌شود که به تعقیب بیانیه "جورج دبلیو بوش"، مرکز امنیت صحت جهانی نیز دست به کار گردید. اقدام نخست شان جابه‌جایی در تعین دبیرکل جدید برای سازمان جهانی

ناشی از بیماری‌های خوک و آنفولانزای پرندگان بود، اکنون مردم ما با هیولای تازه ای بنام کرونا گریبان گیر شده‌اند.»  
این پروفیسور اضافه می‌کند:

«من خوش‌حالم که شبکه CNN با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد چین به واسطه جنگ تجاری با آمریکا در حال سقوط است، دقیقاً به نکته ای اشاره می‌کند که آمریکا برای به کارگیری بر ضد چین و اقتصاد چین احتیاج داشته است.»

«ایالات متحده آمریکا با استفاده از تکنالوجی و جنگ بیولوژیکی هدف‌مندانه، هزاران نفر را در گواتمالا در سال ۱۹۴۰ به مرض "سفلیس و سوزاک" - شیوع "تب دنگی" در کیوبا و ویروس همه‌گیر "آپولا" در سال ۲۰۱۴ در سیرالیون، و اکنون با انتشار ویروس کرونا می‌خواهد به خواست‌های خود تحقق بخشد.»

از طرف دیگر، رسانه‌های اجتماعی کلیپ تصویری از "جورج دبلیو بوش" رئیس جمهور پیشین آمریکا را دست به دست نموده‌اند که در صحبت‌های سال ۲۰۰۵ وی به صورت مشخص از یک شیوع جهانی تحت عنوان "جنگ بیولوژیکی" اشاره داشته است.

متن صحبت‌ها را درین جا نشر می‌کنیم:  
«این ویدیوی صحبت رئیس جمهور "جورج دبلیو بوش" در سال ۲۰۰۵ میلادی است:

ما می‌توانیم، به کشور خود برای [جلوگیری از] خطرات دیگری مانند؛ حملات تروریستی با استفاده از سلاح‌های کیمیایی و بیولوژیکی، کمک کنیم.

زیرا گلوبالایسیون نوین سرمایه‌های امپریالیستی تضادهای ذاتی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی را به نحو خیلی قدرت‌مندتر از قبل بر جهان حاکم ساخته است و راه حل بنیادی تضادهای مذکور فقط و فقط از راه انقلاب در جهان و سرنگونی کلیت نظام حاکم بر جهان کنونی است.

رئیس جدیدالتقرر سازمان جهانی صحت "داکتر تدروس ادهانوم نیز کسی است که در خدمت منافع قدرت‌های امپریالیستی بزرگ، قرار دارد.

مرکز امنیت صحت "جان هاپکینز" به تاریخ ۱۸ اکتوبر ۲۰۱۹ در بالتیمور از آزمون به اصطلاح شبیه‌سازی ایجاد بیماری همه‌گیر ویروس کرونا تحت عنوان "ای ونت ۲۰۱"، پرده برداشت.

در بیانیه‌ای که درین رابطه انتشار یافت چنین می‌خوانیم:

«بیانیه کرونا. ویروس جدید و عمل‌کرد همه‌گیری آن:

در اکتبر سال ۲۰۱۹، مرکز امنیت صحت "جانس هاپکینز" یک تمرین به اصطلاح شبیه‌سازی همه‌گیر به نام "رویداد ۲۰۱" با هم‌کاران، مجمع جهانی اقتصاد و بنیاد بیل و ملیندا گیتس برگزار کرد.

اخیراً، مرکز امنیت صحت این سؤال را در مورد این‌که آیا این عمل‌کرد فراگیر، شیوع ویروس کرونای جدید (nCov) را در چین پیش‌بینی می‌کند، دریافت کرده است. به طور واضح، مرکز امنیت صحت و هم‌کاران آن، در حین تمرینات تبلیغاتی هیچ توصیفی انجام ندادند. برای این سناریو، ما از بیماری همه‌گیر ویروس

صحت بود. داکتر "مارگاریت چان" (Dr. Margaret Chan) در سال ۲۰۰۷ میلادی به حیث دبیرکل سازمان جهانی صحت تعیین گردید و دو سال بعد درباره بیماری همه‌گیر گریپ خوکى H1N1 چنین گفت:

«سازمان جهانی صحت (WHO) در بهترین حالت، ۴/۹ میلیارد واکسن ضد پاندمی آنفولانزا در سال را که توسط تولیدکنندگان عرضه می‌شود، را می‌تواند ناظر باشد.» (مارگاریت چان - دبیرکل سازمان جهانی صحت - رویترز - ۲۱ جولای ۲۰۰۹)

پس ازین بیانیه در شبکه رویترز بود که پارلمان اروپا به صراحت موضع‌گیری نمود و به صورت آشکار اعلام کرد که در سال ۲۰۰۹ بیماری "گریپ خوکى - H1N1" اصلاً وجود نداشته و اعلام وضعیت اضطرار از طریق دبیرکل سازمان جهانی صحت یک کلاه‌برداری آشکار برای کسب درآمد و سود مالی بوده است.

موضوع به همین منوال باقی نماند، هرچند "مارگاریت چان" تا سال ۲۰۱۷ میلادی به عنوان دبیرکل سازمان جهانی صحت بر سر وظیفه اش باقی ماند، اما در نهایت به دلیل تقلب‌کاری، تباری با کمپنی‌های بزرگ داروسازی، فریب مردم و مسائل عام دیگری که از طرف اتحادیه اروپا علم گردید، مجبور به کناره‌گیری از وظیفه‌اش شد.

سازمان جهانی صحت این بار شخص دیگری را روی کار آورد.

نظام امپریالیستی حاکم بر جهان کنونی با تغییر چهره‌ها نمی‌تواند اصلاح‌پذیر باشد

فیصدی بازارهای بورس جهانی و ...، این‌ها همه یکی پی دیگری نمی‌تواند برای نظم نوین اقتصادی در سطح جهانی بی‌ربط باشد، بلکه می‌تواند جهان بعد از کرونا را، از لحاظ اقتصادی، جهان دیگری برای نظام‌های امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیست چین رقم زند.

از طرف دیگر، تقابل و تبادلی ذات‌البینی امپریالیستی در سطح جهان منجر به تغییر محیط زیست، از بین رفتن لایه اوزون، گرم شدن و بلند رفتن درجه حرارت کره زمین، تغییرات اکولوژیکی در قطب شمال و ذوب شدن کوه‌های منجمد قطبی، بلند رفتن سطح آب‌ها و اقیانوس‌ها، آتش‌سوزی جنگلات در استرالیا و جنگل‌های آمازون همه و همه می‌تواند شهودی بر جهش ژنتیک و ویروس کرونا از خانواده سارس و مرس به کروناویروس تلقی گردد.

هنوز هم دانشمندان متعددی در اکتاف و اطراف جهان در حال پیدا کردن منشأ این ویروس هستند تا بتوانند به یک نتیجه مطلق درمان جهانی دست یازند. برای رسیدن به این پاسخ که آیا سایر کشورها می‌توانند تداوی جزای را برای خود در نظر بگیرند که ما قادر به انجام آن نباشیم، باید گفت خیر! زیرا وقتی یک مرض اپیدمی (همه‌گیری) به مرض پاندمی (همه‌گیری جهانی) مبدل می‌گردد، بالمقابل همان طوری که هر عمل یک عکس‌العمل دارد، مرض پاندمی در مقابل خوداندمی (مصنویت دسته جمعی) را اختیار می‌کند. هیچ امکان نخواهد داشت که دوی ویروس

کرونا، داستانی الگوبرداری کرده‌ایم، اما صریحاً اظهار داشتیم که این یک پیش‌بینی نبود.» (مرکز امنیت صحت "جانس هاپکینز")

دیده می‌شود که "شبیه‌سازی" در اکتوبر سال ۲۰۱۹ به نام nCov-2۰۱۹ کمتر از دو ماه قبل از ظهور "کووید -۱۹" انجام شده بود و "شبیه‌سازی" ویروس درین مرکز با "شبیه‌سازی" سقوط ۱۸/۸ فیصدی بازارهای بورس جهانی مرتبط است.

اپیستیمولوژی "کووید -۱۹" نشان می‌دهد که بنیاد بیل، ملینداگیتس، مجمع جهانی اقتصاد و سازمان جهانی صحت، قدرت‌های بودند که ازین همه‌گیری که بعداً پاندمی (همه‌گیری جهانی) گشت، حمایت کرده و تمرین "شبیه‌سازی" را در هم‌راهی با سازمان صحت جهانی به پیش برده‌اند.

اپیستیمولوژی "کووید -۱۹" نشان می‌دهد که سازمان جهانی صحت قبل ازین که "ناوول - کرونا" (nCov) را به "کووید -۱۹" (COVID-19) تغییرنام دهد، تمرین به اصطلاح شبیه‌سازی را انتخاب کرده بود.

با تکیه بر اپیستیمولوژی ویروس کروناست که می‌توان گفت: گزارش پروفیسور «ماتیاس چانگ»، کلیپ سخن‌رانی سال ۲۰۰۵ "جورج دلیو بوش"، پیامد تغییرات در رأس رهبری سازمان جهانی صحت، اعتراضات اتحادیه اروپا در مورد سازمان جهانی صحت، گزارشات منتشره سازمان جهانی اقتصاد، تبادلی امپریالیستی به خاطر سقوط ۱۸/۸



علیه اشکال رنگارنگ رویونیوزم کهن و رویونیوزم جدید آن را حراست نمایند و در مسیر پرتلاطم چنین مبارزه ای باید جنگ خلق را جهت نابودی قطعی سیستم منحنی امپریالیستی - ارتجاعی حاکم بر جهان تدارک بگیرند، و آن را به راه انداخته، گسترش داده و به پیروزی برسانند.

به هر حال، این را باید به خاطر داشت که یک جهش کیفی دشوار در انتظار ماست؛ ولی پیوندهای ما با پیش‌تازان مانوئیست در سراسر جهان درین راه دشوار پیش‌رفت می‌کند و این امیدواری برای هر یک از ما توان مقابله و عزم راسخ‌تر از قبل می‌دهد و این عامل بزرگ قدرت و استقامت است که به ما امید می‌دهد که این جهش کیفی حاصل شود.

در مورد آنتولوژی ویروس کرونا، می‌توان به مباحث فراوانی اشاره نمود. از قانون بقاء انرژی گرفته تا تغیر و تکامل، از خصوصیات موجودات حیه گرفته تا شرایط ایکولوژیکی و محیط زیستی، از پیدایش گرفته تا جهش ژنتیکی، همه و همه می‌تواند بخشی از مبحث آنتولوژی ما را در بر بگیرد. ما نمی‌خواهیم به مبحث طولانی درین رابطه بپردازیم بلکه تمرکز کار را روی چرا و چه‌گونگی ویروس "کووید - ۱۹" متمرکز می‌سازیم.

انسان‌ها در طول تاریخ تکامل‌شان به علت نزدیک بودن "دی - ان - ا" (DNA) انسانی با حیوانی، به امراض متفاوتی مبتلا گردیده اند که گاهی از حیوان به حیوان و سپس از حیوان به انسان نیز سرایت کرده است. زمانی است که امراض گوناگون حیوانی که به انسان‌ها سرایت

کرونا در یک کشور کشف گردد و سایر کشورها از آن بی‌اطلاع باقی بمانند.

اما، آن چه را که اپیستیمولوژی شیوع ویروس کرونا، نشان می‌دهد، بیانگر تغییرات کلی سطح جهانی است که می‌تواند جهان بعد از کرونا را تغییر دهد، همان طوری که جهان پس از جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ جیوپولیتیکی، شاهد تغییرات بی‌شماری بوده است.

درین رابطه لنین به صراحت یادآوری کرده است که:

«دوران سرمایه‌داری نوین به ما نشان می‌دهد، بین اتحادیه‌های سرمایه‌داران بر زمینه تقسیم اقتصادی جهان مناسبات معینی به وجود می‌آید. به موازات این جریان و به مناسبت آن بین اتحادیه‌های سیاسی یعنی دولت‌ها نیز بر زمینه تقسیم ارضی جهان و مبارزه بر سر مستعمرات یعنی "مبارزه در راه تحصیل سرزمین اقتصادی" مناسبات معینی به وجود می‌آید.» (تاکید از لنین است - منتخب آثار تک جلدی لنین - صفح ۳۹۲)

اپیستیمولوژی ویروس کرونا در جهان امروزی نشان می‌دهد که احزاب کمونیست (مانوئیست) در جهان، به شمول حزب کمونیست (مانوئیست) افغانستان، باید با تکیه بر اصول مارکسیزم - لنینیزم - مانوئیزم هوشیاری انقلابی خویش را بالا ببرند، آمادگی‌های سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی شان را افزایش دهند و سلاح رزمنده مارکسیزم - لنینیزم - مانوئیزم را در کف میلیون‌ها توده ستم‌دیده در جهان قرار داده و در جریان مبارزه بی‌رحمانه

خصوصیت "دی - ان - اِ" (DNA) هریک: ذخیره اطلاعات، دو رشته‌ای بودن مالیکول، تثبیت قند پنج کاربندی، خارج نشدن از هسته سلول در "دی - ان - اِ" میان خوک‌ها و انسان‌ها مشابهت وجود دارد.

همچنان درین بحث نشان داده اند که چهار خصوصیت "آر - ان - اِ" (RNA) هریک: انتقال اطلاعات وراثتی، تک‌سلولی بودن، ریبیوز دنوکسی و همچنان خارج شدن از هسته سلول در "آر - ان - اِ" (RNA) میان خوک‌ها و انسان‌ها مشابه هستند.

این چنین شباهت به وضوح نشان داد که ویروس‌ها نیز می‌توانند از حیوانات به انسان‌ها سرایت کنند و همچنان می‌توانند جهش ژنتیکی داشته باشند.

از نگاه تاریخی نیز، قبل از سال ۱۷۷۶ میلادی زمانی‌که امریکا مستعمره اسپانیا بوده است، برای اولین بار اسپانیایی‌ها اسب‌ها را با خود به آن جا بردند و از آن جا که مردم بومی آن مناطق در مقابل ویروس این حیوانات هیچ ایمنی نداشتند، باعث گردید تا میلیون‌ها نفر در فلوریدا، مکزیک و پیرو از بین بروند و بنا به قول "جرید دایموند" (نویسنده کتاب: اسلحه، میکروب و فولاد) از سکنه خالی گردید و سالیان زیادی را دوباره در بر گرفت تا شهرهای بزرگ امریکا دوباره به حالت اول خودش برگردد.

زمانی که علوم طبی رشد یافت، در مسیر تکامل خود توانست ضایعات ویروس‌های تداخلی از حیوانات به انسان‌ها

کرده، شیوع یافته و تعداد زیاد تلفات را بر انسان‌ها تحمیل کرده است.

از دوره‌های پیشین که انسان‌ها به صورت گله‌یی زندگی می‌کردند تا کنون، نزدیک بودن آنان به حیوانات منجر به اهلی نمودن تعدادی ازین حیوانات گردید و نزدیکی به این حیوانات به یک عرف عادی جوامع بدل گشت.

در پایان قرن بیست، تعدادی از دانش‌مندان روی مسئله "شبیه سازی" حیوانات مبنی بر ایجاد تغییرات بنیادین سلول‌های پایه‌یی کار نمودند تا سرحدی که انگیزسیون (دستگاه تفتیش عقاید) در امریکا و اروپا، کار "شبیه‌سازی" را متوقف ساختند.

دانش‌مندان زیست‌شناسی، در زمان "شبیه سازی" به یک سلسله اطلاعات مهم دست یافتند؛ از آن‌جمله نزدیک بودن فراوان "دی - ان - اِ" (DNA) خوک‌ها با انسان‌ها که بر اساس اطلاعات نشر شده، خوک‌ها تقریباً ۹۸ فی‌صد "دی - ان - اِ" (DNA) مشابه به انسان را دارا هستند.

به تاریخ ۳ می ۲۰۱۰، مقاله‌ای در سایت علمی "شبکه رسانه‌یی استرالیا" (ABC Science) تحت عنوان "آیا خوک‌ها ۹۸ فیصد از ژن‌های انسانی را دارا هستند؟" به نشر رسید که باعث سروصدای زیاد رسانه‌یی گردید و با موضع‌گیری شدید دستگاه تفتیش عقاید (انگیزسیون) مواجه شد.

درین مقاله علمی نتیجه‌گیری کلی دانش‌مندان علوم زیستی بر پایه استدلالات بیولوژیکی، نشان می‌هد که چهار

به طور نمونه هرگاه کسی از اثر " آتروپین و انتی نرژیک ها" مسموم شود، آنتی دوت مقابل آن "نئوستیگمین" و "فیزوستیگمین" است که برای بزرگسالان از راه وریدی تا ۲ ملی گرام و برای کودکان ۰,۰۸ ملی گرام در هر کیلو وزن کودک به صورت تزریق آهسته وریدی به کار گرفته می شود.

به عین ترتیب اگر کسی از اثر ایتانول مسموم شود در مقابل آن تیمین پیچکاری می شود.

اگر کسی از اثر استامینوفن مسموم گردد در مقابل آن از اسیتایل سیستین به صورت خوراکی استفاده می کنند.

آنکولوژی ویروس کرونی جدید نیز به اساس استدلالات فوق می تواند ما را به موضوع جهش ژنتیکی نزدیک بسازد که این جهش از یک طرف می تواند به خاطر تغییر اقلیم که فوقاً بدان اشاره نمودیم اتفاق افتاده باشد و همچنان می تواند توسط انسان ها در لابراتوارهای کشورهای امپریالیستی ساخته شده باشد. به هر حال ویروس، قوی تر از گذشتگان خود (مرس و سارس) عمل می کند و نباید این تغییر را نادیده گرفت.

آنکولوژی ویروس کرونی جدید به ما این امکان را می دهد که به تر به جهش ژنتیکی ویروس پی ببریم، زیرا اگر جهش ژنتیکی موجود باشد در آن صورت امکان تأثیر بر کد ژنتیکی موجود نیست اما، کاهش عوارض به جا مانده از ویروس و کم تر مهلک شدن این ویروس در دراز مدت را می توان مطرح نمود، اما نمی توان تضمین کرد.

را کاهش دهد اما کاملاً از بین برده نتوانست.

همان طوری که ضایعات ویروس ها بر اثر پیشرفت علوم طبی، کاهش یافت، برعکس می توانست به افزایش نیز منجر گردد.

بعدها، کشورهای امپریالیستی که از سودهای سرسام آوری بهره مند شدند، دانشمندان علوم زیستی را نیز به اختیار گرفتند و برای تغییر ژنتیک ویروس ها، شرکت های دواسازی و انتی دوت دواها را برای سودآوری وارد بازار نمودند.

کتاب " اسلحه، میکروب و فولاد" نیز بیش تر به همین مبحث می پردازد تا نشان دهد انسان بر اثر پیشرفت تکنالوجی چه قدر حریص و آزمندانه به پیش می رود. چه قدر می تواند محیط زیست خود را از طریق سلاح های "میکروبی"، از بین برده و باعث قتل عام هزاران نفر در سراسر کره خاکی گردد.

ویروس ها بر اثر تداخلات انسانی که در کتاب " اسلحه، میکروب و فولاد" مطرح گردیده، ژن های متغییر و جهش یافته به خود می گیرند و قادر خواهند بود برای مدت مدید در فضا بمانند.

ویروس ها در اصل با وارد شدن در بدن میزبان زنده می شوند و باعث تکثر شده و در همانجا لانه می گزینند.

فن آوری، رشد تکنالوجی و رشد علوم زیست شناسی و طبابت باعث گردیده که دانشمندان برای هر عمل، عکس العملی و برای هر مسمومیت یک آنتی دوت با تعیین مقدار "دوز" مصرفی آنتی دوت معینی بسازند.

۳. سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷) - آثار منتخب مانو تسه دون
۴. گزارش به دومین پولینوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۵ مارس ۱۹۴۹) آثار منتخب مانوتسه دون - جلد ۴
۵. درباره عمل (جولای ۱۹۳۷) آثار منتخب مانوتسه دون - جلد یک
۶. سه منبع و سه جزء مارکسیزم - مجموع آثار ومقالات لنین - صفحه ۲۷
۷. دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک - اثر لنین - صفحه ۵۰
۸. اساس نامه حزب کمونیست (مانوئیست) افغانستان - مبحث انترناسیونالیزم پرولتری
۹. مارکس و انگلس - ماتیفست حزب کمونیست، صفحه ۵
۱۰. سند اوضاع جهانی - مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۹۳ - جنبش انقلابی انترناسیونالیستی
۱۱. سند زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مانوئیزم - مصوبه کنفرانس احزاب و سازمان ها - ۲۶ دسامبر ۱۹۹۳
۱۲. منتخب آثار تک جلدی لنین - صفحه ۳۹۲
۱۳. حزب کمونیست ویتنام پیرامون کرونا - هواهنگ بینه کو آن، عضو کمیته مرکزی حزب

آنکولوژی ویروس کرونای جدید به ما این امکان را می دهد که بدانیم، اگر قبل از جهش ژنتیکی واکسین ساخته شود موثر واقع خواهد شد، در غیر آن پس از جهش ژنتیکی، واکسن نیز تأثیر خود را از دست خواهد داد. همان طوری که واکسن سرماخوردگی فعلاً به دلیل چنین جهش ژنتیکی ویروس سرماخوردگی (Common Cold)، نمی تواند بر بدن میزبان اثری داشته باشد.

آنکولوژی ویروس کرونای جدید به ما می آموزاند که با حدس و گمان زنی "علمی" که شاید و نشاید را در پی دارد و یک حرکت صرفاً مکانیکی است و نمی تواند با اتکاء به قوانین علمی، استدلالات منطقی و تثبیت شده را ارائه بدارد، باید مقابله کنیم.

پایان

\*\*\*\*\*

منابع و ماخذ:

۱. درباره رابطه شناخت و پراتیک، دانستن و عمل کردن - (مانوتسه دون - جولای ۱۹۳۷)
۲. کتاب "اسلحه، میکروب و فولاد، سرنوشت جوامع انسانی" اثر جرید دایموند و ترجمه حسن مرتضوی - انتشارات بازتاب نگار - منتشره وب سایت جنبش جمهوری خواهان دموکراتیک ایران (وبسایت ندای آزادی)

- [%DA%86%D9%82%D](#)  
[%AF/](#) (خط خبر لرستان ایران)
۱۷. [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3\\_%D8%AA%D8%A8\\_%D8%AF%D9%86%DA%AF%DB%8C](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3_%D8%AA%D8%A8_%D8%AF%D9%86%DA%AF%DB%8C)  
(سایت ویکی پدیا)
۱۸. [https://www.bbc.com/persian/science/2014/04/1404\\_07\\_14\\_vid\\_dengue\\_fevr](https://www.bbc.com/persian/science/2014/04/1404_07_14_vid_dengue_fevr)  
(بی بی سی فارسی)
۱۹. [https://tejaratnews.com/t\\_raining/%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3-%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D8%B3](https://tejaratnews.com/t_raining/%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3-%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D8%B3)  
(تجارت نیوز)
۲۰. [https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruse/situation-reports/20200420-sitrep-91-covid-19.pdf?sfvrsn=fef0670b\\_4](https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruse/situation-reports/20200420-sitrep-91-covid-19.pdf?sfvrsn=fef0670b_4)
۲۱. <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel->
- کمونست ویتنام: ۲۰ اپریل ۲۰۲۰
۱۴. کووید - ۱۹ را " ویروس چینی" نامیدن نادرست و خطرناک است - ماری ویل - منبع: مذاکره (دقت آکادمیک ، فراست ژورنالیستی) - تارنگاشت عدالت
۱۵. Book: "GUNS, GERMS, AND STEEL" - 532 pages - THE FATES of HUMAN SOCIETIES - JARED DIAMOND - With a new afterword about the modern word
۱۶. <http://khatkhabarlorestan.ir/%D8%B9%D9%85%D8%B1-%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D8%A8%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%B7%D9%88%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE->

۲۵. <https://www.abc.net.au/science/articles/2010/05/03/2887206.htm> (سایت علمی)

استرالیا

۲۶. <https://www.dw.com/af/%D9%BE%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%85%DB%8C-%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3-%DA%A9%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%A7-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D8%A2%D8%BA%D8%A7%D8%B2-%DA%AF%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%AF/av-52862198> (

سایت خبری دویچه ویله

۲۷. <https://www.nydailynews.com/news/world/ny-20200129-tyr4txnh05dwlhkv7lwyfs7m-story.html>

۲۸. <https://www.investors.com/news/coronavirus->

[coronavirus-2019/situation-reports](https://www.investors.com/news/coronavirus-2019/situation-reports) (WHO)

۲۲. <http://nedaveazady.org/2011/10/24/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%AD%D9%87%D8%8C-%D9%85%DB%8C%DA%A9%D8%B1%D9%88%D8%A8-%D9%88-%D9%81%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%AF-%D8%B3%D8%B1%D9%86%D9%88%D8%B4%D8%AA-%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%85%D8%B9-%D8%A7%D9%86%D8%B3/?print=pdf>

۲۳. <https://ir.sputniknews.com/opinion/> (اسپوتونیک)

۲۴. <https://www.mondialisatyon.ca/coronavirus-covid-19-une-fausse-pandemie-qui-est-derriere-cela-destabilisation-economique-sociale-et-geopolitique-mondiale/5642275> (گاهنامه هنر و مبارزه)

# بحران کرونا در جهان و افغانستان و ضرورت حضور نیروهای پیشرو در مبارزه علیه آن

تا کنون بیش از یک میلیون انسان در سراسر جهان به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده اند و بیش از ۶۰ هزار نفر جان باخته‌اند. این رقم به سرعت در حال افزایش است به گونه‌ای که آمار چند ساعت قبل کهنه به نظر می‌رسد. شیوع جهانی مریضی کووید ۱۹ و تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن تا کنون نشان می‌دهد که رخداد تاریخی مهمی در حال وقوع است.

شیوع بیماری‌های واگیر در تاریخ بشر بی‌پیشینه نیست. حداقل از آغاز اهلی سازی حیوانات، چندین بار بیماری‌های جدید واگیر در بین جوامع انسانی شیوع پیدا کرده که نتیجه آن، بارها مرگ میلیونی نوع بشر بوده است. با این حال، جوامع بشری در هر زمان مطابق به شرایط مادی و توانایی‌های علمی‌شان با آن مقابله کرده‌اند. اما شیوع بی‌ماری کووید-۱۹ و تبدیل شدن آن به بزرگ‌ترین بحران صحتی جهانی، نشان‌دهنده وضعیت فلاکت‌بار کنونی

[stock-market-correction-dow-jones-punges-microsoft-mastercard-warn-disney-ceo-bob-iger-out/](https://www.reuters.com/article/us-flu-who/who-sees-4-9-billion-pandemic-flu-shots-in-best-case-idUSTRE54H1XO20090519)

۲۹. <https://www.reuters.com/article/us-flu-who/who-sees-4-9-billion-pandemic-flu-shots-in-best-case-idUSTRE54H1XO20090519>

۳۰. <https://www.centerforhealthsecurity.org/event201/>



والی نیویارک در ۲۷ مارچ در یک کنفرانس خبری با شکایت از دولت فدرال امریکا گفته است:

«در حالی که این ایالت به ۳۰ هزار دستگاه تنفس مصنوعی نیاز دارد، دولت فدرال برای آنان فقط ۴۰۰ دستگاه فرستاده است!»

این فاجعه در ثروتمندترین کشور سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد. در کشوری که پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و جدیدترین تکنالوژی‌های خشونت و سرکوب را در اختیار دارد، اما امروز صدها نفر در همین کشور به دلیل نبود یک دستگاه ساده‌صحنی می‌میرند. با این وجود، مقامات غربی از امکان ابتلای ۷۰ درصد نفوس این کشورها به بی‌ماری کووید ۱۹ خبر داده و آشکارا از مرگ میلیون‌ها انسان صحبت می‌کنند. این وضعیت، بیش‌تر از هر زمانی، ماهیت ضد انسانی و جنایت‌کارانه نظام سرمایه‌داری امپریالیستی را آشکار می‌کند.

یکی از دلایل شیوع گسترده بیماری کووید ۱۹ در جهان، کمبود بسته‌های آزمایشی عنوان شده است. اکنون بسیاری از کشورهای جهان و در صدر آن کشورهای ثروت‌مند غربی، دچار کمبود بسته‌های آزمایشی، دستگاه تنفس مصنوعی و دیگر ضرورت‌های اولیه‌صحنی هستند. سازمان جهانی صحت از کشورهای غربی به دلیل عدم آزمایش کرونا به صورت گسترده آن انتقاد کرده است. بر اساس برآورد این سازمان، آمار و ارقام مبتلایان به بیماری کووید ۱۹ زمانی قابل اعتماد خواهد بود که مردم به صورت گسترده آزمایش شوند، اما مقامات غربی به گفته رییس این سازمان، با چشم بسته با آتش مبارزه می‌کنند.

نظام سرمایه‌داری بر اساس سود و انباشت سرمایه استوار است؛ اضافه تولید همیشه یکی از ویژگی‌های اصلی نظام سرمایه‌داری بوده

بشر است. گسترش جهانی این بیماری و چه‌گونگی برخورد حاکمان جهان با آن، آستی‌ناپذیری مناسبات اجتماعی حاکم بر جهان را با منافع عموم بشر نشان می‌دهد و بیش‌تر از گذشته چهره‌ی ضد انسانی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی را به نمایش می‌گذارد.

امریکا و اروپا به ترتیب کانون اصلی شیوع فطی این بی‌ماری در جهان شناخته شده‌اند. تجربه این چند ماه نشان می‌دهد که ثروتمندترین کشورهای سرمایه‌داری برای مقابله با شیوع این بی‌ماری و تداوی بیماران آن آمادگی ندارند. در ایتالیا، اسپانیا و امریکا کمبود شدید ضرورت‌های اولیه‌صحنی مانند ماسک، دستکش و لباس‌های مخصوص برای داکتران و نرس‌ها، کمبود بستر شفاخانه‌ها و دستگاه تنفس مصنوعی برای بیماران گزارش شده است. در نتیجه نبود این امکانات، داکتران مجبور شده‌اند میان بیماران‌شان انتخاب کنند: چه کسی زنده بماند و چه کسی بمیرد!

امریکا در جهان و نیویارک در امریکا به کانون اصلی شیوع این بیماری تبدیل شده است. ادوارد سعید، نیویارک را به دلیل اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن در جهان "پایتخت عصر ما" لقب داده است. حالا این "پایتخت عصر ما" با داشتن بیش از ۱۰۰ هزار بی‌مار مبتلا به این بی‌ماری، به پایتخت شیوع این طاعون در جهان تبدیل شده است. در شهری که بعضی از شهروندان آن طیاره، زیردریایی و جزیره‌های شخصی دارند، به دلیل کمبود یک تکنالوژی ساده‌صحنی (دستگاه تنفسی)، صدها نفر روزانه جان می‌دهند. تنها در ۳ اپریل در نیویارک بیش از ۵۶۰ نفر جان باخته‌اند و بیش از ده‌هزاروپنجاه نفر به این بی‌ماری مبتلا شده‌اند. بر اساس گزارش رسانه‌ها، "پایتخت عصر ما" دیگر جایی برای نگهداری مرده‌ها ندارد.



جلوگیری از آن تأکید کردند. آنان پیش‌نهاد می‌کردند که بگذارید ۷۰ درصد جامعه به آن مبتلا شود تا "مصنوعیت گله" به وجود آید. یعنی آشکارا از راه‌کاری سخن می‌گفتند که میلیون‌ها انسان را به کام مرگ می‌فرستاد.

در زمانی که کشورهای ثروت‌مند غربی در مقابله با این ویروس با شکست مواجه اند، وضعیت در کشورهای فقیر تحت سلطه امپریالیزم چگونه خواهد بود؟

اگر لیبرال دموکرات‌های غربی از ابتلای ۷۰ درصد نفوس کشورهای شان به این بیماری سخن می‌گویند، حاکمان مرتجع کشورهای تحت سلطه امپریالیزم مانند رژیم دست‌نشانده افغانستان، برنامه بهتری برای مردم نخواهند داشت. طبقات حاکم در افغانستان برای نجات خود و خانواده‌های شان تلاش خواهند کرد، اما تهی‌دستان و توده‌ها قربانی خواهند داد. همه‌گیری این بی‌ماری در افغانستان توانایی خلق فاجعه عظیم را دارد.

به این خاطر نیروهای پیش‌رو جامعه باید خطر این ویروس را جدی بگیرند. ما باید شناخت‌مان را از این خطر افزایش دهیم. توده‌های مردم را برای مبارزه با آن آگاهی دهیم، چون بدون شناخت با هیچ دشمنی نمی‌شود مبارزه کرد.

تا هنوز بیش‌ترین تلفات این بی‌ماری در بین کهن‌سالان گزارش شده است، اما معلوم نیست یک جا شدن این بی‌ماری با فقر، گرسنگی، سوءتغذی و بی‌ماری‌های دیگر که در کلبه‌های فقیرنشین وجود دارد، چه نتیجه‌ای در بر خواهد داشت. شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افغانستان، توده‌ها را در مقابل این بی‌ماری آسیب‌پذیرتر می‌سازد. برای جلوگیری از شیوع بی‌ماری، فاصله‌گیری اجتماعی و شستن دست‌ها توصیه شده است. توصیه‌هایی که برای اکثریت توده‌های شهری در افغانستان مسیر نیست. فاصله‌گیری

است. در شیوه تولید سرمایه‌داری، همیشه کالا بیش‌تر از تقاضا یا توان خرید تولید می‌شود. این هم‌واره یکی از دلایل بحران در نظام سرمایه‌داری نیز بوده است. پس چرا نظام همیشه دچار اضافه تولید، امروز دچار کمبود ضرورت‌های صحت اولیه است؟

پاسخ این سوال در دیدگاه نظام سرمایه‌داری به مسئله صحت نهفته است. بر اساس این دیدگاه، بهداشت عمومی به عنوان هزینه ارزیابی می‌شود، هزینه‌ای که سود را کاهش داده، روند انباشت سرمایه را کند می‌کند. در چند دهه اخیر، سرمایه‌داری نیولیبرالی خدمات صحتی را قربانی افزایش سود و انباشت سرمایه کرده است.

از سوی دیگر، کار تحقیق روی ویروس کرونا و پیدا کردن راه حل، قربانی منافع کوتاه نظرانه و سودجویانه شرکت‌ها و کشورهای مختلف می‌شود. مثال "بز در غم جان و قصاب در غم چربی" در اینجا صدق می‌کند؛ در زمانی که نوع بشر در تقلائی زنده ماندن است، شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری و دولت‌های مدافع آن به فکر انحصاری کردن حق مالکیت و تولید واکسین جدید اند و با یکدیگر بر سر کشف و تولید آن رقابت می‌کنند. در عدم هماهنگی جهانی برای مبارزه با شیوع ویروس کرونا، تلاش‌ها برای کشف واکسین جدید نیز با رقابت و هرج‌ومرج معمول شیوه تولید سرمایه‌داری مواجه شده است.

اگر گزارش‌های دولت چین درست باشد، مهار ویروس کرونا امکان‌پذیر بوده است. اما در ابتدا کشورهای غربی به جای برنامه‌ریزی برای جلوگیری از شیوع این ویروس، به گسترش آن کمک کردند. مقامات کاخ سفید در آغاز، خطر این ویروس را انکار نموده و آن را به زکام فصلی تشبیه کردند و حتی شیوع آن در چین را برای اقتصاد امریکا مثبت دانستند. مقامات ارشد صحتی انگلیس بر بی‌فایده بودن

## ریشه‌های اجتماعی

### کووید-۱۹، به اندازه

### خود [بیماری و] ویروس

### [کرونا] مهم است

نویسنده: "اجیت" - از حزب کمونیست هند  
(مانوئیست)

ترجمه: شعله جاوید

نقل از: "جرقهء سرخ"، ۲۱ اپریل ۲۰۲۰

بیش‌ترین وقایع مرگ و میر کووید-۱۹ در کشورهای پیش‌رفته اتفاق افتاده که تصور می‌شد امکانات صحی به‌تری دارند. هر چند می‌توان دلایل زیادی برای آن تصور کرد، اما دلیل اصلی آن سیاست‌های نیولیبرالی است که خدمات صحی عمومی را محدود کرده است. عدم مداوای بر وقت برجسته‌ترین دلیل مرگ و میر در امریکا و ایتالیا بوده است، بسیاری‌ها اصلاً تداوی نشدند. برای اکثریت عظیم از تهی‌دستان در امریکا که بیمه صحی ندارند، دست

اجتماعی، ضرورت به خانه‌نشینی دارد، اما توده‌های فقیر که روزمزد کار می‌کنند، چه‌گونه می‌توانند در خانه بمانند؟ آنان به دلیل فقر اقتصادی، نمی‌توانند از کارهای شان دست بکشند و در خانه بنشینند. شهرها مزدحم است و امکان فاصله‌گیری اجتماعی در بیرون از خانه مسیر نیست. از سوی دیگر، همه اعضای یک خانواده معمولاً در یک یا دو اتاق کرابی به سر می‌برند که در نتیجه، ابتلای یک نفر، به معنی ابتلای یک خانواده است. افزون بر آن، در بسیاری از موارد، توده‌های شهری افغانستان به آب کافی دسترسی ندارند. شمار زیادی از مردم فقیر در دامنه‌های کوه‌ها زندگی می‌کنند که به سختی آب آشامیدنی‌شان را به خانه می‌رسانند. به این ترتیب، شستن دست به گونه‌ای که از سوی سازمان جهانی صحت توصیه شده، برای آنان ناممکن است.

بنا بر این، توده‌های مردم در افغانستان در مبارزه با کرونا تنها اند. در افغانستان زیر اشغال و در عدم مشروعیت حکومت، مردم نه تنها به خدمات صحی دولتی بی‌اعتماد اند، بلکه به تبلیغات و معلومات ارانه شده توسط رسانه‌ها نیز به دید شک می‌نگرند. در این زمان، نقش نیروهای پیش‌رو و کمونیست در آگاهی‌دهی به توده‌ها و مبارزه با خرافات و باورهای غیرعلمی بسیار مهم است. آنان باید توده‌ها را در مبارزه علیه این بی‌ماری یاری رسانند.

این مهم است که حزب برای محافظت از نیروهای تحت رهبری خود، آمادگی لازم را بگیرد و برنامه‌ریزی کند و در عین حال صفوف حزب را به مطالعه و بررسی این واقعه مهم تاریخی بسیج کند و برای چالش‌ها و فرصت‌های بعدی آمادگی بگیرد.

"م"

۱۳۹۹/۱/۱۵ - (۳/۴/۲۰۲۰)

است، اما طبیعت در آخر نشان خواهد داد که کار دست چه کسی است. اشاره او به عواقب تخریب محیط زیست است که در نتیجه گسترش جهانی شدن نظام سرمایه داری صورت گرفته است. این مسأله در پیدایش و شیوع جهانی ویروس کرونا به خوبی دیده می‌شود. برخی‌ها بحث را فقط به علل ژنتیکی آن محدود می‌کنند و مناسبات جهانی امپریالیستی را نادیده می‌گیرند. این مسأله به صورت علمی در مقاله منتشر شده در منتلی ریویو، "گردش سرمایه و بیماری کووید ۱۹" به تحلیل گرفته شده است.

**مجله منتلی ریویو** نیز بحث را از بازار گوشت تازه در وهان چین شروع می‌کند، اما با پرداختن به عادات غذاخوری چینی‌ها بر اساس دیدگاه "شرق شناسانه" امپریالیستی از مسیر منحرف نمی‌شود. بل که مقاله از مناسبات اجتماعی-اقتصادی شروع می‌کند که این بازار آن را به نمایش می‌گذارد.

مقاله اشاره می‌کند که «فراتر از ماهی گیری، بازار حیوانات وحشی یک سکنتور رسمی است که توسط عین منابع که تولید صنعتی را پیش می‌برد کاپیتالیزه می‌شود.» در جاهایی که حیات وحش در حال انقراض است، تولید کارخانه گوشت حیوانات وحشی صورت می‌گیرد. مراکز تجارتی و ترانسپورتی این تولیدات کارخانه‌ای حیات وحش را با شهرهای بزرگ در کشورهای مختلف وصل می‌کند. به این ترتیب، راه‌های مواصلاتی سرمایه‌داری زمینه انتقال ویروس‌ها را فراهم می‌کند.

رسی به مراقبت‌های اولیه نیز ناممکن است. به همین خاطر، آنان به محضی که مریض می‌شوند، به داکتر مراجعه نمی‌کنند و زمانی که مجبور به مراجعه می‌شوند، بیماری از کنترل خارج شده است. کمبود وسایل و کارمندان صحتی، وضعیت را بدتر کرده است. ترامپ و دیگر حاکمان امپریالیستی، از همان آغاز، اوج خودخواهی غیر مسولانه را به نمایش گذاشتند. آنان به جای توجه به صحت مردم، به فکر حفظ وضعیت نورمال، فعالیت‌های اقتصادی سودجویانه، بودند. این نیز باعث افزایش آمار مرگ و میر در این کشورها شده است؛ این خسارت را بیماری‌ای رقم زده است که فقط دو در صد آمار تلفات دارد. این فقط سرشت ضد مردمی و در عین حال بی‌کفایتی نیولیبرالیسم و جد آن، سرمایه‌داری، را نشان می‌دهد.

نقش این جنایت کاران در این جا به پایان نمی‌رسد. برخی استدلال می‌کنند که پیدایش این بیماری‌ها اتفاقی است که نمی‌شود از آن جلوگیری کرد. برخی دیگر کاستی‌ها را فقط در شیوه برخورد با این بیماری شناسایی می‌کنند. تعدادی دیگر آن را به عنوان مجازات از سوی طبیعت ارزیابی می‌کنند و برخی دیگر با آن مخالفت می‌کنند. طبیعت بدون شک به عنوان یک قدرت متعالی برای مجازات ما نیامده و در آینده هم نخواهد آمد. با این حال، چیزی شبیه به آن، به مفهوم کلمات انگلس، اتفاق افتاده است.

انگلس نوشته است که انسان می‌تواند خودستایی کند که طبیعت را فتح کرده

کمونیزم است. این تنها راه دستیابی به انسانیتی است که به حیات انسان و طبیعت اهمیت می‌دهد. در حقیقت، کیوبا و ویتنام به این امکان اشاره می‌کنند. هر چند این کشورها سوسیالیست نیستند و در مناسبات امپریالیستی گیرمانده‌اند، اما در آن‌ها برخی مظاهر سوسیالیزم باقی مانده است. سکتور صحتی عمومی در این کشورها وجود دارد. سازمان‌های در این کشورها (کیوبا و ویتنام) وجود دارند که توانایی بسیج گسترده نیروهای داوطلب را دارند که این کشورها را در مبارزه علیه شیوع این بی‌ماری کمک کرده است. دست آوردهای باقی‌مانده از چین سوسیالیستی نیز امروز مدرسان چین سرمایه‌داری [سوسیال] امپریالیستی شده است.

در هندوستان، ایالت کیرالا به خاطر داشتن سکتور صحتی عمومی توانسته است با کرونا بهتر مبارزه کند. در حالی که در مبارزه با ویروس کرونا، شفاخانه‌های بزرگ خصوصی در این کشور به درد مردم نخورده‌اند.

معلوم نیست که این بی‌ماری تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. پی‌آمدی که کرونا در قبال داشته، به بازگشت و تقویۀ سکتور صحتی عمومی خواهد انجامید. اما پیروی آن از قواعد سرمایه، موانعی ایجاد خواهد کرد. حافظه سرمایه ضعیف است و امکان آن زیاد است که سکتور عمومی به خاطر سود، به خصوصی‌سازی تن دهد. حتی اگر سیستم صحتی عمومی حفظ شود، می‌تواند به عنوان منبع تهیه آمار، در خدمت سرمایه قرار گیرد. آمار تهیه شده در سیستم صحتی عمومی می‌تواند به

شرکت "جانسن و جانسن" نقشه‌ای را تهیه کرده که مراکز احتمالی شیوع بیماری‌های واگیر آینده را در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد. مقاله منتهی ریویو این روی‌کرد را نقد کرده می‌نویسد که: توجه روی مراکز پیدایش ویروس‌ها، مناسبات اقتصادی جهانی را نادیده می‌گیرد. که از بستر آن شیوع بی‌ماری می‌خیزد. وقتی این مناسبات را در نظر بگیریم، کشورهای جهان سوم نه، بلکه مراکز اصلی سرمایه جهانی - نیویورک، لندن و هانگ کانگ - بدترین مراکز شیوع بیماری‌های واگیر اند. ویروس‌های جدید از حیات وحش به انسان سرایت می‌کنند. این پروسه در حال حاضر نیز در سرحدات سرمایه‌داری، در جنگلات باقی‌مانده در جریان است. از بین بردن جنگل‌ها، مسکن طبیعی حیات وحش را تخریب می‌کند و شرایط را برای شیوع بیماری‌های جدید مساعد می‌سازد. در مدت چند روز ویروس کرونای جدید از راه‌های مواصلاتی - جهانی سرمایه‌داری، از جنگلات دورافتاده به سراسر جهان سفر کرد.

خلاصه مطلب: ویروس‌هایی که به خاطر پیچیدگی‌های طبیعی جنگلات از جوامع بشری فاصله داشته‌اند، اکنون با از بین بردن جنگل‌ها و تخریبات محیط زیستی توسط سرمایه‌داری، جوامع بشری را تهدید می‌کند.

تغییرات در شرایط زندگی و اقلیمی که در نتیجه جهانی شدن سرمایه‌داری و سیاست‌های نیولیبرالی اتفاق افتاده، دلیل اصلی فاجعاً فعلی است. راه حل بنیادی آن از بین بردن نظام امپریالیستی و پیروزی



شیوع بی‌ماری کووید ۱۹ و قربانیان آن  
و عیاشی و بی‌توجهی دولت مردان پوشالی

افغانستان  
ص ۲۳

رژیم پوشالی کنونی هیچ برنامه‌ای برای مبارزه با  
ویروس کرونا ندارد

ص ۳۲

اپیستیمولوژی و آنتولوژی ویروس کرونا و

نقش ما در مبارزه علیه کووید-۱۹

ص ۴۱

بحران کرونا در جهان و افغانستان و

ضرورت حضور نیروهای پیش‌رو در مبارزه علیه آن

ص ۶۳

ریشه‌های اجتماعی کووید-۱۹، به اندازه خود

[بیماری و] ویروس [کرونا] مهم است

ص ۶۶

SHOLAJAWID2@HOTMAIL.COM  
WWW.SHOLAJAWID.ORG

قیمت داخل کشور ۳۰ افغانی  
قیمت خارج از کشور ۲ دالر

<http://www.facebook.com/896077590481875>